



شرحی بر کشور یهود

اثر تئودور هرتزل

و متن فارسی آن

شیریندخت دقیقیان

The Jewish State

By Theodor Herzl

Prefaced and translated by: Shirin D. Daghighian

شرحی بر کشور یهود اثر تئودور هرتزل

و متن فارسی آن

شیریندخت دقیقیان

ناشر: نویسنده

تماس با نویسنده: mypublicationsdirect@gmail.com

کپی رایت © ۲۰۲۴

فهرست**شرحی بر رساله کشور یهود**

او که بود؟ ۶

چرا هر متصل به زبان فارسی؟ ۸

طرح هر متصل ۹

عناصر طرح لیبرال هر متصل ۱۱

متن کشور یهود

فصل ۱: کشور یهود

پیشگفتار ۱۹

فصل ۲: مسئله یهود ۳۰

تلاش های پیشین برای یافتن یک راه حل ۳۲

علت های یهودی ستیزی ۳۴

تاثیرهای یهودی ستیزی ۳۵

طرح ۳۶

فلسطین یا آرژانتین؟ ۳۹

تقاضا، واسطه و تجارت ۴۰

فصل ۳: شرکت یهود

سرخط ها ۴۱

دارایی های غیرقابل انتقال ۴۲

خرید زمین ۴۳

ساختمان ها ۴۴

سکونتگاه های کارگران ۴۵

کارگران بی مهارت ۴۶

هفت ساعت کار در روز ۴۷

حمایت در ازای کار ۴۹

تجارت ۵۱

دیگر انواع سکونتگاه ۵۱

برخی شکل های انحلال و نقد کردن مالکیت ها ۵۲

تضمین های شرکت یهود ۵۵

برخی فعالیت های شرکت یهود ۵۷

پیشبرد صنایع ۵۸

اسکان کارگران ماهر ۶۰

روش گردآوری سرمایه ۶۰

فصل ۴: گروه های محلی

مهاجرت ما ۶۳

مهاجرت گروهی ۶۳

ربای های ما ۶۶

نمایندگان گروه های محلی ۶۶

طراحی شهرک ها ۶۸

اعزام طبقات متوسط ۶۸

پدیده توده های مردم ۶۹

مصالح انسانی ما ۷۳

عادت ها ۷۴

فصل ۵: انجمن یهودیان و کشور یهود

اداره کشور به نیابت از ملت ۷۵

سرپرست حقوقی یهودیان ۷۹

تملک سرزمین ۸۱

قانون اساسی ۸۳

زبان ۸۴

خداسالاری ۸۵

قوانین ۸۶

ارتش ۸۶

پرچم ۸۶

معاهده های همکاری متقابل و استرداد مجرمان ۸۶

فایده های مهاجرت یهودیان ۸۸

فصل ۶: نتیجه گیری

سرخط ها ۹۰

فهرست آثار شیریندخت دقیقیان ۹۵

شرحی بر رساله کشور یهود

شیریندخت دقیقیان

او که بود؟

گویی سرنوشت پس از دریافت مدرک دکترای حقوق از دانشگاه وین او را به فرانسه فرستاد تا خبرنگار نشریه لیبرال وینی *Neue Freie Presse* بشود. او که در فضای روشنگری یهودیان پروس بارآمده و روشنفکری سکولار و لیبرال بود، آنجا به عنوان خبرنگار در جلسات محاکمه کاپیتان آلفرد دریفوس شرکت کرد. هرچند با وجود تجربه احساسات ضدیهود در وین، هنوز هم خود را یک پروسی وطن پرست می‌دانست، اما با مشاهده دقیق توطئه یهودستیزانه علیه یک افسر وطن پرست یهودی و موج نیرومند یهودآزاری از سوی نیمی از فرانسویان، تکان خورد. اگر فرانسه، مهد آزادی و نخستین کشور اروپایی که در زمان ناپلئون بناپارت حقوق مدنی مساوی به یهودیان اعطا کرد، چنین چهره زشتی به خود بگیرد، پس تکلیف یهودیان کشورهای دیگر که همچنان در گتوها و دست به گریبان با تبعیض، آزار، غارت و پوگروم می‌زیستند، چه بود؟ آنجا مسیر زندگی او و کل تاریخ یهودیان دگرگون شد.

نامش تئودور بنیامین زوهرتسل^۱ متولد دوم ماه مه ۱۸۶۰ بود. کودکی اش اوج دوران روشنگری یهودیان اتریشی بود و او در فضایی سکولار، رشد و تحصیل کرد. هرتسل در سال ۱۸۸۴ مدرک دکترای حقوق از دانشگاه وین دریافت کرد، به کار نویسندگی، نمایشنامه نویسی و روزنامه نگاری پرداخت و سپس در پاریس خبرنگار شد. ماجرای دریفوس^۲ که تاثیر عمیقی در تاریخ فرانسه مدرن گذاشت و موجب اصلاح قانون

^۱ Theodor (Binyamin Ze'ev) Herzl

^۲ در این زمینه نگاه کنید به: دقیقیان: شیریندخت. در دفاع از آلفرد دریفوس. فصلنامه پژوهش-های فرهنگی آرمان، به بنیانگذاری دکتر ساموئل دیان، مدیریت مسئول دکتر مهدی سیاح زاده، و سردبیری شیریندخت دقیقیان، چاپ لس آنجلس، ۲۰۱۹، شماره ۸. متن کامل در این لینک:

اساسی فرانسه شد، هر متصل را وادار به اندیشیدن به آینده یهودیان در اروپا و کشورهای دیگر حامل یهودی ستیزی کرد.

در سال ۱۸۹۴ نمایشنامه ای به نام گتو منتشر کرد که چکیده دیدگاهش پیرامون رد اسیمیلاسیون یهودیان و تغییر دین آنها به مسیحیت در جوامع اروپا بود.

مسئله یهود که پیشتر در سال ۱۸۴۴ از سوی برونو بائر و نقد کارل مارکس بر او در جزوه "پیرامون مسئله یهود" بررسی شد، همچنان راه حلی نیافته بود. برونو بائر، رهایی مسیحی از مسیحیت و رهایی یهودی از یهودیت را راه حل این دشواره می دانست. اما مارکس در نقد بائر، رهایی دولت از هر گونه دین و هر گونه رسمی ساختن دینی خاص و صاحب امتیاز در حاکمیت را راه حل دانست؛ گونه ای راه حل لیبرالی برای تفکیک نهاد دین از حکومت. اما در زمان هر متصل، دشواره هنوز به قوت خود باقی مانده و حادثتر شده بود.

۵۰ سال پس از جدل مارکس با بائر، و به دنبال روشنگری های منتقدان یهودی ستیزی از جمله امیل زولا که جان خود را بر سر دفاع از آلفرد دریفوس و پیروزی دادگاه افسر بیگناه گذاشت، این بار، تئودور هر متصل به عنوان یک یهودی دل بسته به جنبش آزادیبخش ملی یهودیان، چشم انداز جدیدی به مسئله یهود گشود. او در سال ۱۸۹۶ رساله کشور یهود را منتشر کرد و جنبش یهودیان برای داشتن کشوری از خود را تنها راه حل دشواره یهود دانست.

متن کشور یهود برای دهه ها سلسله ای پیوسته از کنشگری های سیاسی، بین المللی و اجتماعی را فعال کرد.

پس از انتشار این جزوه، پوگروم های روسیه، در بدری های یهودیان اروپای شرقی و سرانجام، ظهور نازیسم و برپایی اردوگاه های مرگ، همگی، درستی پیشنهاد هر متصل را بیش از پیش آشکار ساختند. هر متصل در میانسالی در سال ۱۹۰۴ چشم از دنیا فرو بست و رویدادهای بعدی را ندید. خانواده او عاقبتی تلخ داشتند: جوانترین دخترش به نام

ترود، در اردوگاه مرگ ترزیستات^۳ کشته شد و پسرش استفان تئودور نورمن، یعنی نوه هرتصل، که پیشاپیش به انگلستان فرستاده شده بود، پس از پایان جنگ با شنیدن عاقبت پدر و مادرش، با پرت کردن خود از ساختمانی بلند خودکشی کرد.

طرح هرتصل در متن کشور یهود در سال ۱۹۴۸ عملی و کشور اسرائیل تشکیل شد. ترجمه فارسی این متن، همراه شرح های تاریخی در این کتاب به خوانندگان فارسی زبان تقدیم می شود.

چرا هرتصل به زبان فارسی؟

در شهر مونیخ به دعوت انجمن های فرهنگی ایرانیان امضای کتاب و گفتاری داشتم پیرامون کتاب *اندیشه های لیبرال پیرامون آزادی*. همدلی با هموطنان اندیشمند در روزگاری که برای ما تنها وطنی فرهنگی در دسترس است، شادمانی بزرگی بود. پس از جلسه در سرما و بادی که از کوهپایه های آلپ می وزید، گرم گفتگو در گروهی هفت هشت نفره، در خیابان قدم می زدیم که فرهیخته ای از میان جمع به نکته ای اشاره کرد که من در جلسه، پیرامون تشکیل کشور اسرائیل بر مبنای اندیشه های لیبرال ملی تئودور هرتصل بیان کرده بودم.

دهه های طولانی، نام تئودور هرتصل، تابویی در تبلیغات گسترده روحانیون و اسلام سیاسی در ایران بوده است. هرتصل که در رساله کشور یهود موارد اندکی نام نهضت صیونیزم را می برد که دو بار آن در انتقاد از دیدگاه های برخی نمایندگان وقت آن است، دهه ها با فحش سیاسی "صهیونیست" طرد شد. این میان، کمتر کسی یاری رویارویی در برابر این تبلیغات نسبت به مسئله یهود، هرتصل و جنبش ملی صیونیزم را داشت. حال آنکه این جنبش همسانی های بسیار با جنبش های رهایی بخش ملی در کشورهای دیگر داشت و فیلسوفان سیاسی مانند مایکل والزر در کتاب *The Paradox of Liberation* (2015) آنرا از این منظر بررسی کرده اند.

³ Theresienstadt

اگر ما گاندی و نهرو را می شناختیم، می بایست جنبش دیگری را که به استعمار انگلستان پایان داد و اسرائیل را بنیان گذاشت، به رسمیت می شناختیم. اگر نیرنگ استعمار برای تفرقه میان مسلمانان و هندوها را که اندکی پس از استقلال هند به کشته شدن میلیونی مسلمانان و هندوها انجامید، دیدیم، باید همان نیرنگ را در حمله پنج کشور مرتجع عرب، بیدرننگ پس از استقلال اسرائیل و درخواست آنها از فلسطینیان برای ترک خانه هایشان تا بازگشت پس از نابودی کشور تازه استقلال یافته - که عامل اصلی آوارگی فلسطینیان شد - نیز تشخیص می دادیم.

دروغ و پروپاگاندا بسیار سریعتر و آسانتر از حقایق دقیق تاریخی که فهم آنها به مطالعه، کار و برگزشتن از پیشداوری های دیرین نیاز دارد، گسترش می یابند. می گویند تا حقیقت برای بیرون رفتن از خانه مشغول بستن بند کفش خود است، دروغ چند بار دور زمین را پیموده است!

و امروز در جایی هستیم که باید به جبران کوتاهی گذشته، متنی از اواخر قرن نوزدهم را پیش بکشیم، بخوانیم و با ذهن مستقل و آزاد قضاوت کنیم. از این رو بر آن شدم که این متن را که شخصا به تازگی برای دومین بار پس از سال ها خوانده بودم، به زبان فارسی ترجمه کنم و شرحی مختصر بر آن بدهم.

طرح هر متصل

اشاره ام به تئودور هر متصل در سخنرانی مونیخ درباره کتاب اندیشه های لیبرال پیرامون آزادی به این سبب بود که هر متصل در متن کشور یهود حقوقدان و متفکری لیبرال است و همین پایه های فکری، نهضت ضد استعماری و آزادیبخش یهودیان را در دنیای مدرن به موفقیت رساند.

هنگام مقایسه میان پایه های فکری شکل گیری کشور اسرائیل و دیدگاه های زیربنایی جنبش های فلسطینی، تفاوتی جدی دیده می شود. دشمنی انداختن میان مسلمانان با مهاجران و دهکده های اسکان یهودیان - که زمین هایی را خریده و کاشتند که بیشتر

طی قرن‌ها باتلاق‌های مالاریا گرفته و زمین‌های بایری بوده‌اند - با ارتجاعی‌ترین و غیرانسانی‌ترین ایدئولوژی‌ها همراه بود. چنان‌که مفتی اعظم اورشلیم، حاج محمد امین الحسین، در اوج جنگ جهانی دوم، مخفیانه به آلمان رفت، با هیتلر دیدار کرد و در عهدنامه‌ای قرار گذاشت که هیتلر به مسلمانان استقلال بدهد، جلوی تبدیل فلسطین به سرزمین یهود را بگیرد و یهودیان مهاجر را مانند یهودیان اروپایی قتل عام کند. مفتی اعظم اورشلیم و نیروهایش در عوض می‌بایست با نزدیک شدن قوای هیتلر به او پیوسته، در امحای یهودیان شرکت کنند.

در مقایسه مفاد عهدنامه مفتی بدنام با متن هرتصل در کشور یهود به روشنی می‌بینیم که هرتصل نه تنها خواهان کشتن یا زیرپا گذاشتن حقوق کسی نیست، بلکه در چهارچوب قوانین بین‌الملل، خواستار خریدن زمین و انتقال قانونی مالکیت‌ها است. هرتصل از دورنمای خدمت به مناطق و کشورهای اطراف در اثر رشد اقتصادی و کاشت و آبادسازی زمین‌های بایر سخن می‌گوید.

در کتاب حاضر، این متن به فارسی در اختیار ماست و می‌بینیم که در آن هیچ خبری از دشمنی با اعراب یا خواست پایمال کردن حقوق دیگران نیست. در کتاب حاضر، هدف، پرداختن به تاریخ کشور اسرائیل نیست، بلکه شناخت هرتصل و متن کشور یهود مدنظر است.

در این متن، هرتصل اصولاً در دنیایی سخن می‌گوید که قدرت‌های بزرگ در آن حرف اول و آخر را می‌زنند و او باید با آنها مذاکره کند؛ توده‌های مردم، به ویژه مسلمانان، هنوز رعیت عثمانی به شمار رفته، فاقد نمایندگی بودند. بنا به گفته هرتصل، یهودیان ثروتمند حتی حاضر به بازپرداخت قرض‌های دولت عثمانی در ازای خریدن تکه‌ای زمین در سرزمین تاریخی و باستانی خود برای اسکان یهودیان ستمدیده شدند، اما سلطان عثمانی تقاضای آنها را برآورده نکرد.

ما در هیچ‌جای متن کشور یهود، ذره‌ای نشان از آن کاریکاتورهای یهودی‌ستیزی که هرتصل را همچون هیولایی خونخوار و متجاوز نشان می‌دهند، نمی‌یابیم. برخلاف تبلیغات ایدئولوژیک اسلام سیاسی در ایران و دنیای عرب، در این متن پایه‌ای استقلال

اسرائیل، هیچ اثری از اشغالگری "از نیل تا فرات" که در کتاب ساختگی پروتوکل پیران صهیون به عنوان هدف پنهانی یهودیان آمده، نیست. باید دانست که متن پروتوکل به دستور تزار روسیه توسط روزنامه نگاری روان پریش به نام سرگئی نیلوس نوشته شد و تا کنون در کنار نبرد من هیتلر، بالاترین تیراژ در کشورهای اسلامی و عربی را داشته و جعلیات آن در کتاب های درسی این کشورها آمده است!

باید افزود که آنچه در نوشته های یهودی ستیز با عنوان "از نیل تا فرات" آمده و به هر متصل و طرح ملی گرایی یهود نسبت داده شده، جعلی و دروغ است. نگاهی سریع به تورات، سفر پیدایش ۱۵:۱۸ نشان می دهد که "از نیل تا فرات" وعده خدا به فرزندان ابراهیم است که شامل اخلاف اسحق و اسماعیل هر دو می باشد:

"در آن روز خداوند عهدی با ابراهیم بست و گفت: من به اخلاف تو این سرزمین را از وادی مصر تا رودخانه بزرگ فرات می بخشم."

عناصر طرح لیبرال هر متصل

اندیشه های لیبرال با مفاهیم مرکزی آزادی فرد انسان، احترام به مالکیت خصوصی و ابتکار فردی، برخورداری از حقوق مساوی، تساوی تک تک شهروندان در برابر قانون و تفکیک دو نهاد دین و حکومت، در سیاست، اقتصاد و فرهنگ، زیربنای تمدن مدرن از دوران روشنگری بوده اند.

انقلاب آمریکا که جنبشی ضداستعماری و رهایی بخش بود، با زیربنای فکری و گفتمان متفکران لیبرالی چون جان لاک، ژان ژاک روسو، تاماس پین و تاماس جفرسون به ثمر رسید. به دنبال آمریکا، انقلاب فرانسه به کوشش اصحاب دایره-المعارف بر همین پایه های فکری، بشریت را وارد دوران نوینی کرد.^۴ حتی متفکری چون کارل مارکس در دوران فکری اول خود، لیبرالی رادیکال بود و نظریه

^۴ برای آشنایی بیشتر نگاه کنید به: دقیقیان. شیریندخت. اندیشه های لیبرال پیرامون آزادی. با مقدمه های جمشید اسدی و علی سجادی. ناشر، نویسنده. ۲۰۲۳، ویرجینیا - تهیه کتاب: mypublicationsdirect@gmail.com

از خودبیگانگی او از این دوران تا امروز، الهام بخش جامعه شناسان و روانشناسان است؛ برخلاف نظریه دیکتاتوری پرولتاریا که در دوران فکری بعدی او کوتاهی از اصول لیبرال بود و با شکست های تاریخی بزرگ از میدان به در شد.

پایه های لیبرال نگرش هر متصل به راه حل مسئله یهود در رساله کشور یهود را به چند زمینه می توان تقسیم کرد:

الف- راه حل در چارچوب اقتصاد لیبرالی قرن نوزدهم و بر پایه واقعیت های موجود، به دور از ترسیم هیچ گونه آرمانشهر و ناکجا آباد: کشور یهود نه با رؤیایپردازی یا تهییج عاطفی، بلکه با بیان پیشرفت های فنی و اقتصادی دوران جدید آغاز می شود. هر متصل از نقش فن آوری های جدید در دگرگون ساختن سرنوشت بشر و خروج از بن بست های خودساخته و نیز نقدهای رایج به تکنولوژی آگاه است. او به عنوان حقوقدان، در طرح خرید یک سرزمین از کشورهای اروپایی، تشکیل کشور اسرائیل، برقراری سروری سیاسی بر آن، و اعزام یهودیان برای اسکان، در چارچوب قوانین حقوق بین الملل می اندیشد. این متن با پیشنهاد تشکیل "انجمن یهودیان"، سامانی برای مذاکرات سیاسی و بین المللی ارائه داده، سازماندهی اعزام یهودیان را از انحلال و نقد کردن سرمایه های منقول و نامنقول آنها تا ساختن و دادن خانه های جدید در سرزمین نوآباد آینده شرح می دهد.

سرفصل مهم طرح هر متصل، همکاری نزدیک با دولت های مسیحی وقت است که از دید او با برچیده شدن یهودی ستیزی در جوامع خود به آرامش خواهند رسید و جمعیت مسیحی آنها از رقابت با یهودیان رها شده، جای آنها در اقتصاد را پر می کنند.

هر متصل پیشنهاد به برقراری شرکتی به نام "شرکت یهود" در چارچوب قوانین تجاری اروپا دارد که انحلال و نقد کردن خانه ها، بنگاه های تجاری و امور اقتصادی را به نیابت از مهاجران انجام دهد. باید افزود که این شرکت، چندین سال بعد با نام "آژانس یهود" تشکیل شد. موج چپگرایی و احساسات ضد کاپیتالیستی در دنیای عرب و در میان مسلمانان ایران موجب شد که این شرکت که در متن هر متصل با کارکرد تعریف شده- ای در اصول اقتصاد بازار آزاد آمده، همچون هیولایی آدمخوار معرفی شود!

ب- لیبرالیسم پیشرو در حل امور کارگری و تعدیل طبقاتی: در طرح

هرتصل، شرکت یهود، رشد جامعه جدید را در چارچوب اقتصاد بازار آزاد تدارک می بیند. شرکت، عهده دار زمینه های مالی لازم برای پرورش نیروهای متخصص، آموزش و پرورش همگانی، اجرای برنامه های لیبرال "حمایت در ازای کار"، برقراری هفت ساعت کار روزانه برای همه، و دادن اضافه کاری به صورت نقد خواهد بود.

مبانی نظریه توسعه انسانی که تازه در اواخر نیمه دوم قرن بیستم توسط اقتصاددان های آکسفورد چون محبوب الحق و سپس آمارتیا سن برای حل بن بست های توسعه عادلانه مطرح شد، در این رساله بیان می شود؛ بی آنکه دستکم نگارنده هیچ جا دادن اعتباری به هرتصل در این زمینه را دیده باشم.

هرتصل تشکیل کشور یهود را تجربه ای در خدمت آزمودن روش های پیشرو کشورداری در زمینه عدالت اجتماعی می داند و در متن به نمونه های آن اشاره می کند.

در طرح هرتصل، سودآوری شرکت یهود از راه معامله ها و فرایندهای اقتصادی مدرنی انجام می شود که بهره کشی از کارگران در آن نقشی ندارد. تنها استفاده هوشمندانه از قوانین بازار سرمایه داری، قاعده های تجارت آزاد موجود و روش های ساختمان سازی و افزایش قیمت زمین ها در اواخر قرن نوزدهم، تضمین کننده سود این شرکت هستند. در طرح او این سودها به نوبه خود، صرف صاحب خانه کردن همه مهاجران از کارگران بی مهارت گرفته تا کارکنان عالیرتبه در سرزمین نوآباد خواهد شد.

در طرح هرتصل اشاره ای به جمعیت غیریهودی موجود در سرزمین نمی شود و خدمات شرکت یهود منحصر به یهودیان مهاجر است. او در زمینه حقوق ساکنان مسیحی و نمادهای فرهنگی و دینی آنها سخن کوتاه اما قاطعی دارد. ولی اشاره ای به ساکنان مسلمان موجود نمی یابیم؛ که کمبودی آشکار است.

پ- مدارای دینی / فرهنگی و سکولاریزم لیبرال: سکولاریزمی که هرتصل به

اختصار معرفی می کند، افزون بر بازشناسی نقش ربای های یهودی در سازماندهی به مهاجرت و اسکان و نقش نیایشگاه های یهودی همچون سازمان های مردم نهاد در

کشور نوبنیاد، مداراگر با دیدگاه‌ها و اماکن دینی مسیحیان است. او پیشنهاد گاردهای خاصی برای حفاظت از اماکن دینی مسیحیان در کشور آینده یهود را دارد و افتخار انجام آنرا پایان خوشی بر هجده قرن رنج یهودیان در سرزمین‌های مسیحی می‌داند.

اما باید دانست که هنگام نوشتن این متن، زمینه توافق مسلمانان با یهودیان بسیار ضعیف شده بود. هر متصل پیش از نگارش کشور یهود به مصر و فلسطین و سپس به استامبول سفر کرد و به سلطان عثمانی، عبدالحمید دوم، پیشنهاد پرداخت مبلغ ۲۰ میلیون پوند در ازای اجازه به یهودیان برای مهاجرت به فلسطین را داد. سلطان این پیشنهاد را نپذیرفت و گفت که زمین به مردم او تعلق دارد و نمی‌تواند آنرا بفروشد. هر متصل در متن می‌گوید که "یهودیان می‌توانستند کلیه قرض‌های ترکیه را بازپردازند" امپراتوری عثمانی پیش از جنگ جهانی اول به دلیل بدهی‌های خود به "مرد بیمار اروپا" مشهور شد. سلطان با این فرصت می‌توانست از سقوط عثمانی در سال‌های بعد جلوگیری کند و به آبادانی سرزمین ویرانه‌ای که زیر فرمانروایی اش روی توسعه و آبادانی ندیده بود، یاری رساند. هر متصل در سفر دیگر به استامبول در سال ۱۸۹۸ با قیصر ویلهلم دوم دیدار کرد، اما قیصر پیشنهاد او را با بیان سخنان ضدیهود رد کرد. هر متصل به انگلستان رفت و با ژوزف چمبرلن و دولت‌مردان دیگر بریتانیا دیدار کرد، اما حاصل این بود که آنها پیشنهاد منطقه‌ای خودمختار در اوگاندا در شرق آفریقا را به یهودیان دادند!

باید افزود که در سال ۱۹۰۳ در روسیه تزاری پوگروم کیشی نیف و کشتار بیرحمانه چندین دهکده یهودیان اتفاق افتاد که عکس‌های آن دنیا را تکان داد و اعتراض نویسندگان مترقی روس از جمله، تولستوی، آنتوان چخوف، ماکسیم گورکی و شلومو رابینویچ ملقب به شالوم علیخیم، طنزنویس معروف یهودی روس را برانگیخت. اما اوگاندا، صیون، سرزمین تاریخی یهودیان، نبود. کنگره هفتم صیونیزم در ۱۹۰۵ پیشنهاد مهاجرت به اوگاندا را رد کرد.

سرانجام دولت انگلستان در سال ۱۹۱۷ با پادرمیانی لرد بالفور ایجاد سرزمین یهود در فلسطین را به رسمیت شناخت. پس از شکست عثمانی در جنگ جهانی اول، در ۱۲

اگوست سال ۱۹۱۸ در استامبول، وزیر اعظم عثمانی طلعت پاشا به نیابت از دولت عثمانی در حضور شانزده نماینده یهودیان به ریاست لئوپارد پرلموتر، تاجر یهودی آلمانی، حق احیای ملی و دینی یهودیان در فلسطین را به رسمیت شناخت و لغو محدودیت های پیشین بر مهاجرت یهودیان و اسکان آنها را اعلام داشت. روند مذاکره با عثمانی که با تلاش های هرتصل آغاز شده و در ۱۹۱۸ چند سال پس از درگذشت زودهنگام او (۱۹۰۴) به ثمر رسید، نشان از خواست مدارا با مسلمانان دارد. متن کشور یهود، شاید با حساسیت های موجود پس از رد پیشنهاد او توسط سلطان عبدالحمید دوم، سکوت در مورد مسلمانان سرزمین را ترجیح داده باشد؛ اما در همین متن برای ساکنان غیریهودی سرزمین، حقوق مساوی با یهودیان و آزادی دینی را لازم می داند. او بهره کشی از کارگران غیریهودی را جرم و موجب تحریم کارفرما اعلام می کند. هرتصل در سال ۱۹۰۲ با نوشتن یک رمان این کمبود را بیشتر جبران کرد: این رمان *Altneuland* یا سرزمین کهن نوین نام دارد و شور و شوقی بیسابقه در میان یهودیان پدید آورد. هرتصل دورنمای خود از کشور یهود را در این رمان همچون جامعه ای سوسیال لیبرال با زیرساخت های مشارکتی - که بعدها همان کیوتص ها شدند - و کاربرد علوم و فنون نوین توصیف کرد. او در رمان با پرداختن به انواع سویه های اداره این کشور، به پیش بینی جامعه ای پلورالیست و مداراگر با ادیان و اندیشه های گوناگون پرداخت.

ت- آزادی های فردی لیبرال: متن کشور یهود دفاعی است از حق آزادی های مدنی و سیاسی یهودیان و اعتراض به یهودی ستیزی و تبعیض پیشرونده در کشورهای اروپایی؛ از کشورهایی که در قوانین مدنی خود این آزادی ها را داده بودند تا آنها که آنرا فقط به روی کاغذ آوردند اما اجرا نکردند، تا کشورهایی چون روسیه تزاری که یهودآزاری از جمله برنامه های زیر نظر دولت برای انحراف نارضایتی های توده های مردم بود.

هرتصل با به رسمیت شناختن مالکیت خصوصی یهودیان در کشور نوآباد آینده، روش های زندگی گوناگون طبقات مختلف اجتماعی بسته به ثروت های تولید شده

آنها را به رسمیت می شناسد. او برخلاف رؤیایپردازان دوران خود که وعده جوامع بی-طبقه می دادند، پا بر زمین واقعیت های موجود دارد. او از ترسیم هر گونه ناکجاآباد سوسیالیستی و محو خیالی طبقات اجتماعی به شدت رویگردان است. طرح او بر کاهش هر چه بیشتر شکاف طبقاتی و اقدامات رفاهی برای طبقات زحمتکش تاکید دارد، زیرا آنها را پیشتازان آبادانی کشور یهود و شایسته ترفیع شرایط زندگی و کار می داند.

حفظ کرامت انسانی تهیدستان، سویه ای دیگر از رعایت آزادی های فردی لیبرال است. هر متصل در رساله بارها به حق ستمدیدگان و ضعیف شدگان در سرزمین نوآباد برای حمایت اجتماعی، تغذیه و مسکن مناسب تاکید دارد؛ برای نمونه، حفظ حرمت تهیدستان حین سفرهای دریایی یا با قطار و حق آنها برای برخورداری از غذا، راحتی و تفریح در طول سفر مهاجرت.

هر متصل در عین حال برای ثروتمندانی که مهاجرتی همراه با تفریح های لوکس و در کنار دوستان و آشنایان خود می خواهند، امکان اجاره کردن کشتی یا قطارهای شرکت را بازمی گذارد.

هر متصل، لیبرالی انسان گرا است که شکاف های بزرگ طبقاتی را بر نمی تابد و پیوستن یهودیان تحت ستم به صفوف 'پرولتاریا' (اصطلاح آن زمان در زبان آلمانی برای کارگران) و پیوستن یهودیان تحصیلکرده که زیر تبعیض ها شغلی نمی یابند به احزاب برانداز اروپایی را تیزکننده اتهام های یهودی ستیز می داند. او می نویسد:

یهودیان تحصیلکرده بیچیز، دارند سوسیالیست می شوند. از این رو ما به شدت از مبارزه طبقاتی آسیب خواهیم دید، زیرا در هر دو اردوگاه سوسیالیست ها و کاپیتالیست ها گاو پیشانی سفید هستیم.

هر متصل تعدیل شکاف طبقاتی برای کشور آینده یهود را پیشنهاد و در قالب بیانی بس گزنده چنین بیان می کند:

گرسنگی هیچ گاه نباید انسان ها را به خودکشی وادارد؛ زیرا چنین خودکشی -
 هایی عمیقترین ننگ ها برای تمدنی هستند که به ثروتمندانش اجازه خوردن
 گوشت اعلا به سگ هایشان را می دهد.

ث - نظریه لیبرال ملت سازی: هر متصل هنگام طرح کشور یهود، نظری گذرا به
 تئوری های سیاسی ملت سازی می اندازد. او از نگرگاه انسان گرایی در نقد نظریه های
 رایج می نویسد:

نظریه های [مشروعیت] نهاد الهی، قدرت برتر، قرارداد اجتماعی، یا نظریه های
 پدرسالاری، و پیوند خونی و حاکمیت موروثی با دیدگاه های مدرن همخوان
 نیستند. در آنها پایه های حقوقی یک کشور، یا بیش از حد به مردان بها می -
 دهد (نظریه پدرسالاری و نظریه های قدرت برتر و قرارداد) یا خیلی از انسان
 ها دور است (مانند نهاد الهی)، و یا بیش از حد انسان ها را تنزل داده است
 (نظریه پیوند خونی و حاکمیت موروثی).

او نظریه عقلانیت یا Theory of Rationality را ترجیح می دهد. این نظریه فرض
 را بر آن می گذارد که افراد بر اساس استدلال منطقی و ارزیابی های حساب شده از
 نتایج بالقوه، اساسا گزینه ای را برمی کشند که بیش از همه منافع آنها را برمی آورد و
 اهداف آنها را تحقق می بخشد؛ با این شرط که همه اطلاعات لازم را در دسترس داشته
 و مطابق منافع خود رفتار کنند. این نظریه اغلب در اقتصاد و علوم سیاسی برای تشریح
 رفتار انسانی همچون روندی از ارزیابی نتایج مثبت و منفی گزینش عقلانی ترین گزینه
 به کار می رود و به نظریه جان راولز آمریکایی در قرن بیستم شباهت هایی دارد. رساله،
 ادامه استدلال خود پیرامون ملت سازی را از شرح تئوریک دور کرده، آنرا در خلال
 بخش های مختلف رساله اشاره وار بررسی می کند.

از جمله در اشاره های هر متصل به کارمایه های ملت سازی زیر می توان اشاره کرد:
 ملت سازی بر اساس تساوی شهروندان در برابر قانون؛ ملت بر اساس ارزش های تاریخی
 و مفاهیم نیاکانی؛ ایمان ملی دوهزار ساله یهودیان به بازیافتن استقلال در کشور خود
 که از قرن اول میلادی و تسخیر اورشلیم توسط رومیان به شکل دعای "سال آینده در

اورشلیم" نسل در نسل تکرار شده؛ ملت سازی بر اساس شیوه های نوین کشورداری، کشاورزی، صنعت، اقتصاد مشارکتی، آموزش و پرورش و آموزش های حرفه ای؛ ملت سازی با بها دادن به نقش زنان، هرچند در خطوط کلی و نقش های زنانه تعریف شده در زمان خود باقی می ماند؛ ملت سازی بر اساس روابط حسنه با دنیای متمدن؛ و وظیفه مشارکت جهانی این ملت در پیشگیری از هجوم بربریت به تمدن.

این بود شرحی مختصر بر متن کشور یهود با توجه به برخی زمینه های تاریخی و فکری که راهنمای خواننده فارسی زبان و شاید مؤثر در برطرف ساختن پیشداوری های دیرپا خواهند بود.

شیریندخت دقیقیان،

ویرجینیا، نوامبر ۲۰۲۴

کشور یهود^۵

(Der Judenstaat- The Jewish State)

تئودور هر تزل ۱۸۹۶

ترجمه فارسی از متن انگلیسی چاپ ۱۹۴۶

شیریندخت دقیقیان

۱

پیشگفتار

شگفتا که انسان‌های بسیاری که در قلمرو زندگی فعال در تکاپو هستند، این اندازه کم از علم اقتصاد آگاهی دارند. از این رو است که حتی یهودیان هم ادعای یهودی ستیزان را تکرار می‌کنند که: "ما برای بقا وابسته به ملت‌های میزبان خود هستیم، و اگر میزبانانی برای حمایت از خود نداشتیم، از گرسنگی می‌مردیم." این نشان می‌دهد که چه اندازه اتهام‌های ناروا شناخت ما از خود را ضعیف کرده است. اما پیش زمینه‌های اصلی این دیدگاه در مورد ملت‌های "میزبان" چیست؟ اگر این ادعا بر اساس دیدگاه‌های محدود فیزیوکراتیک^۶ نباشد، پس پایه در این خطای کودکانه دارد که کالاها

^۵ The Jewish State . در ترجمه فارسی این رساله همه جا معادل کشور یهود آمده، بجز موارد اندکی که دولت یهود بیشتر معنا می‌داد.

^۶ Physiocrates توضیح مترجم فارسی: اقتصاددان‌های فرانسوی قرن هجدهم که معتقد به زمین و کشاورزی همچون منبع اصلی ثروت بودند و دخالت دولت در امور اقتصاد طبیعی را رد می‌کردند.

در چرخه ای پیوسته فقط دست به دست می گردند. ما مانند ریپ ون وینکل^۷، نیاز به بیدار شدن از چرتی طولانی نداریم تا دریابیم که دنیا با تولید کالاهای نوین به گونه ای چشمگیر دگرگون شده است. پیشرفت فن آوری در این دوران شگفت انگیز، حتی فردی با هوش بس محدود را وامی دارد تا با چشمان نزدیک بین، پدیداری کالاهای نوین را در سراسر پیرامون خود ببیند. روح ابتکار و سخت کوشی، خالق همه آنها است. نیروی کار بدون ابتکار و سخت کوشی، همان زحمت پرملال روزگار قدیم است؛ برای نمونه، کار دهقان امروز هنوز همان جایی است که نیاکان او هزار سال پیش بودند. کل رفاه مادی ما حاصل افراد مبتکر و سخت کوش است. من حتی از نوشتن چنین جمله تکراری و پیش پا افتاده ای شرم دارم. تازه اگر ما ملتی از مبتکران کار آفرین باشیم - که روایتی سخت اغراق شده ما را چنین می داند - پس نمی باید برای بقا به ملت میزبانی نیازمند باشیم. ما وابسته به چرخش کالاهای قدیم نیستیم، زیرا کالاهای نوین تولید می کنیم.

دنیا در مقیاس های خارق العاده برای کار، بردگانی دارد که پدیداری آنها موجب افول کالاهای دست ساز شده است: این بردگان، همان ماشین ها هستند. درست است که وجود کارگران برای به راه انداختن ماشین ها ضروری است، اما ما برای این کار، مردان بسیاری داریم؛ به وفور. تنها بیخبران از شرایط یهودیان در بسیاری از کشورهای اروپای شرقی ممکن است بگویند که یهودیان یا برای انجام کارهای بدنی نامناسبند یا مایل به آن نیستند.

اما من نمی خواهم در این رساله، برای دفاع از یهودیان، شاخ و شانه بکشم. بیفایده است. در دفاع از آنها هر چه عقلانی و احساسی بوده تا کنون بیان شده است. اگر شنونده ناتوان از فهم باشد، موعظه در بیابان بی آب و علف خواهد بود. و اگر شنونده با ذهنی باز و نیرومند بفهمد، پس به موعظه نیازی نیست. من به عروج انسان به مرتبه های بالای تمدن باور دارم؛ اما این صعود را به گونه ای نومیدانه گُند می دانم. اگر صبر

⁷ Rip van Winkle توضیح مترجم فارسی: نام شخصیت داستانی از واشنگتن ایروینگ نویسنده آمریکایی که در سال ۱۸۱۹ منتشر شد. این شخصیت که تنبل است در کوهستانی به خواب می رود و هنگام بیداری درمی یابد که هیچ چیزی شبیه به زندگی قبلی او نیست.

کنیم تا میانگین ابناء بشر "چنان متمایل به نیکوکاری شوند" که لسینگ در ناتان خردمند^۸ می‌گفت، باید بیش از عمر خود و فرزندان و نوادگان خود منتظر بمانیم. اما روح جهان به گونه‌ای دیگر به یاری ما خواهد شتافت.

این قرن با دستاوردهای فن آوری خود به دنیا نوزایی شگفت‌انگیزی بخشیده است؛ اما در همان حال، بهسازی‌های معجزه‌آسای آن در خدمت بشریت نبوده‌اند. فاصله دیگر یک مانع نیست، با این همه ما از فضای ناکافی شکایت داریم. کشتی‌های بخار عظیم ما را از دریا‌های جهان با سرعت و امنیت عبور می‌دهند. راه‌های آهن با اطمینان از کوهستان‌هایی که پیشتر با گام‌های لرزان می‌پیمودیم، گذر می‌کنند. امروز رویدادهای کشورهای اروپایی، برخلاف زمانی که یهودیان را در گتوها محصور کردند، با فاصله یک ساعت به دست ما می‌رسند. از این رو فلاکت یهودیان، مُرده‌ریگی از گذشته می‌نماید - نه از این رو که صد سال پیش، دوره‌ای از روشنگری رخ داد، بلکه چون آن روشنگری در واقعیت تنها به جان‌هایی اندک شمار رسید.

من بر این باورم که روشنایی الکتریسته برای روشن کردن اتاق‌های چند نخبه پُرمدعا ساخته نشد، بلکه هدف آن روشنی افکندن بر برخی مسائل تاریک بشریت بوده است. یکی از این مسائل، که کم‌اهمیت‌ترین آنها نیز نیست، مسئله یهود است. ما با حل آن نه تنها برای خود کاری می‌کنیم، بلکه همچنین به بسیاری از انسان‌های تنگدست و ستمدیده یاری می‌رسانیم.

مسئله یهود هنوز برقرار است. انکار آن حماقت خواهد بود. مسئله یهود بقایای قرون وسطی است که به نظر می‌رسد ملت‌های متمدن هنوز آنرا نزدوده و تلاشی در این جهت نکرده‌اند. بی‌تردید، آنها زمانی که به ما آزادی‌های مدنی دادند، نیت سخاوتمندانه‌ای داشتند. مسئله یهود هر جا که شمار چشمگیری از یهودیان زندگی می‌کنند، حضور دارد. آن جایی که وجود ندارد، یهودیان در جریان مهاجرت آنرا هم با خود می‌برند. ما عموماً زمانی که به آن مکان‌ها می‌رویم، یهودیان آنجا مورد پیگرد

⁸ *Nathan the Wise* توضیح مترجم فارسی: اثر گاتهودل افرایم لسینگ در سال ۱۷۷۹ به صورت نمایشنامه برای خواست مدارای مذهبی نوشته شد، اما نه در طول زندگی لسینگ، بلکه در سال ۱۷۸۳ در تئاتر برلین به اجرا درآمد.

و آزار نبوده اند، ولی سپس، حضور ما پیگرد و آزار تولید می کند. تا زمانی که مسئله یهود در اساس سیاسی خود به راه حل برسد، همین وضع در همه کشورهای پیش می آید و حتی در جوامع بسیار متمدن مانند فرانسه چنین می ماند. یهودیان نگون بخت اینک بذر یهودی ستیزی را با خود به انگلستان می برند؛ هم اکنون آنرا به آمریکا نیز برده اند.

بر این باورم که یهودی ستیزی را که به راستی جنبشی بس پیچیده است، می فهمم. من آنرا از نگرگاه یک یهودی بررسی می کنم، اما بدون ترس یا نفرت. در آن عناصری از رفتار جاهلانه، حسادت معمول، تعصب موروثی، عدم مدارای مذهبی، و نیز وانمود به دفاع از خود می بینم. از دید من، مسئله یهود دیگر فقط یک مسئله اجتماعی یا مذهبی نیست، هر چند که گهگاه به این یا آن شکل درمی آید. مسئله یهود، یک مسئله ملی است که فقط می توان آنرا با تبدیل به یک مسئله سیاسی و جهانی برای بررسی و حل توسط ملت های متمدن دنیا در مشورت با یکدیگر حل کرد.

ما یک ملت هستیم؛ ملتی واحد.

ما همه جا با صداقت کوشیده ایم تا وارد زندگی اجتماعی جوامع پیرامون خود شویم و ایمان پدران خود را حفظ کنیم. اما این اجازه به ما داده نمی شود. وطن پرستی وفادارانه ما بیحاصل است. میهن پرستی ما در برخی جاها به افراط می گراید؛ وقتی مانند دیگر شهروندان جان و مال خود را فدای کنیم، بیفایده است؛ بیهوده برای افزودن به شهرت زادگاه خود در زمینه های علم و هنر می کوشیم؛ یا برای ثروت آن از راه تجارت و بازرگانی تلاش داریم. ما در کشورهایی که قرن هاست زندگی می کنیم، هنوز بیگانه انگاشته می شویم؛ اغلب هم توسط کسانی که وقتی یهودیان به عنوان ساکنان بومی برای این کشورها زحمت می کشیدند، نیاکان آنها هنوز از راه نرسیده بودند. اکثریت تصمیم می گیرد که چه کسی بیگانه است؛ از این رو هر مسئله ای که بین ملت ها پیش می آید، مربوط به قدرت است. چون اینجا ادعاهایم را فقط به نام خود و به عنوان یک فرد مطرح می کنم، از هیچ بخشی از حق آب و گل یهودیان [در آن کشورها] در نمی گذرم. در دنیای کنونی و برای مدت نامعلومی که چنین خواهد ماند، قدرت، حق را تعیین می کند. از این رو برای ما بیفایده خواهد بود که میهن

پرستانی فداکار باشیم؛ مانند^۹ هوگونوت ها که وادار به مهاجرت شدند. یکاش فقط ما را به حال خود وامی نهادند.

اما معتقدم که ما روی صلح و آرامش نخواهیم دید.

ستم و پیگرد و آزار نمی تواند ما را نابود کند. هیچ ملتی بر روی زمین آن گونه کشاکش ها و رنج هایی که ما از سرگذرانده ایم را دوام نمی آورد. یهودآزاری فقط توانسته حلقه های ضعیف ما را جدا کند. افراد نیرومند ما هنگام شروع پیگرد و آزار به تبار خود معتقد بوده اند. این رفتار بیش از هر زمان، بیدرنگ پس از کسب آزادی های مدنی [رهایی]^{۱۰} یهودیان آشکار بود. یهودیانی که پیشرفت کرده بودند، از نظر فکری و مادی یکسره احساس تعلق به تبار خود را از دست دادند. هر جا که رفاه سیاسی ما مدتی دوام داشته، در جوامع پیرامون خود اسیمیله [حل و درهم آمیخته] شده ایم. به نظر من این امر، خدشه ای به شهرت نیک ما وارد نمی کند. از این رو دولتمردانی که بخواهند در ملت خود اعضای از یهودیان داشته باشند، باید دوام رفاه سیاسی ما را تامین کنند؛ اما حتی کسی چون بیسمارک^{۱۱} نمی تواند چنین کند.

زیرا تبعیض های قدیمی علیه ما هنوز در اعماق قلب مردم وجود دارند. هر کس به اثبات در این زمینه نیاز دارد، کافی است که فقط به حرف های مردم هنگام صحبت صادقانه و ساده آنها گوش بدهد: ضرب المثل ها و داستان های جن و پری هر دو ضدیهود هستند. هر ملتی یک کودک بزرگ است که بی تردید می تواند آموزش ببیند؛ اما آموزش او حتی در مناسبترین شرایط، آنقدر زمان می برد که پیش از تکمیل این روند، می توانیم مشکلات خود را از راه های دیگر حل کنیم.

^۹ توضیح مترجم فارسی: Huguenots دسته ای از پروتستان ها و کالونیسیت های فرانسوی.

^{۱۰} Emancipation

^{۱۱} توضیح مترجم فارسی: Bismarck صدراعظم مقتدر پروس ۱۸۱۵-۱۸۹۸ معروف به دولتمرد آهنین. بیسمارک رسماً آزار یهودیان در قرون وسطی را محکوم کرد. او یهودیان را متفاوت با توده های مردم می دانست و در آنها هوشمندی اقتصادی و ذهن منظم می دید. در سال ۱۸۶۴ بیسمارک حقوق مساوی یهودیان در پروس را اعلام کرد. اما پس از ۱۸۷۸ با گسستن او از متحدان لیبرال خود مناسباتش با یهودیان نیز تیره شد.

اسیمیلیسیون که من آنرا نه تنها در همسان شدن پوشش، عادت ها، رسوم و زبان، بلکه همچنین در هویت حسی و رفتاری می بینم، در مورد یهودیان تنها در صورت ازدواج مختلط شکل می گیرد. اما نیاز به ازدواج مختلط باید از سوی اکثریت احساس شود؛ بی تردید، تنها باشناسی آن از سوی قانون کافی نخواهد بود.

لیبرال های مجارستان که اخیراً حکم قانونی در مورد ازدواج های مختلط داده اند، اشتباه بزرگی کرده اند و یکی از اولین موارد، خطای آنان را به روشنی نشان داد: یک یهودی غسل تعمید شده با یک دختر یهودی ازدواج کرد! [اشاره به تمایل به بازگشت درون یهودیان] همزمان، مبارزه برای این شکل از ازدواج، تمایز میان یهودیان و مسیحیان را پررنگتر نمود و در نتیجه، 'آمیزش نژادها' را بیشتر مختل کرد تا تسهیل.

کسانی که به راستی می خواستند شاهد ناپدید شدن یهودیان از راه آمیختن آنها با دیگر ملت ها باشند، تنها می توانند مطمئن باشند که از یک راه چنین اتفاقی بیفتد. یهودیان باید پیشاپیش، قدرت اقتصادی کافی بیابند تا بر تعصب اجتماعی دیرپا علیه خود غلبه کنند.

اشرافیت می تواند نمونه ای از این امر باشد، زیرا در صفوف آن به نسبت، بزرگترین ارقام ازدواج های مختلط انجام می شود. خانواده های یهودی که با قدرت پول جایگزین اشراف قدیمی می شوند، به تدریج جذب و حل می شوند. اما این پدیده در میان طبقه متوسط (یهودیان مردمی بورژوا هستند) که مسئله یهود بر روی آنها فشار اصلی را دارد، چه شکلی به خود می گیرد؟ کسب قدرت می توانست به معنای برتری اقتصادی باشد که یهودیان به غلط آنرا اعلام کردند. اگر میزان کنونی قدرت آنها، خشم و نارضایتی در میان یهودی ستیزان برمی انگیزد، پس افزایش قدرتشان چه واکنش خشونت باری به همراه خواهد داشت؟ به این ترتیب، نخستین گام به سوی جذب و حل برداشته نمی شود، زیرا این گام همراه خواهد بود با اکثریتی که زیر نفوذ اقلیتی می رود که پیشاپیش مورد تمسخر بود و از خود نه قدرت نظامی و نه کشوری داشت. از این رو به نظر من، جذب و حل یهودیان از راه شکوفایی اقتصادی آنها بعید است که رخ دهد. این دیدگاه در کشورهایی که اینک یهودستیز هستند، قابل اثبات

است. در دیگر کشورها که یهودیان اکنون احساس راحتی می کنند، احتمالاً یهودستیزیِ خشن رخ خواهد داد. همکیشان خوشبخت تر من، باورم نخواهند کرد، مگر زمانی که یهودآزاری، حقیقت را به آنها نشان بدهد؛ زیرا یهودستیزی هر چه مدت طولانی تری پنهان و غیرفعال بماند، با شدت بیشتری بیرون خواهد زد. ورود یهودیان مهاجر و جذب آنها به یک سرزمین به دلیل امنیت آشکار آن، سپس صعود مرتبه اجتماعی آنها و تبدیل به یهودیان آن زادگاه، ترکیب نیرومندی است برای درگرفتن یک انقلاب. هیچ نتیجه گیری دیگری از این بیشتر با عقل جور در نمی آید.

از آنجا که این نتیجه را با بیطرفی کامل نسبت به همه چیز جز جستجوی حقیقت گرفته-ام، احتمالاً از سوی یهودیانی که در شرایط مناسب هستند، با مخالفت و پادگویی روبه رو خواهم شد. تا جایی که فقط نگرانی از منافع شخصی مالکیت ها به صاحبان خجول آنها احساس خطر بدهد، خیال ما برای آنها راحت می ماند، زیرا دلواپسی های تهیدستان و ستمدیدگان از ملاحظات آنها مهمتر هستند.

اما امیدوارم پیشاپیش، جلوی یک بدفهمی را بگیرم، به ویژه این برداشت اشتباه که پروژه من در صورت تحقق، می تواند کوچکترین آسیبی به مالکیت موجود یهودیان بزند. پس باید همه چیز را در مورد حقوق مالکیت به تمامی شرح دهم. اگر طرح من قطعه ای نوشتار روی کاغذ باقی بماند، هیچ چیز تغییر نخواهد کرد. می توان این انتقاد را به من داشت که با این حرف که ما یک ملت و ملتی واحد هستیم به یهودی ستیزی دستاویز می دهم؛ یا جلوی اسیمیلیسیون یهودیان را که در حال تحقق و انجام است، گرفته و تا حد ممکن برای نویسنده ای همبسته با یهودیان آنرا به خطر انداخته ام. این انتقاد به ویژه در فرانسه مطرح می شود. در کشورهای دیگر نیز احتمالاً گفته خواهد شد، اما من تنها به یهودیان فرانسه پیشاپیش پاسخ می دهم، زیرا آنها تکان دهنده ترین نمونه برای دیدگاه من هستند.

هرقدر من قدرت شخصیتی دولتمردان، مخترعان، هنرمندان، فیلسوفان یا رهبران و نیز شخصیت جمعی یک گروه تاریخی از انسان ها به نام ملت را بستیم، جدا شدن [اسیمیله شدن] آنها ناراحتی نمی کند. هر کس شاید یا باید برود، برود! اما ملیت متمایز یهودیان

نمی تواند و نباید از میان برود و نخواهد رفت. قابل انهدام نیست، زیرا دشمنان بیرون آنرا محکمتر می سازند و طی دوهزار سال رنج دهشتناک نشان داده که منهدم نمی-شود. درهم نخواهد شکست و من همچون بازماندهٔ بیشمار یهودیانی که از نومید شدن سرباز زدند، یک بار دیگر می کوشم آنرا در این رساله به اثبات برسانم. کل شاخه های درخت یهودیت ممکن است خشک شوند و بریزند، اما تنهٔ تناور آن باقی خواهد ماند. بنابراین، اگر همهٔ یهودیان فرانسوی یا کسی از آنها به سبب "اسیمیلیسیون" خود علیه این طرح اعتراض کند، پاسخ من ساده است: کل این طرح که به آنها مربوط نمی-شود! آنها فرانسوی های یهودی هستند، باشد، خیلی خوب! این طرحی خصوصی فقط برای یهودیان [کسانی که یهودی مانده اند] است. جنبش ساماندهی به کشوری که تاسیس آنرا پیشنهاد می کنم، حتماً به فرانسویان یهودی بیشتر از اسیمیل شده های دیگر کشورها آسیب نمی زند. برعکس، آشکارا به سود آنها خواهد بود. زیرا دیگر در کارکرد تغییر ژنتیک خود^{۱۲} به قول داروین مزاحمتی نخواهند داشت؛ می توانند با صلح، اسیمیل بشوند تا یهودی ستیزی کنونی برای همیشه متوقف گردد. بی تردید، اگر آنها پس از تحقق تشکیل کشور و نهادهای سروری آن، همان جا که بودند بمانند، برای اسیمیل شدن تا اعماق روح خود، امتیاز خواهند گرفت. یهودی اسیمیل شده در اثر عزیمت یهودیان مؤمن حتی بیش از شهروندان مسیحی سود خواهد کرد، زیرا از شر دشمنی ناگزیر پرولتاریای یهودی که به دلیل فشار سیاسی و تنگدستی سرگردان است و از سرزمینی به سرزمین دیگر می رود، راحت خواهد شد. این پرولتاریای آواره هم آن گاه به آرامش خواهد رسید. بسیاری از شهروندان مسیحی که ما آنها را یهودی-ستیز می نامیم، اکنون مقاومت سرسختانه ای در برابر مهاجرت یهودیان خارجی به کشور خود دارند. شهروندان یهودی چنین نیستند، هرچند بر روی آنها بسیار مستقیم تر تاثیر می گذارد، زیرا فشار رقابت سرسختانهٔ افرادی را حس می کنند که در شاخه های صنعت مشابهی کار می کنند. آنها تازه، یا یهودی ستیزی را وارد جایی می کنند که

¹² chromatic function توضیح مترجم فارسی: به نظر می رسد مترجم انگلیسی این عبارت به معنای کارکرد رنگ ها را به اشتباه به جای کارکرد کروموزومی استفاده کرده است.

قبلا وجود نداشته و اگر بوده، آنرا شدت می بخشند. افراد اسیمیله شده به این دشواره پنهان، حال و هوای "نیکوکاری" می دهند. آنها سازمان های مهاجرت برای یهودیان سرگردان برپا می کنند. این تصویر، حالتی معکوس نیز دارد که اگر پای انسان ها در میان نبود، مُضحک می شد. زیرا برخی از این سازمان های نیکوکاری نه برای، بلکه علیه یهودیان تحت آزار تشکیل شده اند؛ آنها به راه افتاده اند تا این مخلوقات بیچاره را هرچه زودتر به جای لازم بفرستند. به این ترتیب، بسیاری که دوستان یهودیان به نظر می رسند، در واکاوی دقیقتر، چیزی نیستند جز یهودی ستیزانی با تبار یهودی در لباس نیکوکار.

اما تلاش برای اسکان [در کشورهای دیگر] حتی از سوی نیکوکاران واقعی هرچند هم قابل توجه، اما تا کنون ناموفق بوده است. فکر نمی کنم کسی، موضوع مهاجرت یهودیان تهدیدست را همچون تفریحی مانند مسابقه اسب سواری ببیند. موضوع، بیش از حد حاد و تراژیک بوده که چنین برخوردی با آن بشود. آن تلاش ها از این نظر که در مقیاسی کوچک، پشاهانگان ایده یک کشور یهودی را نمایندگی می کردند، جالب بودند؛ و حتی مفید، زیرا از روی اشتباه های آنها می توان تجربه تحقق ایده به گونه ای موفق و در مقیاسی بزرگتر را به دست آورد. آنها البته آسیب نیز رساندند. نقل و انتقال یهودی ستیزی به مناطق جدید که نتیجه گریزناپذیر چنین مهاجرت های مصنوعی است، از دید من از جمله کوچکترین این شرها بود. از این بدتر، شرایطی است که نتایج ناخوشایندش مردان هوشمند را به تردید می اندازد. اما آنچه در یک استدلال ساده، غیرعملی و ناممکن است، این شک را از ذهن های هوشمند می زداید. آنچه در مقیاس کوچک غیرعملی و ناممکن است، الزاما در مقیاسی بزرگتر چنین نخواهد بود. یک کارگاه کوچک ممکن است ضرر کند، اما در همان شرایط، کارخانه ای بزرگ سود بدهد. یک نهر را حتی با قایق نمی توان پیمود، ولی کشتی های بزرگ فلزی را می توان در رودخانه ها راند.

هیچ انسانی آنقدر ثروتمند یا قدرتمند نیست که ملتی را از یک سکونتگاه به سکونتگاه دیگر انتقال دهد. اما یک ایده می تواند؛ و آن، ایده یک کشور است که قدرت لازم

را دارد. یهودیان، این رؤیای شریف را تمام شب های تاریخ خود دیده اند. "سال آینده در اورشلیم"، عبارت قدیمی ما است. اینک باید نشان دهیم که این رؤیا می تواند به حقیقت پیوندد.

برای این هدف، باید ابتدا بسیاری از مفاهیم مبهم و نارسا یکسره از ذهن ها پاک شوند. برای نمونه، ذهن های تاریک تصور می کنند که خروج از مناطق متمدن به بیابان ختم خواهد شد. اما چنین نیست. این کار درون تمدن انجام می شود. ما به سطحی نازلتر نخواهیم رفت، بلکه به سطحی بالاتر صعود می کنیم. ما در کلبه های گلی ساکن نخواهیم شد، بلکه خانه های زیباتر و مدرن تر ساخته، آنها را امن نگه خواهیم داشت. ما مالکیت های به دست آمده خود را از کف نداده، بلکه آنها را به کار می اندازیم. ما حقوق کسب شده را تحویل می دهیم و به حقوق بهتری دست می یابیم. لازم نیست رسوم دوست داشتنی خود را کنار بگذاریم، بلکه آنها را بازخواهیم یافت. ما خانه های قدیمی خود را پیش از آماده شدن خانه های جدید ترک نخواهیم کرد. فقط کسانی [به کشور یهود] عزیمت خواهند کرد که از بهبود شرایط خود در آنجا اطمینان داشته باشند؛ آنها که در وضعیت اضطراری نیستند، پس از تهیدستان خواهند رفت؛ سپس افراد مرفه و سرانجام، ثروتمندان. کسانی که زودتر می روند خود را به مرتبه ای بالاتر و مساوی با کسانی می رسانند که نمایندگان آنها کمی بعد از راه می رسند. از این رو خروج، همزمان خواهد بود با ترفیع طبقاتی.

اعزام یهودیان با هیچ مشکل مالی، بحران، یا پیگردی روبه رو نیست؛ در واقع، کشورهایی که رها کنند، به دورانی از شکوفایی جدید وارد خواهند شد. مسیحیان آن کشورها مهاجرتی داخلی برای گرفتن جای یهودیان اعزامی خواهند داشت. جریان خروج، تدریجی و بدون مزاحمت [برای کشورها] خواهد بود و حرکت اساسی آن به یهودی ستیزی پایان خواهد داد. یهودیان مانند دوستانی محترم خارج خواهند شد و اگر برخی از آنها بازگردند، همان خوشامد و رفتار مناسب را از ملت های متمدن خواهند دید که دیگر بازدیدکنندگان خارجی می بینند. خروج آنها هیچ شباهتی به فرار ندارد، زیرا حرکتی سامان یافته و زیر کنترل افکار عمومی خواهد بود. این جنبش

نه فقط در سازگاری کامل با قوانین، بلکه با همیاری دوستانه دولت‌های درگیر و ذینفع خواهد بود. امنیت و شفافیت ایده و استواری اجرای آن بستگی به ایجاد سازمانی اداری و اجرایی دارد. این سازمان "انجمن یهودیان"^{۱۳} نام خواهد گرفت. افزون بر این، شرکتی یهودی همچون واحدی تجاری، تشکیل خواهد شد.

فردی که بخواهد این کار عظیم را به تنهایی به عهده بگیرد، یا شاید خواهد بود یا دیوانه. شخصیت فردی اعضای شرکت، ضامن صداقت آن خواهد بود و سرمایه مناسب شرکت، ثبات آنرا تامین می‌کند.

این اشاره‌های مقدماتی تنها پاسخی شتابزده به انبوه انتقادهایی است که بی تردید، عبارت "کشور یهود" برخواهد انگیخت. از این به بعد باید با تفصیل بیشتری با دیگر انتقادات روبه‌رو شویم و آنچه اشاره شد را واکشافی کنیم. همچنین در دفاع از این رساله باید از هر گونه ابهام پرهیزیم. از این رو فصل‌های گزین گویانه کوتاه، بهترین ساختار برای پاسخگویی خواهند بود.

اگر بخواهم ساختمان جدیدی را جایگزین ساختمانی قدیمی بنمایم، باید قبل از ساخت و ساز، آنرا خراب بکنم. پس باید همین توالی طبیعی را نگه دارم: در فصل کلی اول، ایده خود را شرح می‌دهم، پیشداوری‌ها را می‌زدایم و شرایط اساسی سیاسی و اقتصادی را بررسی می‌کنم و طرح را گسترش می‌دهم.

در فصل دوم در سه بخش اصلی به چگونگی اجرای طرح می‌پردازم. این سه بخش عبارتند از: شرکت یهود، گروه‌های محلی، و انجمن یهودیان. ابتدا باید انجمن تشکیل شود و در انتها شرکت یهود؛ اما هنگام تشریح، جهت معکوس را ترجیح می‌دهم، زیرا صحت مالی این تشکیلات، بیش از هر چیز مورد پرسش است و ابتدا باید شک‌ها پیرامون آن زدوده شوند.

در بخش نتیجه‌گیری، باید هر گونه انتقاد ممکن را پاسخ دهیم. امیدوارم که خوانندگان یهودی مرا صبورانه تا آخر دنبال کنند. برخی به طور طبیعی انتقادهای خود را یکی

¹³ The Society of Jews

پس از رد دیگری مطرح می کنند. اما هر کس شک هایش بر طرف گردد، به این هدف، متعهد می شود.

هرچند از خرد می گویم، اما یکسره آگاهم که خرد به تنهایی کافی نخواهد بود. زندانیان قدیمی به میل خود سلول هایشان را رها نمی کنند. باید ببینیم آیا جوانانی که به آنها نیاز داریم، با ما همراه هستند؟ جوانانی که بی هیچ اکراهی پیران را حمایت کنند، آنها را بر بازوان قدرتمند خود ببرند و انگیزه های عقلانی را به شور و شوق بدل کنند.

۲

مسئله یهود

هیچ کس نمی تواند مُنکر حاد بودن وضعیت یهودیان بشود. آنان هر جا که در شماری چشمگیر زندگی می کنند، کمابیش زیر پیگرد و آزار هستند. تساوی آنها در برابر قانون کشورها در عمل به سخنی مُرده تبدیل شده است. حتی از گرفتن مقام های متوسط نیز بازداشته می شوند، خواه در ارتش یا در هر ظرفیت همگانی یا خصوصی دیگر. تلاش - هایی هم شده که آنها را از کسب و کار ببندازند: مانند شعار "از یهودیان خرید نکنید!" موارد حملات در پارلمان ها، مجامع، مطبوعات، خیابان و هنگام سفر - برای نمونه، راه ندادن آنها به برخی هتل ها - و حتی در مکان های تفریحی، روزانه افزایش می - یابند. شکل های آزار و پیگرد بنا به کشورها، جوامع و محافل اجتماعی فرق می کنند. در روسیه، دهکده های یهودی غارت می شوند؛ در رومانی چند نفر کشته شده اند؛ در آلمان، یهودیان گاه به شدت ضرب و شتم می شوند؛ در اتریش، یهودستیزان در گستره همگانی وحشت می پراکنند؛ در الجزایر، تحریک کنندگان به سفر می پردازند؛ در پاریس، یهودیان از محافل به اصطلاح بالا بیرون و از باشگاه ها رانده می شوند. احساس یهودی ستیزی شکل های گوناگون و بیشمار دارد. اما اینجا جای سوگواری بر فلاکت های یهودیان نیست.

من نمی‌کوشم عواطف همدردی برانگیزم. چنین تلاشی ابلهانه، بیهوده و خلاف حرمت ما است. به همین بسنده خواهیم کرد که این پرسش‌ها را در برابر یهودیان بگذارم: آیا حقیقت ندارد که در کشورهایی که شمار چشمگیر داریم، روز به روز کمتر با موقعیت و کیلان، پزشکان، مهندسان، معلمان و انواع کارمندان یهودی مدارا می‌شود؟ آیا صحت ندارد که طبقات متوسط به طور جدی مورد تهدید هستند؟ آیا تهدیدستان ما بیش از پرولتاریاهای دیگر رنج نمی‌کشند؟ از دید من، فشار بیرونی همه جا حس می‌شود: درون طبقات ثروتمند ما ناراحتی دامن می‌زند، در طبقات متوسط ما نگرانی‌های شدید و مداوم، و در میان طبقات فرودست ما نومیدی مطلق می‌آفریند. در واقع، همه چیز به یک نتیجه‌گیری واحد می‌رسد که به روشنی در آن عبارت برلینی -ها بیان شده است: "Juden Raus" (یهودیان باید اخراج گردند!) اینک باید پرسش یهود را به موجزترین شکل بیان کنم: آیا هم اکنون باید خارج شویم؟ به کجا باید برویم؟ یا بمانیم؟ و برای چه مدت؟

بگذارید ابتدا ماندن در جای خود را بررسی کنیم. آیا می‌توانیم امید به روزهای بهتر داشته باشیم؟ آیا قادریم روح خود را صبور نگه داریم؟ آیا با پرهیزکاری دست روی دست بگذاریم تا شاید حاکمان و ملت‌های زمین، رحم بیشتری به ما نشان دهند؟ من می‌گویم که امیدی به تغییر در احساسات کنونی نیست. آخر چرا؟ زیرا حتی اگر ما به قلب امیران همان اندازه نزدیک بودیم که رعیت‌های آنها، باز هم نمی‌توانستند ما را حفاظت کنند. آنها با نشان دادن علاقه‌ی بیش از حد به ما فقط نفرت مردم را برای خود می‌خریدند. منظورم از "بیش از حد" در واقع این است که یهودیان، حقوقی کمتر از شهروندان معمولی یا هر نژاد دیگر دارند. ملت‌هایی که یهودیان در میان آنها زندگی می‌کنند، همگی، یا پنهانی یا آشکار، یهودی ستیز هستند.

مردم عادی نمی‌توانند فهم تاریخی داشته باشند و ندارند. آنها نمی‌دانند که جنایت‌های قرون وسطی، امروز مورد بازپرسی ملت‌های اروپا هستند. ما محصول گتوها هستیم. در فرانسه جمع شدیم، زیرا شرایط قرون وسطی ما را به آنجا کشاند. همین روند اینک در حال تکرار است. ما بار دیگر مجبور به رفتن به فرانسه شده ایم؛ اینک با

حضور در بازار بورس، زیرا از شرکت در دیگر شاخه های فعالیت اقتصادی محروم هستیم. ما با شرکت در بازار خرید و فروش سهام و بورس دوباره مورد نفرت قرار گرفته ایم.

همزمان به تولید شمار بالایی از تحصیلکردگان میانه حال ادامه می دهیم که هیچ جایگاه شغلی پیدا نمی کنند. این امر، موقعیت اجتماعی ما را به خطر می اندازد و بر ثروت ما هم نمی افزاید.

یهودیان تحصیلکرده بیچیز، دارند سوسیالیست می شوند. از این رو ما به شدت از مبارزه طبقاتی آسیب خواهیم دید، زیرا در هر دو اردوگاه سوسیالیست ها و کاپیتالیست ها گاو پیشانی سفید هستیم.

تلاش های پیشین برای یافتن یک راه حل

ابزارهای تصنعی که اینجا و آنجا برای غلبه بر دشواری های یهودیان به کار رفته اند، بیش از حد ناچیز بوده اند، مانند تلاش برای اسکان و یا تلاش برای تبدیل یهودیان به دهقانان در خانه های فعلی خود. انتقال اندک شماری از یهودیان به کشوری دیگر چه حاصلی داشت؟ آنها یا یکبار به فلاکت می نشینند و یا پیشرفت می کنند و سپس رشد اقتصادی آنها، یهودی ستیزی برمی انگیزد. چنین انحراف مسیری [انحراف از تشکیل کشور مستقل] اگر هم خلاف هدف خود از آب درنیاید، آشکارا نامناسب و بی فایده است؛ زیرا فقط راه حل را به تعویق می اندازد و شاید حتی مشکلات را شدت بخشد.

هر کس هم بخواهد یهودی را به یک دهقان تبدیل کند، اشتباهی خارق العاده مرتکب شده، زیرا دهقان یک مقوله تاریخی است که در برخی کشورها مانند لباس ها و ابزارهای او که همانند نیاکان اولیه اش هستند، پس از قرن ها منسوخ شده است. گاو آهن او تغییری نکرده؛ بذرها را در پیشبند خود حمل می کند؛ با داس باستانی درو و با چوب عهد عتیق، خرمن می کوبد. اما می دانیم که اینها همه می توانند توسط ماشین ها انجام شوند. راه حل کشاورزی تنها دستگاه های ماشینی است. آمریکا می -

تواند [بازار] اروپا را تسخیر کند، به همان صورت که مالکیت های بزرگ زمین، زمین های کوچک را جذب می کنند. بنابر این، دهقان، طبقه ای است در حال زوال. هر زمان که او را به طور مصنوعی حفظ کنند، به دلیل منافع سیاسی است که در خدمت آنها قرار دارد. بیمعنا و به راستی ناممکن است که دهقان های مدرنی بر اساس انگاره های قدیمی بسازیم. هیچ کس آنقدر قدرتمند یا ثروتمند نیست که تمدن را وادار به یک قدم عقبگرد بکند. حفظ نهادهای منسوخ، کاری آنقدر جدی است که نیازمند همه گونه اقدامات مستبدانه توسط کشوری با نظام خودکامه است.

پس آیا ما به یهودیان [به ظاهر] "هوشمندی" که خواهان تبدیل به دهقانان نوع قدیم هستند، اعتباری می دهیم؟ باید به آنها گفت: "بفرما این هم یک منجیق؛ حالا برو به جنگ!" چه؟ با منجیق؟ آن هم در حالی که دیگران تفنگ و اسلحه های دوربرد دارند؟ یهودیان در چنین شرایطی یکسره حق دارند که وقتی دیگران می خواهند از آنها دهقان بسازند، سرپیچی کنند. منجیق سلاح جالبی بوده که وقتی به آن می اندیشم، دلم می سوزد، اما دیگر به موزه ها تعلق دارد. اکنون بی تردید مناطقی هستند که یهودیان در اثر تنگناها به هر قیمتی روی زمین کار می کنند - مانند مناطقی از هس در آلمان و برخی ایالت های روسیه که جایگاه های اصلی یهودی ستیزی هستند.

اصلاحگران دنیا که یهودیان را برای شخم زدن می فرستند، فرد مهمی که حرف بسیاری در این مورد دارد را فراموش می کنند. این فرد، کشاورز متخصص است که نظر او کاملاً موجه است. زیرا مالیات بر زمین، ریسک های مربوط به خرمن ها، فشار مالکان بزرگ که موجب ارزانی نیروی کار می شوند و به ویژه رقابت با آمریکا در مجموع و به حد کافی، زندگی او را دشوار می کنند. افزون بر این، تعرفه هایی که به غلات بسته می شوند، نمی تواند دائماً افزایش یابد. همچنین، صاحبان کارگاه های تولیدی نباید گرسنگی بکشند، زیرا نفوذ سیاسی روزافزونی دارند و با آنها باید با ملاحظات بیشتری رفتار کرد.

همه این دشواری ها به خوبی شناخته شده اند، از این رو اشاره وار به آنها پرداختم. فقط می خواستم به روشنی نشان دهم که چقدر تلاش های گذشته بیحاصل بوده اند، هر

چند که بیشتر آنها با نیت خوب جهت حل مسئله یهود همراه بوده اند. نه انحراف از جریان اصلی و نه توقف دادن مصنوعی به سطح فکر پرولتاریای ما، هیچ یک نمی-توانند بر این دشواری غلبه کنند. بیشتر به طرح اسیمیلاسیون که بی نقص پنداشته می-شد، پرداختم. با هیچ یک از این روش ها نمی توانیم یهودی ستیزی را کاهش دهیم و تا زمانی که علت های آن باقی هستند، از بین نخواهد رفت. آیا این علت ها را می-توان از میان برداشت؟

علت های یهودی ستیزی

دوباره لازم نیست به آن دسته علت هایی بپردازیم که نتیجه خلق و خو، تعصب و تنگ-نظری ها هستند؛ اینجا فقط به شرح علت های سیاسی و اقتصادی بسنده می-کنم. آنتی-سمیتیزم مدرن را نمی توان با آزار و پیگردهای مذهبی دوران های گذشته فهمید. گهگاهی در برخی کشورها رنگ و بوی تعصب های مذهبی گذشته را می-گیرد، اما جریان اصلی جنبش مهاجم کنونی، متفاوت است. در کشورهای اصلی که آنتی-سمیتیزم دوام یافته، علت، رهایی یهودیان و کسب حقوق مدنی توسط آنها است. ملت-های متمدن پس از بیداری در مورد غیرانسانی بودن قوانین تبعیض آمیز خود، آزادی ما را تضمین کردند؛ اما این آزادی خیلی دیر از راه رسید. دیگر از میان بردن ناتوانی های ما در خانه های قدیمی مان مطرح نبود. آخر ما به صورت جالبی همان زمان که در گتوها بودیم به مردمی بورژوا تبدیل و با خروج از گتو وارد رقابت تنگاتنگ با طبقات متوسط شدیم. از این رو، رهایی، ناگهان ما را درون حلقه طبقه متوسط قرار داد که در آن فشار مضاعفی را از درون و بیرون تحمل می-کنیم. بورژوازی مسیحی بدش نمی-آید ما را مثل گوشت قربانی تحویل سوسیالیزم بدهد، هرچند که تغییر عمده ای در امور نمی دهد. همزمان، حقوق مساوی یهودیان در برابر قانون در جایی که یک بار به کرسی نشسته، نمی تواند لغو شود. نه تنها چون الغای آنها با روح دوران مخالفت دارد، بلکه چون بیدرنگ همه یهودیان، از غنی و تهیدست را به صفوف احزاب سرنگونی طلب خواهد راند. آسیب رساندن به ما هیچ فایده ای ندارد. در روزگار قدیم، جواهرات

ما را مصادره می کردند. امروز دارایی منقول ما چیست که ضبط گردد؟ کاغذهای چاپی که جایی از دنیا در گاوصندوق هستند، شاید در صندوق های مسیحیان. البته امکان دارد که روی سهام یهودیان در راه آهن ها، بانک ها و مالکیت های صنعتی از طریق مالیات گیری دست بگذارند. هر جا که مالیات بر درآمد جدی است، در نهایت بر روی همه اموال منقول ما می توانند دست بگذارند و مصادره کنند. اما این تلاش ها نمی توانند فقط علیه یهودیان اعمال شوند، و هر جا که رخ دهند، بیدرننگ بحران های اقتصادی جدی به راه می افتد که به هیچ رو منحصر به یهودیان که اول گریبانشان را گرفته، نمی ماند. همین عدم امکان دست زدن به یهودیان، مولد و آبخور آنتی سمیتیزم است. آنتی سمیتیزم روز به روز و ساعت به ساعت در میان ملل افزایش می یابد. علت دوردست آن، کاهش توانایی اسمیلاسیون یهودیان در قرون وسطی بود؛ علت بیدرننگ آن، تولید نیروی تحصیلکرده میانحالی توسط یهودیان است که نمی تواند در جایگاه پایتتر یا بالاتر موقعیت شغلی کسب کنند؛ یعنی هیچ جایگاه واقعی در هیچ جهتی.

ما هنگام غرق شدن، به پرولتاریای انقلابی و کارگزاران همه نوع احزاب انقلابی تبدیل می شویم و همزمان، وقتی بالا می رویم، قدرت مهیب کیف های پول ما نیز افزایش می یابند.

تأثیرهای یهودی ستیزی

ستمی که تحمل می کنیم، ما را بهتر نمی کند، زیرا خیلی هم از مردم عادی والاتر نیستیم. حقیقت دارد که ما دشمنان خود را دوست نداریم؛ اما فقط افراد خوددار، حق سرزنش ما را به این سبب دارند. ستم به طور طبیعی، دشمنی علیه ستمگران پدید می آورد و دشمنی ما هم فشار را شدت می بخشد. بیرون جهیدن از این چرخه بی پایان، ناممکن است.

برخی خیالپردازان خوش قلب خواهند گفت: "چرا! ممکن است! از راه تکامل نهایی بشریت امکان دارد." آیا ضروری است به احساساتی گری جنون آمیز این دیدگاه

پردازیم؟ هر کس که به بهبود شرایط با تکامل نهایی بشریت امید دارد، در واقع به یک ناکجا آباد امیدوار است. پیشتر به اسیمیلسیون یهودیان اشاره کردم. نمی خواهم ذره-ای تصور شود که منظور من چنین پایانی است. کارا کتر ملی ما شهرت تاریخی بسزایی دارد و با وجود همه تحقیرها، والاتر از آن است که نابودی خود را بخواهد. شاید بتوانیم خود را یکسره جذب نژادهای پیرامون خود کنیم اگر، آنها ما را برای دو نسل، راحت بگذارند. آخر برای دوره کوتاهی با ما مدارا می کنند و سپس دشمنی را از سر می-گیرند. دنیا در اثر شکوفایی اقتصادی ما تحریک شده، زیرا قرن ها ما را از جمله فقرزدگان سزاوار نفرت می دانست. دنیا در نادانی و تنگ نظری قلبی قادر نیست ببیند که شکوفایی اقتصادی، یهودیت ما را ضعیف و ویژگی های خاص ما را خاموش کرده است. تنها فشار ما را وادار به بازگشت به ریشه های نیاکانی خود می کند؛ تنها نفرت پیرامون ماست که ما را دوباره به بیگانگان بدل می سازد. پس، چه بخواهیم و چه نخواهیم، اکنون گروهی تاریخی هستیم که همگی خصلت های همسان داریم و همین گونه خواهیم ماند. ما یک ملت هستیم - دشمنان، بدون توافق ما، ما را به تنی واحد تبدیل کرده اند، همان گونه که بارها در تاریخ رخ داده است. تنگناها ما را به هم پیوند می دهند، متحد می سازند و ناگهان قدرت خود را کشف می کنیم.

بله، ما به حد کافی نیرومند هستیم که یک کشور بسازیم و در واقع، یک کشور نمونه. ما تمام منابع انسانی و مادی لازم برای این منظور را در اختیار داریم.

اینجا جای مناسبی است که به مقوله تقریبی "مصلح انسانی" پردازم. اما بهتر است این موضوع را به پس از شرح خطوط کلی طرح که همه چیز به آنها بستگی دارد، واگذارم.

طرح

کل طرح، در جوهر خود، کاملاً ساده است و برای فهم همگان، باید چنین باشد: سروری بر سهمی از این کره خاک و کافی برای تامین نیازهای یک ملت به ما داده شود؛ باقی را ما خود، سامان می دهیم.

تاسیس کشوری نوآباد نه مسخره است و نه ناممکن. ما در زمانه خود شاهد ملت‌هایی بوده ایم که طبقه متوسط وسیعی نداشته، بلکه فقیرتر، دارای باسوادهای کمتر و در نتیجه ضعیفتر از ملت ما بوده اند. دولت‌های همه کشورهای مبتلا به آنتی سمیتیزم، با علاقه به ما کمک خواهند کرد تا به سروری مورد نظر خود برسیم.

این طرح که ترکیب آن ساده، اما اجرایش دشوار است، توسط دو نهاد به اجرا درخواهد آمد: انجمن یهودیان^{۱۴} و شرکت یهود^{۱۵}.

انجمن یهودیان کار آماده سازی در قلمرو علم و سیاست را به عهده می‌گیرد و سپس شرکت یهود آنرا به عمل درمی‌آورد.

آژانس یهود، مامور انحلال قانونی بنگاه‌های تجاری یهودیان اعزامی و ساماندهی تجارت و داد و ستد در کشور نوپنیا خواهد بود.

نباید تصور کنیم که اعزام یهودیان، ناگهانی و یکجا خواهد بود. بلکه تدریجی و طی چندین دهه انجام می‌شود. تنگدست‌ترین‌ها ابتدا می‌روند تا خاک را زراعت کنند. آنها بر اساس یک طرح قبلی، جاده‌ها، راه‌های آهن و تاسیسات تلگراف را خواهند ساخت، رودخانه‌ها را آماده و سکونتگاه‌های خود را برپا خواهند کرد. کار آنها تولیدکننده داد و ستد، داد و ستد، مولد بازارها، و بازارها جذب کننده مهاجران جدید خواهند بود، زیرا هر کس داوطلبانه با خرج و ریسک خود به آنجا می‌رود. کار و آبادانی بر روی زمین به ارزش آن خواهد افزود و یهودیان خیلی زود خواهند دید که برای آن روح تولیدگری که بیشتر فقط نفرت و تحقیر برمی‌انگیخت، فضایی دائمی گشوده می‌شود.

¹⁴ Society of Jews

¹⁵ توضیح مترجم فارسی: Jewish Company که بعدها در سال ۱۹۲۹ با نام Jewish Agency یا آژانس یهود به عنوان شعبه اجرایی سازمان صیونیزم جهانی تشکیل شد، یعنی چندین سال پس از درگذشت هر تامل در ۱۹۰۴.

امروز اگر می خواهیم کشوری پی ریزی کنیم، نباید این کار را به روشی انجام دهیم که هزار سال پیش، تنها روش ممکن بود. دیوانگی است اگر به مراحل پیشین تمدن عقبگرد کنیم، آن گونه که بسیاری از صیونیست ها مایل هستند.

برای نمونه، فرض که ناچار باشیم کشور را از جانوران وحشی پاک کنیم، نباید این کار را به روش اروپاییان قرن پنجم انجام بدهیم. نباید نیزه و سپر برداریم و به دنبال حیوانات وحشی بتازیم؛ باید برنامه شکار بزرگ و فعالی تدارک ببینیم، وحوش را یک جا گردآوریم و میان آنها بمب نیرومندی منفجر کنیم.

اگر بخواهیم ساختمان سازی کنیم، نباید تلی از تیر و الوار کنار یک دریاچه تخلیه کنیم. باید به روش امروزی خانه بسازیم. باید این کار را به شیوه ای جسورانه تر و اجرایی تر از همیشه انجام دهیم، زیرا ما ابزارهایی در اختیار داریم که انسان ها پیشتر نداشته اند.

پس از مهاجران طبقات تهیدست، مهاجرانی با موقعیت های بهتر از راه می رسند. کسانی که در لحظه کنونی در وضعیت بدی به سر می برند، اول مهاجرت می کنند. تحصیلکردگان میانه حال که ما به وفور تولید کرده ایم و همه جا مورد آزار و تبعیض هستند، آنها را راهبری می کنند.

این رساله، بحثی کلی در مورد مسئله یهود می گشاید، اما نه به این معنا که پیرامون آن رای قطعی بدهد. چنین کاری هدف ما را از همان ابتدا خراب می کند. مخالفان باید بدانند که وفاداری یا مخالفت، یکسره دلبخواه است. کسی که با ما نباشد، سر جای خود می ماند.

باشد که تمام کسانی که مایل به پیوستن به ما هستند، پشت پرچم ما بایستند و برای هدف ما با گفتار و قلم و قدم بکوشند.

آن دسته از یهودیانی که با ایده یک کشور موافقت با انجمن یهودیان در ارتباط قرار می گیرند و از آنجا به نام ملت ما، اختیارات مذاکره با دولت ها را دریافت می کنند.

انجمن به این ترتیب در روابط خود با دولت‌ها به عنوان یک قدرت کشورساز، بازشناسی می‌شود. این نهاد رسمی درعمل، کشور را تاسیس می‌کند.

اگر قدرت‌های جهانی اعلام تمایل به پذیرش سروری ما بر یک قطعه زمین بیطرف بکنند، آنگاه انجمن یهودیان برای خرید این سرزمین وارد مذاکره خواهند شد. دو قلمرو مورد توجه است: فلسطین و آرژانتین. در هر دو کشور تجربه‌های مهمی در زمینه اسکان مهاجران انجام شده‌اند، هرچند در هر دو، اصل اشتباه ورود تدریجی به اجرا-درآمد. نفوذ تدریجی اصولاً بد از کار درمی‌آید. ادامه می‌یابد تا لحظه ناگزیری که جمعیت بومی احساس تهدید کند و دولت را وادار به منع ورود یهودیان سازد. در نتیجه، مهاجرت بیهوده است، مگر برای ادامه مهاجرت به یک سرزمین، حق سروری بر آن داشته باشیم.

انجمن یهودیان با حاکمان کنونی سرزمین معامله می‌کند و زیر حفاظت قدرت‌های اروپایی، اگر با طرح موافق باشند، قرار می‌گیرد. ما می‌توانیم به حاکمان کنونی سرزمین، امتیازهای بزرگ بدهیم، بخشی از بدهی‌های دولتی آنها را پرداخت کنیم، و جاده‌ها برای آمد و رفت بسازیم تا حضور ما در کشور ضروری بشود؛ و بسیاری کارهای دیگر. تاسیس کشور ما برای کشورهای مجاور مفید خواهد بود، زیرا کشت و آبادانی یک بخش از منطقه، ارزش زمین‌های مناطق اطراف را به شکل‌های گوناگون بالا می‌برد.

فلسطین یا آرژانتین؟

آیا باید فلسطین را برگزینیم یا آرژانتین را؟ باید آنچه به ما داده می‌شود و آنچه افکار عمومی یهودیان می‌پذیرد را بگیریم. انجمن یهودیان این دو نکته را مشخص خواهد کرد.

آرژانتین یکی از حاصلخیزترین کشورهای دنیا است؛ منطقه‌ای وسیع با جمعیت اندک و آب و هوایی ملایم. جمهوری آرژانتین سود بزرگی از دادن بخشی از قلمرو خود به

ما خواهد برد. نفوذ فعلی یهودیان بی تردید، ناخشنودی هایی برانگیخته و ضروری خواهد بود که جمهوری را پیرامون تفاوت ذاتی جنبش نوین ما [با مهاجرت قبلی] آگاه کنیم.

فلسطین، خانه تاریخی و به یادماندنی ما است. خود این نام، مردم ما را با نیرویی شگفت انگیز و قوی به خود می خواند. اگر اعلیحضرت سلطان [عثمانی] فلسطین را به ما می داد، می توانستیم در عوض، تمام امور مالی ترکیه را سر و سامان دهیم. آنجا بخشی از استحکامات اروپا علیه آسیا و مرکزی تمدنی در تقابل با بربریت را تاسیس می کردیم. ما باید همچون یک کشور بیطرف با تمام اروپا که می تواند موجودیت ما را تضمین کند، در ارتباط بمانیم. باید اماکن مقدس مسیحیت را با دادن جایگاه اختصاصی به آنها بر اساس قوانین بین المللی، حفاظت کنیم. باید گاردی افتخاری برای این اماکن مقدس تشکیل بدهیم و بیدرنگ پس از موجودیت کشور به انجام این وظیفه برخیزیم. این گارد افتخاری، نماد بزرگ حل مسئله یهود پس از هجده قرن رنج یهودیان خواهد بود.

تقاضا، واسطه و تجارت

در بخش پیشین گفتیم که "انجمن یهودیان، تجارت و داد و ستد را در کشور نوین سامان خواهد داد." اینجا باید چند توضیح در این مورد بدهم.

طرحی مانند طرح من به شدت در خطر قرار می گیرد اگر افراد "عملگرا" با آن مخالفت کنند. امروز افراد "عملگرا" کسانی نیستند جز مردانی غرق در عادت های زندگی روزمره و ناتوان از بیرون آمدن از حلقه باریک افکار منسوخ. با این حال، مخالفت آنها وزن بسیاری دارد و می تواند به پروژه ای تازه پا آسیب های جدی بزند؛ مگر این امر نوین چنان نیرومند شود که افراد "عملگرا" و افکار کپک زده آنها را به دست باد بسپارد.

در اوایل ساخت راه آهن اروپا برخی افراد "عملگرا" این نظر را داشتند که ساختن برخی از خطوط، دیوانگی است، "زیرا [در آن مناطق] حتی مسافران کافی برای

پر کردن یک درشکه حمل نامه های پستی وجود ندارد. " آنها حقیقتی که امروز برای ما آشکار است را درنیافتند: مسافران نیستند که راه آهن را پدید می آورند؛ بلکه راه آهن است که مسافران را تولید می کند؛ تقاضای پنهان جدی گرفته نمی شود.

عدم فهم این که چگونه تجارت و داد و ستد، کشوری نوین را که هنوز باید خریده و کشت شود، پدید می آورد، همسنگ شک های همان افراد "عملگرا" است که نیازی به راه آهن نمی دیدند. هر فرد "عملگرا" خود را به گونه خاص خویش بیان می کند.

می پذیریم که موقعیت کنونی یهودیان از جهات بسیاری، قابل ادامه نبوده، روز به روز بدتر می شود و میل به مهاجرت وجود دارد؛ حتی می پذیریم که یهودیان به کشور نوبنیاد مهاجرت کنند. اما چگونه آنجا زندگی خود را تامین کنند و چه به دست بیاورند؟ به آنجا که می رسند چه دارند تا با آن زندگی کنند؟ کار و کسب بسیاری از مردم یک روزه به طور مصنوعی سرو سامان نمی یابد.

به این امر باید پاسخ بگویم. ما کوچکترین قصدی برای کسب و کار مصنوعی نداریم و به هیچ رو نباید بکوشیم شغل ها را یک روزه به راه اندازیم. اما هرچند هم سامان دادن به کسب و کار دشوار باشد، تشویق آن آسان است. چگونه کسب و کار تشویق خواهد شد؟ از راه واسطه تولید و تقاضا. وقتی تقاضا مشخص و واسطه ایجاد شود، کسب و کار، خودبه خود مستقر می گردد. اگر تقاضای واقعی و مصرانه ای در میان یهودیان برای بهبود جایگاهشان وجود داشته باشد، در صورت ایجاد واسطه — همان شرکت یهود — به حد کافی نیرومند خواهد بود تا تجارت، آزادانه در کشور نوبنیاد گسترش یابد.

شرکت یهود از سویی، بر اساس یک شرکت بزرگ خرید زمین، طراحی می شود. می توان آنرا شرکتی با پروانه رسمی و امتیاز کار دانست که هرچند نمی تواند قدرت سروری سیاسی اعمال کند، اما کارمایه هایی به غیر از فقط اسکان خواهد داشت.

شرکت یهود مانند یک شرکت سهامی با مسئولیت محدود در زیر قوانین انگلستان طراحی می شود. مرکز آن در لندن خواهد بود. نمی توانم به شما بگویم که سرمایه شرکت چقدر وسیع می تواند باشد؛ باید آن محاسبه را به کارگزاران مالی پرشمارمان بسپارم. اما برای پرهیز از ابهام، باید برای آن رقم یک میلیون مارک (حدود ۵۰،۰۰۰،۰۰۰ پوند یا ۲۰۰،۰۰۰،۰۰۰ دلار) را ذکر کنم. یا بیشتر یا کمتر. اسناد ثبت شرکت که بعداً تنظیم می شود، تعیین خواهد کرد که چه بخش از کل این مبلغ باید یکجا پرداخت شود.

شرکت یهود سازمانی است با خصلت انتقالی؛ یک شرکت مالی خالص که باید با احتیاط از انجمن یهود متمایز شود.

شرکت یهود اول از همه تمام سرمایه گذاری های یهودیان اعزامی را نقد می کند. روش به کار رفته از بروز بحران ها جلوگیری کرده، مالکیت هر فرد را امن ساخته، آن هجرت داخلی مسیحیان شهروند را که بیشتر گفته شد، سهولت می بخشد.

دارایی های غیرقابل انتقال

دارایی های غیرقابل انتقال و مورد توجه، ساختمان ها، زمین و ارتباط های تجاری محلی هستند. شرکت یهود ابتدا وظیفه دارد که فقط معامله های لازم برای عملی ساختن فروش این کالاها را انجام دهد. این فروش ها توسط یهودیان، آزادانه و بدون هیچ اُفت جدی در قیمت ها انجام خواهند شد. شعبه های شرکت یهود در شهرهای گوناگون به مراکز اداری فروش املاک یهودیان تبدیل شده، و فقط آن اندازه حق العمل بر روی تبادل ها می گیرد که ثبات مالی معاملات را تضمین کند.

گسترش این جنبش می تواند کاهش قابل ملاحظه ای در بهای مالکیت بر زمین بدهد و در نهایت برای آن بازاری به راه افتد. در این مقطع، شرکت وارد یکی دیگر از شاخه-های کارکرد خود می شود و مدیریت املاک رهاشده را تا زمانی که آنها را با سود بیشتر بفروشد، به دست می گیرد. شرکت، اجاره خانه ها را وصول می کند، زمین ها را اجاره می دهد و بر آنها مدیران مالی می گمارد - همگی با حضور ناظران که شاید هم خود مستاجران باشند. شرکت همه جا خواهد کوشید تا خرید زمین توسط مستاجران مسیحی را تسهیل و به تدریج در شعبه های اروپایی، افراد مسیحی (و کیلان و غیره) را جایگزین کارگزاران خود کند؛ اینها به هیچ روی تبدیل به خدمتکاران یهودیان نمی شوند؛ بلکه قرار است عوامل آزاد جمعیت مسیحی باشند تا همه چیز با تساوی، انصاف و عدالت انجام شود، بی آنکه رفاه داخلی مردم [کشور] آسیب ببیند.

همزمان، شرکت یهود املاک را می فروشد یا معاوضه می کند و در ازای یک خانه، خانه ای در سرزمین نوآباد می دهد؛ همه چیز در صورت امکان همان گونه که پیشتر بوده به سرزمین جدید منتقل شود. این انتقال، منبعی بزرگ و رسمی برای سود شرکت خواهد بود. "آنجا" خانه هایی که به جای قبلی ها داده می شوند، نوتر، زیباتر و راحتتر خواهند بود. املاک زمین دار ارزشی بالاتر از زمین های رهاشده در مبداء خواهند شد؛ اما برای شرکت نسبتاً هزینه کمی می برند، زیرا زمین خیلی ارزانتر خریداری می شود.

خرید زمین

سرزمینی که انجمن یهودیان از راه قوانین بین المللی تامین خواهد کرد، البته باید به صورت خصوصی خریداری شود. تدارکات افراد برای سکونت خود، خارج از این حساب های کلی خواهد بود. اما شرکت یهود، مناطق وسیعی را برای نیازهای خود و مردم ما می خرد که باید از راه پرداخت مرکزی، تضمین شوند. شرکت برای خرید واحدهای مالی^{۱۶} با هدف مهم مالکیت زمین در "آنجا" مذاکره خواهد کرد، بی آنکه قیمتی بسیار بالا پرداخت کند؛ همان گونه که اینجا مالکیت ها را بدون قبول قیمت

¹⁶ fiscal domains

خیلی پایین می فروشد. قیمت های اجباری مورد نظر نیست، زیرا شرکت، ارزش زمین را حین سامان دادن به اسکان زیر نظر انجمن یهودیان تعیین می کند. انجمن یهودیان مراقب خواهد بود که این سرزمین نه به یک پاناما بلکه به یک سوئز^{۱۷} تبدیل شود.

شرکت یهود، ساختمان ها را به قیمتی معقول به ماموران خود می فروشد تا آنها را به عنوان خانه های خود با اقساط پرداخت کنند و مبالغ مقرر از حقوق آنها کم شود؛ یا کارفرما به عنوان کمک هزینه به حساب آنها بریزد. افزون بر افتخاری که به آنها می - رسد، پرداختی اضافی خواهد بود در ازای خدمت آنها.

تمام سودهای عظیم این عملیات در سرزمین به شرکت واریز می شود که قانونا این وجوه اصلی را در ازای ریسک انجام پروژه دریافت می کند. وقتی عملیات هرگونه ریسکی به دنبال دارد، سودها باید قانونا به کسانی برسند که ریسک را به عهده گرفته - اند. اما به هیچ دلیل دیگری سودبردن [برای شرکت یهود] مجاز نیست. اخلاق مالی [شرکت] با تناسب ریسک و سود تعریف می شود.

ساختمان ها

شرکت یهود به این ترتیب، خانه ها و املاک را معاوضه می کند. هر کس که افزایش قیمت زمین در اثر آبادی آن را مشاهده کرده، می داند که شرکت از املاک زمین خود سود خواهد برد. این را در مورد تکه زمین های جدا در شهر و روستا بهتر می - بینیم. قیمت مناطقی که ساخته نشده اند، در اثر آبادی زمین های اطراف خود افزایش می یابد. کسانی که گسترش محدوده های پاریس را اجرا کردند، محاسبه ای موفق داشتند که به دلیل سادگی، هوشمندانه بود؛ آنها به جای برپا کردن ساختمان های جدید،

¹⁷ توضیح مترجم فارسی: اشاره هر متصل به کانال سوئز احتمالا به دلیل سودآوری و موفقیت اجرای آن بود. در سال ۱۸۸۵ یک شرکت فرانسوی با همکاری شرکای انگلیسی در منطقه سوئز که به مصر تعلق داشت، طی ده سال کانال را ساخت که دو بخش مهم دنیا را از طریق راه دریایی به هم متصل می سازد. ساخت کانال پاناما در سال ۱۸۸۱ ابتدا توسط فرانسویان آغاز شد، اما آنها به دلایل فنی و مرگ و میر بسیار کارگران متوقف شدند تا در سال ۱۹۰۴ یک شرکت آمریکایی کار را به دست گرفت و گشایش آن تا ۱۹۱۴ طول کشید.

بیدرننگ پس از آخرین خانه های شهر، تکه های زمین های مجاور را خریدند و شروع به ساختمان سازی در حاشیه های بیرونی آنها کردند. این نظم معکوس ساختمان سازی، ارزش مجتمع های ساختمانی را با سرعتی فوق العاده بالا برد. سپس به دنبال تکمیل حلقه خارجی زمین، به جای ادامه ساختمان سازی در حاشیه های بیرونی، در زمین های میانی که ارزش آنها بسیار بالا رفته بود، شروع به ساخت و ساز کردند.

شرکت می تواند خودش ساختمان سازی را انجام دهد یا معماران مستقل استخدام کند. می تواند هر دو کار را بکند و خواهد کرد. چنان که به زودی نشان می دهد، نیروی کار عظیمی به آنجا انتقال خواهد یافت. شرکت یهود از آن کارگران بهره کشی نخواهد کرد، بلکه آنها را به شرایط زندگی روشنتر و راحت تری خواهد رساند؛ و این برای شرکت، گران تمام نخواهد شد. جغرافیادان های ما پس از انتخاب مراکز ساخت و ساز در شهرها مصالح ساختمانی مناسب را بررسی خواهند کرد.

اصول ساختمان سازی چه خواهد بود؟

سکونتگاه های کارگران

سکونتگاه های کارگری (شامل همه کارکنان) با ریسک و هزینه شرکت یهود ساخته خواهند شد. آنها هیچ شباهتی به زاغه های غم انگیز شهرهای اروپایی یا ردیف های کلبه های محقر اطراف کارخانه ها نخواهند داشت. بی تردید، این سکونتگاه ها ظاهری همسان خواهند داشت، زیرا شرکت یهود با تامین مصالح ساختمانی در مقیاسی بزرگ، ساخت و ساز را ارزانتر تمام می کند. در هر مکان، خانه های مستقل درون حیاط های کوچک، گروه های جذاب و همسانی را تشکیل خواهند داد. شکل طبیعی زمین، الهام بخش هوش معماران جوان ما خواهد بود که ایده هایشان هنوز همسانی در میان ایده های رایج ندارد. حتی اگر مردم اهمیت کامل طرح آنها را درک نکنند، در هر حال، در خانه های مستقل خود راحت خواهند بود. نیایشگاه [معبد] از دوردست دیده خواهد شد، زیرا تنها ایمان باستانی است که ما را در کنار هم نگه می دارد. برای کودکان، مدرسه های پرنور، زیبا و سالم ساخته می شود که با مدرنترین نظام های آموزشی اداره

خواهند شد. برای کارگران، مدارس شبانه ادامه تحصیل برقرار می شود که آنها را به دانش فنی بیشتر مجهز و آشنا به کار با ماشین های صنعتی خواهند کرد. مراکز تفریحی ساخته می شوند که شرکت یهود مسئول کارکرد صحیح آنها خواهد بود. ما فعلا فقط از ساختمان ها می گوئیم و نه از آنچه درون آنها خواهد بود.

گفتم که شرکت یهود، سکونتگاه های کارگران را با قیمت ارزان می سازد. ارزان بودن آنها نه فقط به دلیل وفور مصالح ساختمانی در محل، یا مالکیت شرکت بر زمین های زیر ساخت، بلکه همچنین به دلیل نپرداختن مزد به کارگران است.

مزرعه داران آمریکایی بر اساس سیستم کمک متقابل در خانه سازی کار می کنند. این سیستم دوستانه و کودکانه که همانند ساخت خانه های سازمانی آنها ناشیانه است، می تواند به صورت های عالیتری به اجرا درآید.

کارگران بی مهارت

کارگران بی مهارت ما که پیش از همه از مناطق روسیه و رومانی می آیند، البته در ساختن خانه ها به یکدیگر کمک می کنند. آنها اول باید خانه ها را با چوب بسازند، زیرا آهن بیدرنک در دسترس نخواهد بود. بعدا ساختمان های موقت اولیه و نامناسب، جای خود را به سکونتگاه های بهتر می دهند.

کارگران بی مهارت ما ابتدا به کمک یکدیگر این اقامتگاه های موقت را می سازند؛ و سپس خانه هایشان را که در مالکیت دائمی آنها خواهد بود با کار خود برپا می کنند — نه بیدرنک، اما پس از سه سال و به جا گذاشتن سابقه کار خوب. به این ترتیب، از مردان پرانرژی و توانا حمایت می کنیم و این مردان به مدت سه سال کار با انضباط، دوره های کاربندی می بینند. بیشتر گفتم که شرکت نباید به این کارگران بی مهارت، مزد پرداخت کند. پس آنها چگونه زندگی کنند؟

من در کل، مخالف سیستم تراک¹⁸ هستم اما باید برای این نخستین مهاجران اجرا شود. شرکت به شکل های مختلف از این راه آنها را تامین خواهد کرد. اجرای سیستم تراک تنها در سال های نخست، اجباری خواهد بود و به کارگران از راه جلوگیری از استثمار آنها توسط خرده کاسبان، مالکان و غیره کمک می کند.

شرکت به این روش، راه را بر فروشندگان دوره گرد چرب زبان و قاچاقچیان در میان ما می بندد، مبادا که آنجا همان کارهای قبلی خود را به راه اندازند.

شرکت همچنین افراد دائم الخمر و سست اخلاق را دور نگه می دارد.

آنجا هیچ پرداخت یا مزدی در دوره اول اسکان نخواهد بود. بی تردید، برای اضافه کاری دستمزد داده می شود.

هفت ساعت کار در روز

هفت ساعت کار، روز کاری معمول خواهد بود.

نه به این معنا که چوب بُری، کندن زمین، سنگ خرد کردن و صدها کار روزمره فقط در همان هفت ساعت انجام می شوند. چنین نیست. چهارده ساعت کار در سه نوبت سه ساعت و نیمه برقرار خواهد بود. ساماندهی به روش نظامی انجام می شود؛ ابلاغ ها، ترفیع ها و حساب های بازنشستگی که به ابزارهای آن جلوتر می پردازیم، اعمال می - شوند.

یک مرد سالم می تواند به طور فشرده کارهای بسیاری در سه ساعت و نیم انجام دهد. او پس از فاصله زمانی همسانی که به استراحت و خانواده و تحصیل همراه راهنما می - پردازد، برای کار مجدد، سرحال خواهد بود. این گونه کار کردن اعجازها می کند.

¹⁸ توضیح مترجم فارسی: Truck System به روشی گفته می شود که پرداخت مزد به کارگران به صورت جنسی و نه نقد انجام می شود.

روز کاری هفت ساعته به این ترتیب به معنای چهارده ساعت کار جمعی خواهد بود - و بیش از این نمی توان در یک روز گنجاند.

من متقاعد شده ام که می توان هفت ساعت کار در روز را با موفقیت به اجرا گذاشت. برقراری آن در بلژیک و انگلستان به خوبی امتحان پس داده است. برخی اقتصاددانان خبره که این موضوع را مطالعه کرده اند، اعلام داشته اند که روز کاری پنج ساعته هم کافی خواهد بود. انجمن یهودیان و شرکت یهود در هر حال، آزمایش های دقیق و گسترده ای می کنند که مورد استفاده دیگر ملت های دنیا نیز قرار خواهند گرفت؛ و اگر هفت ساعت کار روزانه عملی باشد، در کشور آینده ما به عنوان روز کاری قانونی برقرار می شود.

در این میانه، شرکت، همواره هفت ساعت کار برای کارمندان خود را برقرار می کند؛ و همیشه چنین خواهد بود.

هفت ساعت کار روزانه فراخوانی است برای ملت ما در هر جای دنیا که هستند. همه داوطلبانه بیایند، زیرا سرزمین ما به راستی باید سرزمین موعود باشد.

هر کس بیش از هفت ساعت کار کند، اضافه کاری خود را نقدی دریافت می کند. او با اطمینان از برآوردن همه نیازهایش و تامینی که نهادهای انتقالی خیریه به اعضای ناتوان از کار کردن در خانواده اش می دهد، می تواند اندکی پول پس انداز کند.

صرفه جویی که همواره یکی از ویژگی های مردم ما بوده، باید به شدت تبلیغ شود، زیرا اولاً، بالارفتن فرد به درجات بالاتر را موجب می شود؛ دوماً، پول پس انداز شده منبع مالی و ذخیره بزرگی برای وام دادن های بعدی می شود. اضافه کاری فقط با مجوز پزشک امکان دارد و نباید از سه ساعت بیشتر بشود. زیرا افراد ما برای کار در کشوری نو بنیاد، گرد خواهند آمد و آن گاه، دنیا می بیند که ما چه مردمان سخت کوشی هستیم. به دلیل پرهیز از گیج کردن خوانندگان، روش اجرای سیستم تراک و بی شمار جزئیات هر روند را شرح نخواهم داد.

زنان اجازه انجام هیچ گونه کار سنگین و یا اضافه کاری را نخواهند داشت.

زنان باردار از همه کارها معاف هستند و سیستم تراک، تغذیه آنها را سامان می دهد. می خواهیم نسل های آینده ما مردان و زنان نیرومندی باشند. باید کودکان را از ابتدا به روش مطلوب آموزش دهیم، اما به جزئیات نخواهم پرداخت. دیدگاه هایم پیرامون سکونتگاه های کارکنان و کارگران بی مهارت و روش زندگی آنها مانند دیگر اجزای طرح من، آرمانشهری نیستند. هر چه گفته ام هم اکنون در مقیاسی کوچک که نه به چشم آمده و نه فهمیده شده، سابقه اجرا دارد. "حمایت در ازای کار" ^{۱۹} که در پاریس آنرا شناختم و فهمیدم، به من خدمت بزرگی برای حل مسئله یهود کرد.

حمایت در ازای کار

سیستم حمایت در ازای کار در پاریس، بسیاری از شهرهای فرانسه، انگلستان، سوئیس و آمریکا در مقیاس کوچکی اجرا می شود، اما قادر به گسترش وسیعتری است.

اصول حمایت در ازای کار کدامند؟

این اصول از این قرارند: هر فرد نیازمندی از طریق دادن کار بی نیاز از مهارت، مانند چوب ببری و هیزم شکنی برای روشن کردن اجاق های خانه های پاریس حمایت می - شود؛ شبیه کار زندانیان در ازای جرم که شخصیت آنها را از بین نمی برد. این روش برای جلوگیری از ارتکاب به جرم ناخواسته توسط این افراد از راه تامین کار و آزمایش خواست آنها برای کار کردن است. گرسنگی هیچ گاه نباید انسان ها را به خودکشی وادارد؛ زیرا چنین خودکشی هایی عمیقترین ننگ ها برای تمدنی هستند که به ثروتمندان اجازه خوردن گوشت اعلا به سگ هایشان را می دهد.

برنامه حمایت در ازای کار، برای همه کار تدارک می بیند. اما این سیستم، نقص بزرگی دارد: به اندازه کافی تقاضا برای تولیدات کارگران بی مهارت استخدام شده وجود

¹⁹ در متن اصلی به زبان فرانسه: Assistance par le Travail

ندارد، از این رو کارفرمایان آنها ضرر می کنند؛ هرچند سازمانی خیریه عهده دار این کار است و از این رو برای زیاندهی آمادگی دارد. اینجا سود تنها در تفاوت قیمت پرداخت شده برای کار و قیمت واقعی آن است: این نهاد به جای دادن دو سنت به گدا، او را با کار تامین می کند و در عوض، دو سنت ضرر می کند. اما همزمان، گدای بدردنخور را به فردی تبدیل می کند که نان خود را درمی آورد و شاید از یک فرانک، پنجاه سنت کار کند. ۱۵۰ سنت از ۱۰ فرانک! یعنی او دریافت کننده خیریه ای است که هیچ امر تحقیرکننده ای آنرا ۱۵ برابر نکرده است! یعنی پانزده میلیون در ازای یکهزار میلیون!

نهاد خیریه بی شک ۱۰ سنت ضرر می کند. اما شرکت یهود یکهزار میلیون متضرر نمی شود؛ بلکه سودی عظیم از این هزینه کردن می برد.

همچنین، سویه ای اخلاقی در این کار هست. سیستم کوچک و کنونی حمایت در ازای کار، رفتار اخلاقی خود را حفظ می کند تا زمانی فرابرسد که فرد کارکن، جایی مناسب با ظرفیت های خود پیدا کند؛ خواه با توانایی قدیم یا جدید خود. او چند ساعت در روز آزاد است که دنبال کار بگردد و نهاد خیریه در این امر یاری اش می کند.

نقص این سازمان های کوچک تا امروز این بوده که از ورود به رقابت با معامله گران الوار و غیره بازداشته شده اند. معامله گران الوار، رای دهنده هستند؛ آنها ممکن است اعتراض کنند و در این زمینه حق دارند. از سوی دیگر، رقابت این سازمان های کوچک با کار دولتی زندانیان نیز یکسره ممنوع است، زیرا دولت باید مجرمان را زندانی و تغذیه کند.

در واقع، در جامعه ای جاافتاده، جای اندکی برای کاربرد موفق سیستم "حمایت در ازای کار" هست. اما یک جامعه نوین، جای کافی دارد.

زیرا ما شمار عظیمی از کارگران بی مهارت داریم که کارهای اولیه و خشن کاری اسکان را انجام دهند، جاده ها را بسازند، درختان را بکارند، زمین ها را صاف کنند، راه آهن ها و پست های تلگراف را بسازند و غیره. همه اینها بر اساس طراحی پیشاپیش برای اسکان انجام می شوند.

تجارت

کار انجام شده در کشور نوآباد به طور طبیعی با خود تجارت پدید می آورد. نخستین بازارها تنها ضروریات زندگی، از جمله چارپایان، غلات، لباس کار، ابزار و سلاح را تامین می کنند. ابتدا باید این اجناس را از کشورهای همسایه یا اروپا وارد کنیم؛ اما باید هر چه زودتر خود را به تولید مستقل برسانیم. کارآفرینان یهودی زود درمی یابند که کشور نوآباد چه رشته های تجاری را طلب می کند.

انبوه ماموران رسمی شرکت یهود به تدریج ضروریات زندگی برتری را رایج می کنند. (ماموران، شامل نیروهای دفاعی ما هستند که همیشه ده درصد مردان مهاجر را تشکیل می دهند. آنها فقط به شماری خواهند بود که ناآرامی ها را فروبشانند، زیرا اکثریت مهاجران ما گرایش به صلح دارند.) ضروریات زندگی پیشرفته ماموران بالارتنه ما، بازارها را بهبود می بخشد. مردان خانواده برای زن و فرزندان خود و مردان مجرد برای والدین و خویشاوندان پول می فرستند تا آنکه خانه ای جدید در "آنجا" ساخته شود.

یهودیانی که به ایالات متحده مهاجرت می کنند، همیشه این گونه عمل می کنند. به محض آنکه یکی از آنها نان آور می شود و سقفی بالای سر خود دارد، خویشانش را نزد خود می برد؛ زیرا در میان ما پیوندهای خانوادگی، نیرومند هستند. انجمن یهودیان و شرکت یهود نه فقط از نظر معنوی، بلکه از نظر مادی، برای حمایت و استحکام خانواده ها با یکدیگر همکاری می کنند. ماموران رسمی هنگام ازدواج و تولد فرزندان، اضافه حقوق می گیرند، زیرا ما به همه کسانی که آنجا هستند و یا سپس می آیند، نیاز داریم.

دیگر انواع سکونتگاه

پیشتر به سکونتگاه های کارگران که خودشان آنها را می سازند، پرداختم، اما دیگر انواع سکونتگاه ها را از قلم انداختم. اینک به آنها نیز می پردازم. معماران شرکت برای فقیرترین طبقات شهروندان نیز ساخت و ساز انجام داده و دستمزد جنسی یا نقدی

دریافت خواهند کرد؛ حدود صد نوع مختلف از خانه برپا خواهد شد و البته، ادامه خواهد یافت.

این انواع خانه های زیبا بخشی از تبلیغات ما هستند. صحت و دقت ساختمان آنها از سوی شرکت یهود که در واقع، از فروش آنها به مهاجران به قیمتی ثابت، سود نمی-کند، تضمین می شود. این خانه ها کجا ساخته می شوند؟ در بخش مربوط به گروه-های محلی به این امر می پردازیم.

با توجه به این که شرکت یهود نمی خواهد هیچ سودی از کارهای ساختمانی ببرد و فقط از زمین سود می کند، تمایل به استخدام هرچه بیشتر معماران برای ساخت و ساز از راه قراردادهای خصوصی دارد. این سیستم، ارزش ملک زمین را بالا می برد و خانه-های لوکسی ارائه می دهد که به حرفه های بسیاری رونق می بخشند. خانه سازی لوکس، تشویقگر هنرها و صنایع است و راه را برای املاک گسترده تر می گشاید.

یهودیان ثروتمند که امروز ناچارند دارایی های خود را پنهان کنند و گاوصندوق های بیجان خود را پشت پرده ها نگه دارند، قادر به لذت بردن از دارایی های خود "در آنجا" خواهند بود. اگر با این طرح مهاجرت همکاری کنند، سرمایه آنها نیرومندتر و صرف حمایت از اقدامی بیسابقه خواهد شد. یهودیان ثروتمند اگر در اسکان جدید، شروع کنند به بازسازی عمارت های اروپایی خود که نگاه های غبطه آمیز برمی-انگیزند، به زودی در "آنجا" هم زندگی در خانه های زیبا و مدرن مُد خواهد شد.

برخی شکل های انحلال و نقد کردن مالکیت ها

شرکت یهود مسئول تحویل گرفتن و مدیریت کالاهای غیرقابل انتقال یهودیان خواهد بود.

روش های اجرایی را می توان در مورد خانه ها و املاک به آسانی تصور کرد، اما شرکت چه روشی برای انتقال بنگاه های تجاری و کسب ها در پیش خواهد گرفت؟

در این زمینه می توان به بشمار روش عملی اشاره کرد که واکاوی آنها در این نوشتار ممکن نیست. اما هیچ یک با دشواری های بزرگ همراه نخواهند بود، زیرا در هر مورد، صاحب بنگاه تجاری پس از تصمیم داوطلبانه به مهاجرت، با ماموران شرکت در منطقه خود بر سر پرمفعت ترین شکل انحلال بنگاه، توافق خواهد کرد.

این کار به آسانی در مورد کارفرماهای کوچک که در تجارت آنها فعالیت شخصی صاحب بنگاه نقش اصلی را ندارد و کالاها و سازماندهی آن از درجه دوم اهمیت برخوردارند، انجام می شود. شرکت یهود، قلمروی فعالیتی برای کار شخصی مهاجر تدارک می بیند و قطعه زمینی را همراه با وام و دستگاه های لازم برای کالاهای او جایگزین مالکیت قبلی می کند. یهودیان، مشهور به سازگار کردن خود با راحتی بسیار با هر گونه شکل امرار معاش هستند و به سرعت، صنعتی جدید را می آموزند. به این روش، شماری از کاسبان خرد تبدیل به خرده مالکان زمین می شوند. شرکت یهود در واقع، آماده تقبل ضرر ناشی از تحویل گرفتن مالکیت غیرقابل انتقال مهاجران تنگدست خواهد بود، زیرا از این راه، آبادانی قطعه های زمین را تشویق می کند که به نوبه خود، ارزش قطعه های مجاور را بالا می برند.

در بنگاه های تجاری متوسط که کالاها و سازماندهی از نظر اهمیت یا مساوی هستند یا از یکدیگر پیشی می گیرند، فعالیت شخص مدیر که ارتباط های وسیعتر او نیز غیرقابل انتقال هستند، شکل های گوناگون انحلال را می طلبد. یهودی عازم مهاجرت، اعتبار تجاری شخصی خود را از دست نمی دهد، بلکه آنرا با خود می برد و در کشور نوبنیاد مستقر می سازد. شرکت یهود، یک حساب جاری بانکی برایش می گشاید. او می تواند موجودی بنگاه اولیه خود را بفروشد یا بنگاه را زیر نظر ماموران شرکت یهود به مدیران جدید بسپارد. مدیران می توانند بنگاه را اجاره بدهند یا بخرند و به اقساط بازپرداخت کنند. اما شرکت یهود به طور موقت به عنوان سرپرست مهاجران از طریق نظارت ماموران و وکیلان خود، برای اداره امور آنها و جمع آوری منظم پرداخت ها اقدام می کند.

اگر یک یهودی نتواند بنگاه تجاری و کسب خود را بفروشد، یا آنرا به و کیلی بسپارد، یا بخواهد از مدیریت شخصی آن دست بکشد، همان جا که هست می ماند. یهودیانی که می مانند، بدترین حالت را تجربه نمی کنند، زیرا از رقابت با آنها که رفته اند راحت می شوند و دیگر شعار ضد یهود "از یهودیان خرید نکنید!" را نمی شنوند.

اگر صاحب بنگاهی که مهاجرت می کند بخواهد همان کار قدیم خود را در کشور نو بنیاد ادامه دهد، از ابتدا می تواند آنرا سامان دهد. یک مثال، بهتر منظورم را می رساند. شرکت ایکس، تجارت وسیعی در زمینه کالاهای خشکبار دارد. رئیس بنگاه می خواهد مهاجرت کند. او شروع به زدن یک شعبه در محل زندگی آینده اش می کند و نمونه های اجناس خود را به آنجا می فرستد. نخستین مهاجران تنگدست، اولین خریداران اجناس او خواهند بود؛ پس از آنها مهاجران طبقات مرفه تر از راه می رسند که اجناس مرغوبتری می خواهند. سپس ایکس اجناس جدیدتر و سرانجام، جدیدترین ها را می فرستد. شعبه جدید، شروع به سودآوری می کند، در حالی که شعبه اصلی هنوز وجود دارد تا ایکس دو بنگاه سودآور داشته باشد. او بنگاه اول را می فروشد یا برای مدیریت به نمایندگان مسیحی واگذار می کند و می رود تا اداره شعبه جدید را به دست بگیرد.

یک مثال دیگر و گسترده تر: ایگرگ و پسرش تاجران عمده زغال سنگ و صاحب معادن و کارخانجات هستند. این املاک وسیع و پیچیده چگونه باید انحلال یابند؟ معادن و هر چیز مربوط به آنها باید ابتدا توسط دولت جایی که در آن ساکن هستند، خریده شوند. سپس شرکت یهود آنرا تحویل گرفته، در عوض، بخشی زمین و بخشی نقد به صاحبان پرداخت می کند. روش سوم، تبدیل "ایگرگ و پسرش" به یک شرکت با مسئولیت محدود است. راه چهارم، ادامه کار بنگاه در زیر مالکیت اولیه است که هر چند گاه، صاحبان برای بازرسی ملک خود مانند خارجیان بازمی گردند و به این ترتیب، زیر حمایت قانون در هر کشور متمدن خواهند بود.

همه این پیشنهادها روزانه اجرا می شوند. روش پنجمی را که بسیار عالی است و به ویژه می تواند سودآور باشد، اشاره وار می گویم، زیرا موارد اجرا و مثال های موجود در حال حاضر اندک هستند؛ هر چند که خود آگاهی مدرن برای کاربرد آن بسیار آماده

است: ایگرگ و پسرش می توانند کارخانه را به جمع کارمندان خود بفروشند و آنها یک واحد مشارکتی با مسئولیت محدود ایجاد کرده و شاید مبلغ لازم را با کمک خزانه داری دولت که بهره بالا نمی گیرد، پرداخت کنند. کارمندان سپس به تدریج وامی را که دولت و یا شرکت یهود به آنها داده بود، بازمی پردازند.

شرکت یهود همان قدر آماده انتقال بنگاه های کوچک خواهد بود که برای بزرگترین بنگاه ها آمادگی دارد.

در حالی که یهودیان در آرامش مهاجرت کرده، در خانه های جدید ساکن می شوند، شرکت یهود به عنوان نهاد بزرگ کنترل کننده مالی عمل کرده، به اعزام مهاجر و تحویل گرفتن املاک ترک شده پرداخته، اجرای درست جنبش را با حضور مشهود و محسوس مالکیت خود اداره و امنیت دائمی برای مهاجران تامین خواهد کرد.

تضمین های شرکت یهود

شرکت چه تضمین هایی می کند که خروج یهودیان، موجب فقیر شدن کشورها و پدیداری بحران ها نخواهد بود؟

تا اینجا گفته ام که آنتی سمیت های سرسخت در عقاید خود با حفظ استقلال، با ماموران ما برای کنترل انتقال املاک کار خواهند کرد.

اما درآمدهای دولتی ممکن است در اثر از دست دادن انبوهی از مالیات دهندگان که هرچند به عنوان شهروند مورد احترام نبوده، اما در امور مالی بسیار ارزش داشته اند، کاهش یابند. دولت از این رو باید جبرانی برای این زیان دریافت کند. ما این جبران را غیرمستقیم با به جا گذاشتن بنگاه های تجاری تاسیس شده توسط ذکاوت یهودیان و صنایع آنها برای هم میهنان مسیحی شان انجام می دهیم؛ آنها جایگاه های تخلیه شده ما را پر خواهند کرد و این تسهیل، شمار مردمی که با صلح و به شیوه ای بیمانند به رونق اقتصادی می رسند را افزایش می دهد.

انقلاب فرانسه نتیجه ای تقریباً همسان در مقیاسی کوچکتر داشت، اما خونریزی با گیوتین را در تمام ایالت های فرانسه و میدان های جنگ اروپا به همراه آورد. افزون بر این، حقوق موروثی و اکتسابی نابود شدند و تنها خریداران حيله گر از راه خرید املاک دولتی جیب های خود را پر از پول کردند.

شرکت یهود به کشورها فعالیت هایی را همراه با امتیازهای مستقیم و غیرمستقیم پیشنهاد خواهد کرد. اولین پیشنهاد فروش املاک رهاشده یهودیان به دولت ها ارائه خواهد شد با بهترین شرایط پیشنهادی برای خریداران. دولت ها از این تملک دوستانه زمین برای برخی بهسازی های اجتماعی استفاده خواهند کرد.

شرکت یهود همه گونه کمک به دولت ها و پارلمان ها برای برانگیختن مهاجرت داخلی شهروندان مسیحی انجام خواهد داد.

شرکت یهود همچنین مالیات های سنگین خواهد پرداخت. دفتر مرکزی آن در لندن خواهد بود تا زیر حمایت قانونی قدرتی باشد که در لحظه کنونی ضد یهود نیست. اگر شرکت، رسمی و نیمه رسمی مورد حمایت باشد، همه جا مالیات های زیاد به دولت-ها خواهد داد. افزون بر این، تعرفه های دوبرابر برای انتقال کالاهای مورد نظر خود پرداخت می کند. حتی در معاملاتی که شرکت طی آنها فقط یک شرکت معاملات املاک است، به طور موقت مانند خریدار عمل کرده، و مانند مالک موقت در اسناد مالکیت ثبت خواهد شد.

البته اینها اموری کاملاً محاسباتی هستند. باید در هر محل ارزیابی شود که شرکت با چه میزان سرمایه گذاری در خطر شکست قرار نمی گیرد. خود شرکت آزادانه با وزارت امور مالی کشورها روی انواع نکات مشورت خواهد کرد. وزیران امور مالی روح دوستانه فعالیت ما را درخواهند یافت و در نتیجه همه گونه تسهیلات لازمی که در اختیار دارند برای موفقیت در اختیار ما می گذارند.

دولت ها سود بزرگی از نقل و انتقال مسافران و کالاها خواهند برد و هر جا که راه آهن در مالکیت دولت است، عواید، بیدرنگ آشکار خواهند شد. جاهایی که راه آهن را شرکت های خصوصی اداره می کنند، شرکت یهود مانند هر انتقال دهنده عمده مسافر

و کالا مفاد مطلوبی برای قراردادهای خود کسب می کند. حمل محموله ها و بسته ها باید با ارزانترین قیمت ها برای مردم ما تمام شوند، زیرا هر مسافری مخارج خود را می پردازد. مسافران طبقه متوسط با بلیط های تور مسافرتی و طبقات فقیرتر با قطارهای مهاجرتی سفر خواهند کرد. شرکت ممکن است با کاهش تعداد مسافران و کالاها قیمت خوبی بگیرد، اما اینجا یا هر جای دیگر باید به اصول خود وفادار مانده، دریافت- هایش بیش از جبران هزینه کارکردش نباشند.

در بسیاری جاها یهودیان کنترل نقل و انتقال را به دست دارند؛ و انتقال بنگاه های تجاری، اولین الویت شرکت برای اجرای مراحل انحلال بنگاه ها خواهد بود. صاحبان اولیه این بنگاه ها یا به خدمت شرکت درمی آیند یا خود را به صورت مستقل 'در آنجا' مستقر می سازند. تازه واردان بی تردید به کمک آنها نیاز خواهند داشت. شغل های سودآور باید در آنجا برای امرار معاش به کار بیفتند و شماری از این کارآفرینان عازم خواهند شد. تشریح کل جزئیات این اعزام غول آسا لازم نیست. مراحل به دقت بر اساس طرح اولیه توسط مردانی کارآمدی اجرا می شوند که باید ذهن های خود را برای به کارگیری بهترین سیستم فعال کنند.

برخی فعالیت های شرکت یهود

بسیاری از فعالیت ها به یکدیگر مربوط خواهند بود. برای نمونه: شرکت به تدریج ساخت کالاها را در شهرک های مهاجران به راه خواهد انداخت که البته اوایل، بسیار مقدماتی خواهند بود. پوشاک، ملافه، حوله و کفش ابتدا همراه لباس های جدید در مراکز اروپایی مهاجرت ارائه خواهند شد. مهاجران این لباس ها را به عنوان خیریه دریافت نمی کنند مبادا غرور آنها بشکند، بلکه آنها را در ازای لباس های قبلی خود می گیرند: ضررهای شرکت در این تبادل ها به عنوان زیان فعالیت تجاری منظور می- شود. کسانی که هیچ پولی ندارند قرض خود را به شرکت از راه اضافه کاری با دستمزدی عادلانه پس می دهند.

انجمن های مهاجرتی موجود اینجا می توانند کمک ارزشمندی باشند، زیرا کار آنها برای مهاجران شرکت، همان خواهد بود که پیش از اعزام یهودیان انجام می دادند. شکل های این همکاری به آسانی مشخص خواهد شد.

حتی لباس های نو برای تهیدستان مهاجر، این معنای نمادین را خواهد داشت: "شما اینک وارد زندگی جدیدی شده اید." انجمن یهود مراقب خواهد بود که خیلی پیش از اعزام و نیز طی سفر، روحیه ای جدی اما شادمانه از راه نیایش، سخنرانی های جالب، دستورعمل های اعزام و امور بهداشتی اماکن جدید و راهنمایی در مورد کار آینده آنها برقرار شود. زیرا سرزمین موعود، سرزمین کار است. مهاجران پس از رسیدن به مقصد از سوی ماموران رسمی با احترام ولی ساده پیشواز خواهند شد، زیرا سرزمین موعود هنوز به تسخیر درنیامده، اما این مردم تهیدست باید خود را در خانه خویش احساس کنند.

صنایع پوشاک شرکت البته کالاهای خود را بدون سازماندهی تولید نمی کنند. انجمن یهودیان اطلاعات مربوط به شمار مهاجران، نیازمندی ها و تاریخ رسیدن آنها را از شعبه های محلی به دست آورده، و به موقع به شرکت یهود می رساند. از این راه، تدارک برآوردن نیازهای تازه واردان ممکن خواهد بود.

پیشبرد صنایع

وظایف شرکت یهود و انجمن یهودیان را در این سرخط ها نمی توان به دقت بازتاب داد. این دو نهاد بزرگ باید همواره در اتحاد با هم کار کنند؛ شرکت وابسته به اقتدار و حمایت اخلاقی انجمن است و انجمن بدون کمک های مادی شرکت قادر به انجام وظیفه نخواهد بود. برای نمونه، هنگام سازماندهی صنعت پوشاک، مقادیر تولید ابتدا کم خواهند بود تا تعادل میان عرضه و تقاضا حفظ شود؛ هر جا که شرکت به سازماندهی صنایع جدید می پردازد، همین احتیاط باید اجرا شود.

اما واحدهای خصوصی نباید هیچ گاه از سوی شرکت و نیروهای مافوق آن کنترل شوند. ما تنها زمانی جمعی کار می کنیم که دشواری های عظیم هدف از ما عمل مشترک می طلبد؛ باید هر جا که ممکن باشد، حقوق فردی را با وسواس حفاظت کنیم. مالکیت خصوصی که پایه های اقتصادی استقلال است باید آزادانه گسترش یابد و توسط ما محترم شمرده شود. کارگران بی مهارت ما که اول مهاجرت می کنند، همزمان این فرصت را دارند که برای مالکیت شخصی خود کار کنند.

روح کارآفرینی به راستی باید در هر شکل ممکن تشویق شود. سازماندهی صنایع مورد حمایت سیستم قانونی تعرفه ها از راه به کارگیری مواد خام ارزان و استقرار نهادی برای گردآوری و انتشار آمارهای صنعتی خواهد بود.

اما این روح کارآفرینی باید عاقلانه تشویق و از کارهای ریسک دار پرهیز شود. هر صنعت جدیدی پیش از به راه افتادن باید به طور گسترده تبلیغ شود تا جلوی شکست کسانی که قصد برپایی واحدهای مشابه در شش ماه آینده را دارند، گرفته شود. برپایی هر واحد صنعتی باید به شرکت خبر داده شود تا همه علاقه مندان، اطلاعات لازم را بگیرند.

صاحبان صنایع از بنگاه های کاریابی مرکزی که فقط حق العملی کافی برای ادامه کار خود می گیرند، استفاده خواهند کرد. برای نمونه صاحبان صنایع، تلگرافی برای دریافت ۵۰۰ کارگر بی مهارت برای سه روز، سه هفته یا سه ماه می فرستند. بنگاه کاریابی آن گاه ۵۰۰ کارگر بی مهارت را از هر جای ممکن گردآورده، یکجا برای اجرای کارهای کشاورزی یا صنایع اعزام خواهد کرد. این گونه، گروه های کارگران به طور سیستماتیک مانند یک هنگ از مکانی به مکان دیگر فرستاده می شوند. این مردان البته مورد بهره کشی قرار نخواهند گرفت، بلکه هفت ساعت در روز کار خواهند کرد؛ و با وجود تغییر مکان، سازماندهی خود را نگه داشته، به مفاد قرارداد عمل کرده و ابلاغ ها، ترفیع ها و بازنشستگی های خود را خواهند گرفت. برخی مراکز اسکان ممکن است در صورت تمایل، نیروی کار خود را از دیگر منابع بگیرند، اما این کار

برایشان آسان نخواهد بود. انجمن می تواند از به کارگیری کارگر / برده های غیر یهودی با تحریم کارفرمایان خاطی و انواع روش های دیگر جلوگیری کند. هفت ساعت کار روزانه باید اجرا شود و این گونه ما مردم خود را به تدریج و بدون اجبار به روز عادی کار هفت ساعته عادت می دهیم.

اسکان کارگران ماهر

روشن است که بیش از آنچه می توان برای کارگران بی مهارت انجام داد، برای کارگران ماهر باید اجرا کرد. آنها زیر قواعد مشابه در کارخانه ها کار کرده، بنگاه های کاریابی در صورت لزوم آنها را معرفی می کنند.

واحدهای مستقل و کارفرمایان کوچک باید به دقت پیرامون پیشرفت های سریع علمی آموزش ببینند و دانش فنی را حتی اگر دیگر جوان نیستند، بیاموزند؛ باید قدرت آب را مطالعه کنند و به اهمیت نیروی الکتریسته آگاه بشوند. کارگران مستقل نیز باید توسط ماموران انجمن شناسایی و تجهیز شوند. شعبه محلی برای نمونه به دفتر مرکزی درخواست می فرستد: "ما به چندین نجار، قفل ساز، شیشه بر و غیره نیاز داریم." دفتر مرکزی این تقاضا را منتشر می کند و افراد مناسب برای کار تقاضا می فرستند. آنها سپس با خانواده های خود به محل مزبور سفر می کنند و بدون احساس فشار رقابت غیرمنتظره آنجا می مانند. برای آنها خانه هایی دائمی و راحت اختصاص خواهد یافت.

روش گردآوری سرمایه

سرمایه لازم برای استقرار شرکت پیشتر با رقم بالای غیر معمولی ذکر شد. رقم لازم توسط متخصصان امور مالی مشخص خواهد شد و در هر حال میزان چشمگیری خواهد بود. سه راه برای گردآوری این مبلغ وجود دارد که همگی مورد توجه انجمن قرار می گیرند. انجمن، همان سرپرست حقوقی یهودیان، توسط لایق ترین و پاکدست ترین مردان ما پی ریزی می شود که توقع هیچ امتیاز مادی از عضویت خود ندارند. هر چند

انجمن از ابتدا هیچ اقتداری جز اخلاقی ندارد، اما همین اقتدار برای استقرار اعتبار شرکت یهود در چشم ملت کافی خواهد بود. شرکت یهود در کار خود موفق نخواهد شد مگر آنکه تضمین انجمن یهودیان را گرفته باشد و در نتیجه از هر گروهی از متخصصان مالی تشکیل نخواهد شد. انجمن، افراد را سبک و سنگین و گزینش خواهد کرد و تا زمانی که از وجود پایه ای سالم برای اجرای باوجدان طرح اطمینان نیافته، آنها را ضمانت نمی کند. انجمن اجازه آزمایش با منابع ناکافی را نمی دهد، زیرا این برنامه باید در تلاش اول خود موفق شود. هر شکست اولیه ای کل ایده را برای دهه ها به خطر می اندازد و حتی تحقق آنرا برای همیشه ناممکن می سازد.

سه روش افزایش سرمایه عبارتند از: ۱- از طریق بانک های بزرگ؛ ۲- از طریق بانک های کوچک و خصوصی؛ ۳- از طریق حق عضویت های همگانی.

نخستین روش گردآوری سرمایه از طریق بانک های بزرگ است. مبلغ کل لازم را می توان در کوتاهترین زمان پس از بررسی و مشورت پیرامون روند کار، از گروه های مالی بزرگ به دست آورد. امتیاز بزرگ این روش پرهیز از لزوم پرداخت هزاران میلیون یکباره و یکجا است. امتیاز دیگر این است که اعتبار این بانکداران قدرتمند در خدمت هدف ما خواهد بود. بسیاری از نیروهای پنهان ما نهفته در قدرت مالی ما هستند و دشمنان نیز اذعان به مؤثر بودن آن دارند. می توانست چنین باشد، اما در واقعیت این گونه نیست. یهودیان تهیدست تنها نفرتی را که حاصل کار بانکداران بزرگ است احساس می کنند. آنها تاثیر مثبت این بانکداران بزرگ در سرنوشت خود را هنوز حس نکرده اند. اعتبار بانکداران بزرگ ما باید به خدمت ایده ملی درآید. اما آیا این مردان محترم که از سهم دارایی خود بس خشنودند، می توانند در خدمت به همکیشان یهودی خود که ناعادلانه به دلیل مالکیت های بزرگ عده ای دیگر ستم می بینند، مفید باشند؟ تحقق این طرح فرصتی برای ترسیم خطی روشن میان آنها و باقی یهودیان می دهد.

افزون بر این از بانکداران بزرگ خواسته نمی شود که مبلغی به این عظمت را با انگیزه های انسان دوستانه ناب گردآورند. این توقعی بیش از حد خواهد بود. سهامداران و پیشتازان شرکت یهود برعکس، قرار است یک کار مالی موفق انجام دهند و می دانند

پیشاپیش چه اندازه شانس موفقیت خواهند داشت. زیرا انجمن یهودیان همه اسناد و منابع لازم برای تعیین عایدات شرکت را در اختیار خواهد داشت. انجمن به ویژه به دقت، دامنه تاثیر جنبش نوین یهودیان را تحقیق خواهد کرد تا به پیشتانان شرکت، اطلاعات قابل اعتماد پیرامون مبلغ حمایت قابل انتظار را بدهد. انجمن همچنین به شرکت یهود آمار مدرن و جامع یهودیان را می دهد، و از این راه کاری را انجام می دهد که در امور مالی با نام 'انجمن تحقیقاتی'²⁰ مسئول انجام پژوهش های مقدماتی پیش از سرمایه گذاری برای اجرای هدف است. حتی این گونه هم انجمن ممکن است کمک قطب های قوی جاذب پول در میان ما را به دست نیورد. آنها شاید با جنبش یهود از راه عوامل مخفی خود مخالفت کنند. چنین مخالفت هایی را باید با قاطعیت و استواری از سر بگذرانیم.

به فرض که این قطب های جاذب پول فقط با یک لبخند طرح ما را رد کنند: آیا در این صورت کار ما تمام است؟ نه!

زیرا آن گاه پول از راه دیگری جمع می شود: با روی آوردن به یهودیانی با ثروت کمتر. بانکداران یهودی کوچکتر باید زیر نام ایده ملی در برابر نیروهای مالی بزرگ متحد شوند تا نیروی مالی دوم و مهیبی را تشکیل دهند. اما متاسفانه این کار قدرت مالی بزرگی در ابتدا می طلبد، زیرا ۵۰ میلیون پوند یکجا باید در ابتدای کار سرمایه گذاری بشود؛ و چنین مبلغی تنها به تدریج گردمی آید و انواع کارهای بانکی باید انجام و وام ها در سال های نخست گرفته شوند. حتی ممکن است که در جریان همه این معاملات موضوع اصلی فراموش شود؛ یهودیان با ثروت متوسط ممکن است واحدی جدید و بزرگ تاسیس کنند و مهاجرت یهودیان به فراموشی سپرده شود.

گردآوری پول با این روش به هیچ روی غیرعملی نیست. آزمایش گردآوری پول مسیحیان برای ایجاد نیرویی مخالف بانک های بزرگ هم اکنون آزموده شده است؛ همین کار را با پول های یهودیان می توان انجام داد که تا کنون آزمایش نشده است.

²⁰ توضیح مترجم فارسی: در متن اصلی به زبان فرانسه: société d'études

اما این درگیری های مالی همه گونه بحران برمی انگیزند. کشورهایی که شاهد این اتفاق باشند، رنج خواهند برد و یهودی ستیزی، لجام خواهد گسیخت.

پس ما این روش را توصیه نمی کنیم. تنها آنرا مطرح کردم، زیرا در گسترش منطقی ایده به میان می آمد.

همچنین نمی دانم آیا بانک های خصوصی کوچکتر مایل به اجرای آن بشوند یا نه. در هر حال، حتی سرپیچی یهودیان کمتر ثروتمند نمی تواند طرح را متوقف کند. برعکس، طرح باید با سخت کوشی واقعی دنبال شود. آن گاه انجمن یهودیان که اعضای آن دست در کار مالی ندارند، خواهند کوشید که شرکت را با سرمایه گذاری- های آحاد ملت تاسیس کنند.

سرمایه شرکت می تواند بدون واسطه یک سندیکا از راه سرمایه گذاری مستقیم مردم تامین شود. نه تنها یهودیان تهیدست، بلکه همچنین مسیحیانی که می خواهند از شر آنها راحت شوند به این صندوق، کمک های کوچک خواهند کرد. به این ترتیب گونه ای جدید و خاص از همه پرسی به راه می افتد که طی آن هر فرد که به این راه حل مسئله یهود رای دهد، دیدگاه خود را با پرداخت حق عضویتی بیان می کند. این حق عضویت ها تضمین مالی ایجاد می کنند. مبالغ گردآوری شده تنها زمانی به جریان می افتند که به میزان لازم رسیده باشند، و گرنه مبالغ اولیه پس داده خواهند شد. اما اگر کل مبلغ لازم از راه حق عضویت های مردمی جمع شود، سپس هر مبلغ کوچک در اثر هنگامت بودن کل مبالغ کوچک تضمین می شود. البته همه آنها نیازمند کمک سریع و قاطعانه دولت های ذینفع خواهد بود.

۴

گروه های محلی

مهاجرت ما

در فصل های پیشین تنها شرح داده شد که چگونه طرح مهاجرت باید بدون هیچ بحران اقتصادی به انجام برسد. اما جنبشی به این بزرگی ناگزیر نمی تواند بدون برانگیختن انواع احساس های تُند و شدید اجرا گردد. رسوم قدیمی و خاطرات گذشته ما را به خانه هایمان وابسته می سازند. ما گهواره ها و مقبره ها داریم و فقط خودمان می دانیم که قلب یهودیان تا چه حد به خاک عزیزانشان نزدیک است. گهواره های رنگارنگ و معطری که با خود خواهیم برد [حامل نوزادان]، آینده ما را خواهند ساخت. قُبور عزیزان را باید رها کنیم و از دید من این رهاساختن از هر فداکاری دیگری دشوارتر است. اما جز این چاره ای نیست.

تنگنای اقتصادی، فشار سیاسی و تحقیر اجتماعی هم اکنون هم ما را از خانه هایمان و قبرهایمان تارنده است. ما یهودیان، اکنون مدام از مکانی به مکان دیگر می رویم؛ جریان نیرومندی ما را به غرب و به سوی آمریکا می برد که حضور ما آنجا نیز چنان خوشایند نیست. تا وقتی که ملتی بیخانمان هستیم، کجا حضور ما خوشایند خواهد بود؟ ما باید به ملت خود خانه ای بدهیم، ولی نه با ریشه کن کردن بیرحمانه آنها از خاک خود، بلکه با کاشتن حساب شده آنها در خاکی بهتر. همان قدر که به برقراری روابط سیاسی و اقتصادی خوبی امیدواریم، باید همه گذشته ای را که برای ملت ما عزیز است، حفظ کنیم.

در این باره، چند پیشنهاد کافی است، زیرا این بخش از طرح من احتمالا متهم به خیالپردازی خواهد شد. اما هر چند امروز این کار، مبهم و بیهدف می نماید، اما ممکن و واقعی است. تشکیلات، آنرا به امری عقلانی تبدیل خواهد کرد.

مهاجرت گروهی

افراد ملت ما باید به صورت گروه های خانوادگی و دوستی مهاجرت کنند. اما هیچ کس نباید مجبور به پیوستن به گروه خاصی از ساکنان شهر خود بشود. هر کس به محض انجام کارهایش قادر به انتخاب روش سفر خود خواهد بود. هر فرد چون خودش

هزینه های سفر با کشتی یا راه آهن را می پردازد، طبیعتاً در هر سطحی که برایش مناسبتر است، سفر خواهد کرد. احتمالاً در قطار یا کشتی برای طبقات گوناگون، بخش های جداگانه نخواهد بود تا تهیدستان در سفر طولانی، احساس خواری نکنند. هر چند ما سفری تفریحی را سازماندهی نمی کنیم، اما آنها را در مسیر با روحیه شاد نگه می داریم. هیچ کس در سفر با فقر شدید دست به گریبان نخواهد بود؛ از سوی دیگر، همه کسانی که بخواهند با راحتی و لوکس سفر کنند، آزاد هستند. جنبش حتی در شرایط مطلوب، با برخی طبقات یهودیان تا سال های آینده کاری نخواهد داشت؛ ولی اگر وقتش برسد سازماندهی سفر آنها به بهترین روش ها خواهد بود. افراد مرفه می توانند به دلخواه همراه دوستان و آشنایان شخصی خود سفر کنند. اصولاً یهودیان، به جز ثروتمندترین ها، کمترین ارتباط ها را با مسیحیان دارند. در برخی کشورها آشنایان آنها محدود به چند فرد نیازمند، وام گیرندگان و وابستگان است و از میان طبقات بالای مسیحیان کسی را نمی شناسند. گتو با آنکه دیوارهایش شکسته، اما حضوری پیوسته دارد.

طبقات متوسط، تدارک حساب شده ای برای عزیمت خود می بینند. گروه مسافران در هر محل شکل می گیرد و در شهرهای بزرگ هر منطقه گروه خود را خواهد داشت که توسط نمایندگانی منتخب، ارتباط گیری ها را انجام می دهند. این تقسیم به مناطق شهری لازم نیست بسیار سختگیرانه باشد، زیرا فقط برای کاستن از ناراحتی و رنج دوری از خانه تهیدستان طی سفر خروج است. هر کس آزاد است یا تنها و یا وابسته به گروه محلی مورد علاقه اش سفر کند. شرایط سفر برای طبقات گوناگون یکسان خواهد بود. هر گروهی که به اندازه کافی پرشمار باشد، می تواند یک قطار یا کشتی متعلق به شرکت یهود را اجاره کند.

نهاد اسکان وابسته به شرکت یهود، محله های ساخته شده را به تهیدستان می دهد. بعدها وقتی مهاجران مرفه تر از راه می رسند، به محض رسیدن باید به آنها هتل های ساخته شده توسط بخش خصوصی داده شود. برخی از مهاجران مرفه تر، خانه های

خود را پیش از اسکان دائمی ساخته اند تا فقط از خانه ای قدیمی به خانه ای جدید بروند.

توهین به ماموران هوشمند ما خواهد بود اگر به همه کارهایی که باید بکنند، پردازم. هر فرد معتقد به ایده ملی، می داند چگونه کار را سامان بدهد و در محدوده نفوذ خود آنرا تحقق بخشد.

ما ابتدا باید از ربای های خود کمک بخواهیم.

ربای های ما

هر گروه، ربای خود را خواهد داشت که با جماعتش سفر می کند. سپس گروه های محلی به دلبخواه، ربای خود را برمی گزینند و هر محله ای رهبر روحانی خود را می-یابد. ربای هایی که فرامی خوانیم، انرژی خود را در خدمت ایده ما گذاشته، جماعات خود را از راه موعظه بر منبرهای کنیساها الهام می بخشند. آنها لازم نیست در جلسه-های مربوط به این هدف، سخن بگویند؛ این گونه فراخوان ها در کنیسا انجام می-شوند. به این روش، ما باستانی بودن خود را تنها از راه ایمان پدرانمان حس می کنیم، زیرا مدت ها پیش، زبان ملت های دیگر را تا حد درونی شدن، آموختیم.

ربای ها پیام ها را مرتب از انجمن و شرکت دریافت و آنها را برای جماعت خود اعلام و تشریح می کنند. کل جماعت اسرائیل برای ما و خودش دعا خواهد کرد.

نمایندگان گروه های محلی

گروه های محلی، کمیته های کوچکی از نمایندگان با نظارت و ریاست ربای ها تشکیل می دهند تا به بررسی و ساماندهی امور محلی پردازند.

گروه های محلی نهادهای خیریه خود را منتقل می کنند و هر نهاد که در کشور قبلی بماند، مالکیتش متعلق به همان دسته از مردمی است که ابتدا برای کمک به آنها پی-

ریزی شده بود. به نظر من ساختمان های قدیمی نباید فروخته شوند، بلکه باید برای کمک به مسیحیان بومی در شهرهای رها شده اختصاص یابند. گروه های محلی برای نگهداری ساختمان های خالی مبلغی جبرانی و همه گونه تسهیلات ساختمانی در کشور نوآباد دریافت می کنند.

انتقال نهادهای خیریه یکی دیگر از آن دست فرصت های آزمایش در خدمت بشریت را پدید می آورد که در مقاطع مختلف طرح من اتفاق می افتند. امور خیریه کنونی ما که غیرسیستما تیک و خصوصی است، سود کمتری به نسبت هزینه های خود دارد. اما این نهادها می توانند و باید بخشی از یک سیستم بشوند تا در نهایت به یکدیگر یاری برسانند. در جامعه ای نو بنیاد، این سازمان ها می توانند بر اساس خود آگاهی مدرن ما و حتی همه آزمون های اجتماعی پیش از خود، تکامل یابند. این امر به دلیل شمار بسیار فقیران ما اهمیت بسیار دارد. کاراکترهای ضعیفتر در میان ما که در اثر فشار بیرونی مرعوب و در نتیجه نیکوکاری و رقت قلب ثروتمندان ما دچار رخوت شده اند، به آسانی چنان به عمق فقر درمی غلتند که روزی به گدایی می افتند.

در این رابطه، اجتماع با حمایت گروه های محلی، بیشترین توجه را به آموزش همگانی می کند و زمینی بارور برای نیروهای بسیاری که اکنون در بطالت می پژمردند، پدید می آورد.

هر کس که میلی حقیقی به کار نشان دهد، با شرایط مناسب استخدام می شود. با گدایان مدارا نخواهد شد. هر کس که در آزادی خود از کار کردن سرباز زند، به کار اجباری گماشته می شود.

از سوی دیگر، ما پیران را به پیرخانه ها نخواهیم فرستاد. پیرخانه یکی از بیرحمانه ترین انواع خیریه است که طبیعت نیک و ولی ابله ما تا کنون پدید آورده است. آنجا پیران ما در شرمساری مطلق و احتضار می میرند. از همان ابتدا مدفون می شوند. توهم تسلی بخش مفید بودن پیرخانه ها را به افراد کم هوشی وامی گذاریم که مدافع آن هستند.

ما شرایط هموار برای افراد ناتوان از کار فیزیکی ایجاد می کنیم؛ زیرا باید کم جانی فقیران در نسلی ضعیف شده را بپذیریم. اما با نسل های آینده به گونه ای دیگر رفتار خواهد شد؛ باید آنها را در آزادی برای یک زندگی آزاد بار بیاوریم.

ما خواهان اعطای رستگاری اخلاقی از راه کار کردن به افراد هر سن و طبقه ای هستیم؛ و از این رو ملت ما توانمندی خود را در کشور نوآباد از هفت ساعت کار روزانه خواهد گرفت.

طراحی شهرک ها

گروه های محلی، نمایندگان مجاز خود را برای برگزیدن مکان شهرک ها اعزام خواهند کرد. هنگام تقسیم زمین همه گونه ملاحظه جهت انتقال دقیق با توجه به حقوق کسب شده انجام می شود.

گروه های محلی، نقشه شهرک ها را خواهند داشت تا مردم ما پیشاپیش بدانند به کجا می روند و در کدام شهرک و کدام خانه ها سکونت می کنند. نسخه های مفصل از طرح ساختمان ها که پیشتر اشاره کردیم، به گروه های محلی داده می شود.

اصول اداری ما با جدیت، مرکزیت گروه های محلی و خودمختاری آنها را تامین خواهد کرد. به این روش، انتقال با کمترین دشواری انجام می شود.

من همه این امور را آسانتر از آنچه هستند، تجسم نمی کنم؛ از سوی دیگر، مردم نباید آنها را مشکلتر از آنچه هست، پندارند.

اعزام طبقات متوسط

اعزام طبقات متوسط غیرداوطلبانه به این جریان افزوده می شود، زیرا فرزندان آنها ماموران انجمن یا کارمندان شرکت 'در آنجا' خواهند بود. و کیلان، پزشکان، تکنیسین - های همه رشته ها، کاسبان جوان و در واقع همه یهودیانی که به دنبال فرصت هستند و

از ستم کشورهای خود می‌گریزند تا در سرزمین‌های بیگانه به امرار معاش بپردازند، در خاکی گردخواهند آمد سرشار از وعده‌های عادلانه. یکی همسر یا نامزدش و دیگری والدین، برادران و خواهرانش را به آنجا فرامی‌خواند. اعضای یک تمدن نوین زود ازدواج می‌کنند. این امر، اخلاق عمومی و قدرت بدنی نسل جدید را تقویت می‌کند و این گونه ما نسل‌های ضعیف حاصل از ازدواج‌های سنین بالا نخواهیم داشت؛ یعنی فرزندان پدرانی که قوت خود را در نبرد زندگی باخته‌اند. هر مهاجر طبقه متوسط پس از خود چنین نسلی به جا می‌گذارد.

دلیرترین‌ها بهترین سهم‌های دنیای جدید را خواهند گرفت.

اما بی‌تردید در اجرای طرح من دشواری‌هایی پیش خواهد آمد. حتی اگر در گشودن گفتگویی جهانی و جدی پیرامون مسئله یهود موفق شویم، حتی اگر این جدل به تایید لزوم تشکیل کشوری یهودی بینجامد، حتی اگر قدرت‌های جهانی به ما در کسب سروری بر قلمرو یاری رسانند، آن‌گاه چگونه توده‌های مردم یهودی را بدون اجبار از خانه‌های کنونی آنها به سرزمین نوین انتقال دهیم؟ مهاجرت آنان بی‌تردید باید داوطلبانه باشد.

پدیده توده‌های مردم

اقدامات عجیب و غریب برای برانگیختن جنبش، ضرورت نخواهد داشت. یهودی-ستیزی خودش به جنبش شتاب می‌دهد. یهودیان اگر تنها مانند قبل زندگی کنند، سپس میل به مهاجرت در جاهایی که پیشتر وجود نداشت، پدید می‌آید و آنجا که نبوده، تشدید می‌شود. یهودیانی که اکنون در کشورهای یهودی ستیز می‌مانند بیشتر از این روی است که حتی آنها که بیشترین ناآگاهی از تاریخ را دارند، می‌دانند که چند بار جابجایی در کشورهای گوناگون هرگز برای آنها خیرماندگاری نداشته است. هر سرزمینی که امروز به یهودیان خوشامد می‌گوید و به آنها امتیازهای بس کوچکتری به نسبت کشور یهودی می‌دهد، بیدرنک جمعیت بزرگی از مردم ما را جذب می‌کند. تهیدستان که چیزی برای از دست دادن ندارند به آنجا جلب می‌شوند. اما من بر آنم، و

هر فردی شاید از خود بپرسد که آیا درست نمی گویم که فشار روی ما میل به مهاجرت حتی در میان مرفه ترین اقشار جامعه را دامن می زند؟ امروز تهیدست ترین اقشار ما به تنهایی کافی هستند که یک کشور را تشکیل بدهند؛ آنها نیرومندترین مصالح انسانی برای کسب یک سرزمین هستند، زیرا کمی درماندگی برای شکل گیری اقدامات بزرگ لازم است.

اما وقتی که 'جویندگان'²¹ ما ارزش سرزمین را با حضور و زحمت خود بالا ببرند، همزمان آنرا به مکانی با جذابیت روزافزون برای اسکان مردم مرفه تر تبدیل می کنند.

اقشار مرفه تر و پولدارتر از آنها دچار وسوسه رفتن به آنجا می شوند. اعزام مهاجران تهیدست در ابتدا با همکاری شرکت و انجمن انجام شده، احتمالاً از انجمن های مهاجرت و صیونیزم نیز حمایت می گیرد.

چه شماری از مردم را می توان بدون طرح قبلی به مکان مشخصی فرستاد؟ برخی افراد مسئول در میان یهودیان می کوشند از راه آزمون های صیونیستی رنج های مردم را کاهش دهند. این پرسش از نظر آنها دور نماند و کوشیدند آنرا از راه دادن پول یا امکان استخدام به مهاجران حل کنند. از این رو نیکوکاران گفتند: "ما به این افراد پول می - دهیم که به آنجا بروند." چنین روندی بسیار اشتباه است و تمام پول دنیا این هدف را برآورده نخواهد کرد.

اما شرکت یهود خواهد گفت: "ما به آنها پول نمی دهیم، بلکه از آنها پول می گیریم. ما در عوض به آنها امتیازهایی برای رفتن می دهیم." یک مثال منظور مرا روشنتر می - کند: یکی از این نیکوکاران (که ما او را 'آقای بارون' می خوانیم) و من، هر دو امیدواریم جمعیتی را در محوطه لانگشان نزدیک پاریس در یک بعداز ظهر یکشنبه گرم گردآوریم. آقای بارون با وعده دادن ۱۰ فرانک به هر نفر ۲۰۰،۰۰۰ فرانک صرف آوردن ۲۰،۰۰۰ فرد تهیدست می کند که برای به دردرس انداختن خود به او نفرین می - کنند. اما من ۲۰۰،۰۰۰ دلار جایزه تعیین می کنم برای تندروترین اسب های مسابقه ای

²¹ توضیح مترجم فارسی: در متن اصلی با اصطلاحی اسپانیایی به معنای جویندگان طلا: desperados

- و سپس برای دور نگه داشتن مردم از لانگشان دور آنجا حصار می کشم. آنها باید پول بدهند تا وارد شوند: ۱ فرانک، ۵ فرانک، ۲۰ فرانک.

نتیجه این که من از مردم آنجا نیم میلیون فرانک می گیرم؛ رئیس جمهور فرانسه با کالسکهٔ روباز به آنجا می آید و جمعیت تفریح می کنند. بیشتر مردم با وجود گرما و گرد و غبار، آنرا یک پیاده روی لذتبخش در هوای آزاد می دانند. من هم در ازای دادن ۲۰۰،۰۰۰ فرانک جایزه، یک میلیون فرانک ورودی و مالیات بر شرطبندی دریافت می - کنم. من هر وقت بخواهم همان مردم را به آنجا می آورم، اما آقای بارون به هیچ روی نمی تواند.

مثال جدیتری در مورد توده های مردم در زمینهٔ امرار معاش می آورم. افرادی در شهر جار می زنند: "هر کس می خواهد تمام روز در سرمای زمستان و در گرمای شدید تابستان در تالاری فلزی کاسبی کند و به رهگذران لباس های خوب، ماهی یا میوه در ازای دوفلورین یا رقمی مشابه بفروشد، بیاید." چند نفر به این کار تن خواهند داد؟ چند روز آنجا دوام می آورند؟ چقدر انرژی برایشان می ماند که رهگذران را راضی به خریدن ماهی، میوه یا لباس کنند؟

باید کار دیگری بکنیم. در جاهایی که خرید و فروش فعال است و راحت آنها را می - یابیم، چون ما هر جا بخواهیم به کار مشغول می شویم، تالارهای بزرگی به نام بازار بسازیم که ابتدایی تر از قبلی ها هستند، اما مردم به آنها رجوع می کنند. البته ما باید بهترین تلاش خود را برای ساخت زیبای آنها از همان اول به خرج دهیم. آن دسته کاسبان ماهر و علاقه مندی که قبلا به آنها هیچ وعده ای نداده بودیم چون نمی خواستیم فریشان دهیم، با شادمانی، بهترین روابط تجاری را در آنجا برقرار می کنند. آنها خریداران را جذب کرده، روی پای خود می ایستند و به ندرت خسته می شوند. صبح زود برمی خیزند تا نفر اول در محل باشند؛ اتحادیه ها و کارتل های خود را برای یک امرار معاش بی دردرس به راه می اندازند. اگر آخر روز ببینند که سخت کوشی آنها فقط سه فرانک ثمر داده، همچنان به انتظار فردا می مانند تا شاید بخت بهتری بیابند. ما به آنها امید داده ایم.

اگر کسی پرسد از کجا تقاضا برای این بازار تامین می شود؟ آیا باز هم باید برای آنها تکرار کنم؟ من این موضوع را پیشتر در قالب سیستم 'حمایت در ازای کار' بیان کرده- ام که خروجی آن می تواند پانزده برابر باشد. یک میلیون می تواند پانزده میلیون تولید کند و یکصد میلیون، پانزده هزار میلیون.

این برنامه می تواند در موارد خرد انجام شود؛ آیا در سطح کلان نیز چنین است؟ سرمایه بی تردید با تناسبی مستقیم با رشد خود، سود می دهد. سرمایه راکد و غیرفعال، کاهش سود را تجربه می کند، اما سرمایه فعال، برگشتی پرسود دارد. اینجا مسئله اجتماعی به میان می آید.

آیا من واقعیت را بیان می کنم؟ ثروتمندترین یهودیان را شاهد می گیرم برای درستی ادعایم. چرا آنها چندین صنعت را اداره می کنند؟ چرا کارگران را برای کار به زیر زمین برای استخراج زغال سنگ در ازای مزدی اندک و در میان خطرهای هولناک می- فرستند؟ گمان نکنم که این کار لذتبخش باشد، حتی برای صاحبان معادن. زیرا معتقد نیستم که سرمایه داران قلب ندارند. تمایل به اغراق ندارم، بلکه می خواهم تفاوت ها را نرمتر سازم.

آیا ضروری است که پدیده توده های مردم را با تمرکز بر زیارت های دینی شرح دهم؟ نمی خواهم حساسیت دینی هیچ کس را با سخنانی که ممکن است بد تعبیر شوند، برانگیزم. تنها به کوتاهی اشاره می کنم به زیارت پیروان محمد از مکه، زیارت کاتولیک- ها از لورد و مکان های بسیاری که افراد به دلایل ایمانی به آنها بازمی گردند. پس همچنین باید مرکزی برای نیازهای دینی عمیق مردم مان ایجاد کنیم. وزیران ما این نیاز را خواهند فهمید و جهت برآوردن آن در کنار ما خواهند بود. باید بگذاریم هر فردی 'در آنجا' به روش خود به رستگاری برسد. بیش از هر چیز باید برای متفکران آزادمان که به دستاوردهای خود برای بشریت ادامه می دهند، جایگاهی ماندگار پدید آوریم.

قدرتی بیش از آنچه برای برقراری نظم در کشور نیاز است، بر هیچ کس اعمال نخواهد شد؛ قدرت لازم نیز توسط یک یا چند مقام موقتی تعریف نمی شود؛ قوانین آهنین تعیین کننده آن هستند.

اینک اگر مثال های من این گونه القا کند که توده های مردم تنها به طور گذرا به مراکز ایمانی یا بازارها یا تفریحگاه ها جذب می شوند، پاسخ به این انتقاد ساده خواهد بود. چون هر یک از این جاها توده های مردم را جلب می کند، همه این مراکز جذاب در کنار هم رضایت آنها را تامین می کنند. زیرا همه این مراکز با هم یک مکان واحد رؤیایی را می سازند که مردم ما مدت ها در آرزویش بوده و زیر فشارهای شدید خارجی زنده مانده اند تا خانه آزاد خود را ببینند! با آغاز جنبش، افرادی را با خود همراه می - کنیم و دیگرانی آنها را دنبال می کنند؛ سپس افراد دیگری به جریان می پیوندند و آخرین ها نیز خواهند آمد. این آخرین مهاجران مُردد، اینجا و آنجا بدترین موارد خواهند بود. اما نخستین ها که با ایمان، اشتیاق و دلاوری عازم می شوند، بهترین جایگاه ها را به دست می آورند.

مصالح انسانی ما

مفاهیم غلط بیشتری در مورد یهودیان رایج است تا در مورد هر ملت دیگری. ما در اثر رنج های تاریخی خود چنان افسرده و روحیه باخته شده ایم که برداشت های اشتباه را خودمان هم تکرار می کنیم و باور داریم. یکی از این مفاهیم خطا این است که ما بیش از حد به کسب و کار بها می دهیم. اینک همه می دانند که ما هر جا اجازه ترفیع طبقاتی داشته باشیم، در اسرع وقت، از کسب و کار دست می کشیم. اکثریت تجار یهودی پسران خود را برای آموزش عالی می فرستند. 'یهودی شدگی' در همه شغل های فکری و علمی از اینجا برمی خیزد. اما حتی در درجات اقتصادی پایینتر جامعه، علاقه ما به کاسبی آن گونه که گمان می رود چندان هم حرف اول را نمی زند. در کشورهای اروپای شرقی شمار بزرگی از یهودیان کاسب نیستند و از کار دشوار نیز ابایی ندارند. انجمن یهودیان در موقعیتی خواهد بود که آمار علمی دقیقی از نیروی انسانی ما تهیه کند. کارمایه ها و امکان های جدیدی که در کشور نوآباد انتظار مردم ما را می کشند، مردان صنعتگر ما را خشنود و بسیاری از کاسب های کوچک امروز را به کارگران یدی بدل می سازند.

دوره گردی که روستاها را با کوله باری سنگینی بر پشت می پیماید، آن اندازه که آزارگرانش می پندارند، راضی نیست. هفت ساعت کار روزانه، همه این افراد را به کارگران یدی تبدیل می کند. آنها مردمان نیک اما کم اطلاعی هستند که امروز بیش از دیگران رنج می کشند. انجمن یهودیان همچنین از ابتدا به آموزش آنها به عنوان صنعتگر مشغول خواهد شد. علاقه آنها به درآمد به روشی سالم ارضا خواهد شد. یهودیان، اخلاقی صرفه جو و سازگار شونده دارند و هر روش امرار معاش را زود می آموزند. همین کفایت می کند که دوره گردان کنونی از کسب های بی رونق خود برای همیشه دست بکشند. برای نمونه این کار را می توان با تشویق فروشگاه های بزرگی که همه گونه لوازم زندگی را ارائه می دهند، انجام داد. این فروشگاه های عمومی در حال حاضر دارند کسب های کوچک را در شهرهای بزرگ از میدان به درمی کنند. در سرزمین تمدن نوین، فروشگاه های بزرگ جلوی کار کسب های کوچک را می گیرند. برقراری این فروشگاه ها امتیازهایی هم دارد، زیرا سرزمین را بیدرنک برای مردمی که خواهان اجناس مرغوبتر هستند، قابل سکونت تر می کند.

عادت ها

آیا پرداختن به عادت های کوچک و رسوم افراد معمولی با روح جدی این رساله همخوان است؟ به نظر من هست و افزون بر این، اهمیت بسیار دارد. زیرا عادت های کوچک، هزار و یک رشته ای هستند که وقتی در هم می تنند، طنابی محکم می سازند. در این زمینه می توانیم برخی مفاهیم محدود را کنار بگذاریم. هر فرد دنیادیده ای می داند همین عادت ها و رسوم کوچک روزانه به راحتی می توانند در هر جای دیگری پا بگیرند. دستاوردهای فنی زمان ما که این طرح می کوشد آنها را در خدمت بشریت به کار گیرد، می توانند به کار عادت های کوچک ما بیایند. در مصر هتل ها و در سویس مهمانخانه های کوهپایه ای انگلیسی هست؛ کافه های وینی در آفریقای جنوبی و تئاترهای فرانسوی در روسیه، اُپراهای آلمانی در آمریکا و بهترین آبجوی باواریا در پاریس برقرار شده اند.

وقتی ما بار دیگر از مصر خارج می شویم، نباید دیگ های گوشت را پشت سر بگذاریم.^{۲۲} هر فرد رسوم خود را دوباره در قالب گروه های محلی برقرار می سازد، اما رسومی بهتر، زیباتر و خوشایندتر از سابق.

۵

انجمن یهودیان و کشور یهود

اداره کشور به نیابت از ملت^{۲۳}

این رساله برای حقوقدانان نوشته نشده است. از این رو می توانم مانند بسیاری امور دیگر پیرامون نظریه ام درباره پایه های حقوقی یک کشور جدید، فقط کنجکاوی برانگیزم. با وجود این، باید بر نظریه جدید خود که معتقدم حتی در بحث با مردان کارآزموده در زمینه حقوق، استوار می ماند، تاکیدهایی بکنم.

بنا به دیدگاه های روسو^{۲۴} که امروز قدیمی شده اند، کشور با یک قرارداد اجتماعی پدید می آید. روسو بر آن بود که "شرایط این قرارداد به حدی دقیق بر اساس طبیعت توافق تعریف می شوند که کوچکترین تغییری آن را خنثی و ملغی می سازد." با این نتیجه گیری که حتی اگر این شرایط مستقیم بیان نشوند، همه جا صادقند و به گونه ای خاموش، پذیرش و بازشناسی شده اند.

^{۲۲} توضیح مترجم فارسی: اشاره به تورات، سفر خروج ۱۶:۳ که بنی اسرائیل در بیابان از بی غذایی به موسی شکایت کرده، در حسرت دیگ های گوشتی بودند که در خانه های بردگی مصر بار می گذاشتند.

^{۲۳} توضیح مترجم فارسی: این اصطلاح در متن اصلی به زبان حقوقی لاتین آمده:

NEGOTIORUM GESTIO

^{۲۴} ژان ژاک روسو متفکر لیبرال فرانسوی و از بنیانگذاران فکری انقلاب های آمریکا و فرانسه در قرن هجدهم.

رد منطقی و تاریخی نظریهٔ روسو هیچ گاه دشوار نبوده و اکنون نیز نیست، اما تاثیرات آن بد و دامنه دار خواهد بود. این پرسش پیش می آید که آیا یک قرارداد اجتماعی با "شرایطی به وضوح بیان نشده اما تغییرناپذیر" می تواند پیش از چارچوب دهی به یک قانون اساسی در شکل های مدرن دولت، موجود باشد؟ امروزه رابطهٔ حقوقی میان دولت و شهروند در هر حالت باید به روشنی استقرار یابد.

این اصول پیش از تاسیس قانون اساسی و طی آفرینش یک کشور جدید، از اهمیت کاربُردی بسیاری برخوردارند. می دانیم و به چشم می بینیم که هنوز کشورهایی در حال پدید آمدن هستند. کلنی ها از کشورهای مادر مستقل می شوند. زمینداران به حاکمیت هایی که بیشتر برای آنها سوگند وفاداری خورده بودند، پشت می کنند؛ قلمروهای آزاد شده بیدرنگ به کشورهای آزاد تبدیل می شوند. این درست است که ایدهٔ کشور یهود مانند ساختاری مدرن در قلمرویی نامشخص شکل گرفته است. اما نه تکه ای زمین، بلکه یک کشور مطرح است: شماری از انسان ها که زیر سروری یک حاکمیت متحد می شوند.

ملت، فاعلان، و زمین، بستر عینی پی ریزی یک کشور هستند و این میان، پایهٔ انسانی، اهمیت بیشتر دارد. برای نمونه، در دنیای امروز یک سروری هست که هیچ پایهٔ عینی ندارد [زمین و قلمرو] اما شاید محترم ترین ملت جهان باشد. منظورم سروری پاپ است [در واتیکان].

نظریهٔ عقلانیت²⁵ نظریه ای است که امروزه در علوم سیاسی مورد پذیرش است. این نظریه برای توجیه پدید آوردن یک کشور کفایت می کند و از نظر تاریخی مانند نظریهٔ قرارداد اجتماعی قابل رد نیست. وقتی فقط با تاسیس یک کشور یهودی کار دارم،

²⁵The theory of rationality توضیح مترجم فارسی: این نظریه فرض را بر این می-گذارد که افراد بر اساس استدلال منطقی و ارزیابی های حساب شده از نتایج بالقوه، اساسا گزینه ای را برمی کشند که بیش از همه منافع آنها را برآورده و اهداف آنها را تحقق می-بخشد؛ با این شرط که همهٔ اطلاعات لازم را دسترس داشته و مطابق منافع خود رفتار کنند؛ این نظریه اغلب در اقتصاد و علوم سیاسی برای تشریح رفتار انسانی همچون روندی از ارزیابی نتایج مثبت و منفی برگزیدن عقلانی ترین گزینه به کار می رود.

کاملاً در محدوده های نظریه عقلائیت باقی می مانم. اما هنگام پرداختن به پایه های حقوقی کشور از آن عبور می کنم. نظریه های [مشروعیت] نهاد الهی، قدرت برتر، قرارداد اجتماعی، یا نظریه های پدرسالاری و پیوندهای خونی و حاکمیت موروثی با دیدگاه های مدرن همخوان نیستند. در آنها پایه های حقوقی یک کشور یا بیش از حد به مردان بها می دهند (نظریه پدرسالاری و نظریه های قدرت برتر و قرارداد) یا خیلی از انسان ها دور است (مانند نهاد الهی)، و یا بیش از حد انسان ها را تنزل می دهند (نظریه پیوندهای خونی و حاکمیت موروثی). نظریه عقلائیت معمولاً با احتیاط، پرسش پایه های حقوقی را بی پاسخ می گذارد. اما پرسشی که حقوقدانان را در همه دوران ها به خود مشغول داشته، نمی تواند مسکوت بماند. در واقع، آمیزه ای از امر انسانی و فراانسانی در ساختن یک کشور دخالت دارند. برخی از پایه های حقوقی برای تشریح رابطه مردم کشور با حاکمان، ضرورت بسزا دارند. به نظر من باید یک *negotiorum gestio* [قرارداد سرپرستی و نیابت] را پایه گذاشت که در آن بدنه شهروندان، نماینده دادن اختیارات^{۲۶} باشند و دولت، نماینده حاکمیت به نیابت مردم^{۲۷}. رومیان با حس عدالت شگفت انگیز خود شاهکار *negotiorum gestio* را خلق کردند: وقتی که مالکیت فردی مورد ستم، در خطر است، هر کس می تواند قدم پیش بگذارد و او را نجات دهد. این فرد، *gestor* یا سرپرست نامیده می شود که مدیریت اموری که اصلاً به خودش تعلق ندارد را به عهده می گیرد. او هیچ اختیاراتی دریافت نکرده - یعنی از سوی هیچ فردی اجازه عمل نگرفته است. تعهدهای بالاتر دولت را به شکل های متفاوت می توان بیان کرد که پاسخگوی درجات فرهنگی فرد یا قدرت فهم عمومی و در حال رشد باشد. سرپرست یا *gestor* باید برای خیر *dominus* یا صاحب اصلی عمل کند، یعنی مردمی که خود *gestor* از میان آنها برخاسته است.

Gestor یا سرپرست، مالکیتی را که خودش صاحب پیوسته^{۲۸} به آن است، مدیریت می کند. مالکیت مشترک به او می آموزد که چه فوریتی به او اجازه دخالت داده،

^{۲۶} *dominus negotiorum*

^{۲۷} *gestor*

^{۲۸} Joint Owner

هنگام صلح و جنگ، رهبری او را می طلبد؛ اما اقتدار او در هیچ شرایطی در حالت مالکیت پیوست شده اعتبار ندارد. توافق چندین صاحب پیوسته حتی در بهترین شرایط، فاقد اطلاعات کامل است.

یک دولت با مبارزه یک ملت برای موجودیت خود پدید می آید. در هر مبارزه این چینی کسب اقتدار مناسب به صورت پیشاپیش و با تمام جزئیات، ناممکن است. به واقع، هر تلاش پیشینی برای تصمیم گیری معمول اکثریت، احتمالاً از همان ابتدا اجرای طرح را خراب می کند. شکاف های داخلی می توانند مردم را در برابر خطرهای بیرونی بیدفاع سازند. ما همگی نمی توانیم ذهنیتی همسان داشته باشیم؛ از این رو *gestor* یا سرپرست حقوقی، اطلاعات راهبری را در دست می گیرد و پیشاپیش حرکت می کند. کنشگری *gestor* یا سرپرست حقوقی در قالب دولت در صورتی که هدف مشترک به خطر افتد و *dominus* یا صاحب اصلی، خودخواسته یا به دلایل دیگر از کمک به خود بازمانده باشد، اختیار کامل دارد.

اما در این حالت، سرپرست با دخالت خود شبیه به صاحب اصلی شده و متعهد به یک شبه توافق یا *contractu quasi ex*²⁹. این رابطه ای قانونی است که از پیش وجود داشته یا به بیان درست تر، همزمان با دولت برقرار شده است.

به این ترتیب، سرپرست برای هر گونه معامله ای پاسخگو می شود، حتی برای شکست اقدامات تجاری و سهل انگاری در امور مستقیماً مرتبط و غیره. بیش از این *negotiorum gestio* را گسترش نمی دهم و به دولت بازمی گردم، و گرنه از موضوع اصلی خیلی دور می شویم. تنها یک اشاره: "نیابت مدیریت" اگر مورد تایید صاحب آن باشد، همان قدر رسمیت دارد که اگر توسط همان صاحب اجرا شده شود.

²⁹ توضیح مترجم فارسی: *Quasi ex contractu* یک اصطلاح لاتین به معنای "از شبه قرارداد" است که دلالت دارد به موقعیتی حقوقی که در آن یک طرف سودی از طرف دیگر دریافت می کند، اما هیچ قراردادی میان آنها وجود ندارد. در این حالت قانون، فرض را بر وجود یک قرارداد ناگفته می گذارد و فردی که سود می برد را موظف به پرداخت برای آن می کند.

اما این امور چه ربطی به هدف ما دارند؟

دیاسپورا ملت یهود را در زمان کنونی از اداره امور سیاسی خود محروم کرده است. افزون بر این، یهودیان در بسیاری از نقاط دنیا در تنگناهایی کمابیش جدی هستند. آنها بیش از هر چیز به یک سرپرست نیاز دارند.

این البته نمی تواند یک فرد باشد. چنین فردی یا خود را مسخره می کند یا برای منافع خود دست به عمل می زند و نفرت انگیز می شود. از این رو سرپرست یهودیان باید یک نهاد مشارکتی باشد، یعنی انجمن یهودیان.

سرپرست حقوقی یهودیان

در این ارگان جنبش ملی [انجمن یهودیان] پیش از هر جای دیگر، طبیعت و کارکردهایی که دستکم ما با آنها سروکار داریم، شکل می گیرد. شکل گیری آن بسیار ساده است و توسط آن قبیل یهودیان پرانرژی که طرح خود را در لندن با آنها در میان گذاشتم، انجام می شود.³⁰

انجمن یهودیان برای پایه ریزی یک کشور یهودی، کارمایه های علمی و سیاسی خواهد داشت و از دید من بر اساس روش شناسی های علمی انجام خواهد شد. ما نمی - توانیم امروز خروج از مصر را به روش ابتدایی دوران باستان انجام دهیم. پیشاپیش باید از شمار و قدرت خود آگاه باشیم. سرپرست باستانی و بزرگ یهودیان در آن روزهای اولیه با سرپرست امروز ما همان مناسبتی را دارد که برخی ملودی های زیبا با آبرای مدرن دارند. ما همان ملودی را می نوازیم اما با تعداد بیشتری ویولن، فلوت، چنگ، ویولون سل، و ویولن های باس؛ همراه با نورهای الکتریکی، دکورسازی، گروه های همسرایان، جامه های زیبا، و خوانندگان تراز اول روز.

³⁰ توضیح مترجم فارسی: هر فصل در سال ۱۸۹۵ در باشگاه مکابی های لندن سخنرانی کرد.

این رساله قصد گشودن بحثی همگانی پیرامون مسئله یهود را دارد. دوستان و دشمنان در آن شرکت خواهند کرد؛ اما امیدوارم که دیگر نه به شکل آزار خشونت بار یا حمله های احساساتی بلکه در قالب جدل، به گونه ای عمل گرا، گسترده، پیگیر و سیاسی انجام شود.

انجمن یهودیان همه اطلاعیه های دولتمردان، پارلمان ها، جوامع یهودی، انجمن ها را خواه به گفتار یا نوشتار، یا در جلسه ها، روزنامه ها و کتاب ها آمده باشند، گرد خواهد آورد.

انجمن از این راه برای نخستین بار خواهد دانست که آیا یهودیان واقعا می خواهند به سرزمین موعود بروند و آیا باید به آنجا بروند؟ هر اجتماع یهودی در دنیا دیدگاه های خود را برای انجمن خواهد فرستاد تا آمار [و نظرسنجی] کاملی از یهودیان تهیه کند.

کارمایه های بعدی مانند تحقیق کارشناسان در مورد کشور جدید و منابع طبیعی آن، برنامه ریزی یکپارچه مهاجرت و اسکان، کارهای مقدماتی برای قانونگذاری و اداره کشور و غیره، باید با عقلانیت از درون طرح اولیه تکامل یابند.

از نظر خارجی، انجمن چنان که در بخش کلی شرح دادم، می کوشد به عنوان یک نهاد کشورساز رسمیت یابد. مهاجرت آزادانه بسیاری از یهودیان پیش شرط اقتدار انجمن در روابطش با دولت ها را فراهم می کند.

انجمن از نظر داخلی، یعنی در مناسباتش با مردم یهودی، ابتدا همه نهادهای ضروری را تشکیل می دهد و هسته ای خواهد بود که بر محور آن، نهادهای دولتی کشور یهود بعدا گسترش می یابند.

هدف نخست ما چنان که پیشتر گفتم، برقراری سروری بر سهمی از کره خاک است که برای تامین نیازهای به حق ما کافی باشد و از سوی قوانین بین المللی تضمین شود.

گام بعدی چه خواهد بود؟

تملك سرزمین

در دوران باستان وقتی ملت‌هایی سرگردان بودند، می‌گذاشتند تا بخت، آنها را به اینجا و آنجا ببرد تا سرانجام مانند هجوم ملخ‌ها هر جا که شد، فرود آیند. زیرا در دنیای باستان، انسان‌ها کره زمین را نمی‌شناختند. اما هجرت یهودیان در دنیای مدرن باید بر اساس اصول عملی انجام شود. همین پنجاه سال قبل بود که جستجوی طلا به شکلی بدوی انجام شد. چه روزهای پرماجرایی بود در کالیفرنیا! یک گزارش، جویندگان طلا را از سراسر کره زمین به آنجا کشاند؛ آنها زمین‌ها را قاپیدند، طلای یکدیگر را غارت کردند و سرانجام مانند همه رهنان، آنها را در قمار باختند.

اما امروز چه؟ وضعیت جستجوی طلا در ترانسوال چگونه است؟ ولگردان ماجراجو آنجا نیستند؛ تنها جغرافی دانان و مهندسان برای اداره صنعت طلا و به کارگیری ماشین‌های جدید برای جداسازی طلا از سنگ آن در محل هستند. امروزه کمتر کاری هست که به دست بخت و اتفاق سپرده شود.

پس ما باید کشور نوین یهود را با تحقیق و ابزارهای مدرن صاحب شویم.

به محض تضمین سرزمین، باید یک کشتی بفرستیم همراه با نمایندگان انجمن یهودیان، شرکت یهود و گروه‌های محلی‌ای که زودتر از همه وارد سرزمین می‌شوند.

این مردان سه کارمایه خواهند داشت: ۱- تحقیقی علمی و دقیق درباره منابع طبیعی کشور. ۲- ساماندهی به یک سازمان اداری که به شدت مرکزی باشد. ۳- تقسیم زمین. این کارمایه‌ها با یکدیگر همپوشانی دارند و همگی در هماهنگی با هدفی هستند که اینک برای ما آشنا است.

توضیح یک امر باقی می‌ماند - چگونگی گرفتن سرزمین توسط گروه‌های محلی.

در آمریکا اشغال سرزمین تازه گشوده، به روش توحش انجام شد. مهاجران در مرز گرد می‌آمدند و در زمان مقرری با هم مسابقه گرفتن سهم خود را با خشونت پیش می‌بردند.

ما در سرزمین جدید یهودیان نباید این گونه رفتار کنیم. قطعه‌های زمین در ایالت‌ها و شهرستان‌ها از طریق مَزایده فروخته و نه با پول بلکه با کار پرداخت خواهند شد. طرح کلی شامل ساختن خیابان‌ها، پل‌ها، آبرسانی و امور نقل و انتقال خواهد بود. این امور در هر ایالت انجام خواهد شد. داخل ایالت‌ها، زمین برای ساخت شهرک‌ها نیز از راه مَزایده به فروش خواهد رسید.

گروه‌های محلی به آوردن اموال بنگاه‌های تجاری می‌پردازند و مخارج را با ارزیابی خود می‌پردازند. انجمن یهودیان قضاوت خواهد کرد که آیا گروه‌های محلی بیش از حد توانایی خود فداکاری و ریسک می‌کنند. جماعت‌های بزرگ، برای فعالیت‌های خود زمین‌های بزرگ دریافت می‌کنند. فداکاری‌های بزرگ با ساختن دانشگاه‌ها، مدارس فنی، اکادمی‌ها و مراکز تحقیقاتی پاداش می‌گیرند و این نهادهای دولتی که نباید در پایتخت تمرکز یابند، سراسر کشور پخش می‌شوند.

نفع شخصی خریداران و در صورت لزوم ارزیابی‌های محلی تضمینی خواهند بود برای آنچه پیشتر از افراد گرفته شده بود. به همین روش، چون نمی‌توانیم و به واقع نمی‌توانیم - خواهیم تمایز میان افراد را مخدوش کنیم، تفاوت‌های گروه‌ها نیز همچنان تداوم می‌یابند. همه چیز بسیار طبیعی شکل می‌گیرد. تمامی حقوق کسب شده محافظت شده و هر توسعه جدیدی توجه کافی می‌گیرد.

مردم ما با همه این امور آشنایی کامل پیدا می‌کنند. ما نباید دیگران را ناآگاه نگه داریم یا منحرف سازیم؛ همان گونه که خود را فریب نمی‌دهیم.

همه چیز باید سامانمند و از پیش مقرر باشد. من فقط این را خاطر نشان می‌کنم که مشتاق‌ترین متفکران ما در طراحی همکاری خواهند کرد. هر دستاورد اجتماعی یا فنی دوران ما و پیشرفته‌ترین‌های زمانه که پیش از اجرای آرام طرح من به دست بیاید، باید در پروژه منظور گردد. هر اختراع ارزشمند که اینک وجود دارد یا در آینده خواهد بود، باید استفاده شود. با این ابزارها یک کشور می‌تواند پر از سکنه شود و یک دولت به گونه‌ای پی‌ریزی می‌شود که تا کنون تاریخ به خود ندیده و هرگز پیشتر با چنین امکان موفقیتی اتفاق نیفتاده است.

قانون اساسی

یکی از مهمترین شورا‌هایی که اجتماع باید به کار بگمارد، شورای قانونگذاران کشور است. آنها باید بهترین قانون اساسی مدرن را تدوین کنند. معتقدم که یک قانون اساسی خوب باید طبیعی مُنعطف داشته باشد. در نوشته دیگری به تفصیل نظر خود را در مورد بهترین شکل دولت بیان داشته‌ام. به نظر من پادشاهی دمکراتیک و جمهوری اریستوکراتیک [اشراف که در آن زمان نُخبگان فکری و علمی از میان آنها برمی‌خاستند] بهترین شکل‌های دولت هستند، زیرا در آنها قُرم دولت و اصول اداره کشور با یکدیگر تقابل دارند، و از این رو تعادل قدرت حقیقی برقرار می‌شود. من هوادار سرسخت نهادهای پادشاهی هستم، زیرا آنها امکان یک سیاست مداوم را می‌دهند و خواست‌های خاندانی مشهور و قدیمی را که جهت فرمانروایی پرورده شده‌اند و خواست آنها با حفظ کشور پیوند دارد، نمایندگی می‌کنند. اما تاریخ ما بیش از اندازه گسست به خود دیده که بخواهیم ادامه مستقیم شکل‌های باستانی کشورداری را به کرسی بشانیم و خود را در معرض اتهام یاوه‌گویی قرار بدهیم.

دمکراسی بدون یک سروری سیاسی چندصدایی یا به تمجید چاپلوسانه یا به محکوم ساختن افراطی می‌انجامد، بحث‌های بیحاصل در پارلمان‌ها را سبب می‌شود و آن دسته مردان سرزنش‌پذیری را تولید می‌کند که سیاستمداران حرفه‌ای نام دارند. ملت‌ها در حال حاضر، چندان آمادگی برای دمکراسی نامحدود را ندارند و در آینده نیز کمتر چنین خواهند بود. زیرا پیش فرض یک دمکراسی ناب، برقراری پیشاپیش رسومی ساده است. ولی رسوم ما با رشد تجارت و افزایش نقش فرهنگ، روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند. مونتسکیوی خردمند می‌گفت: "توسل به دمکراسی یک فضیلت است."³¹ اما این فضیلت سیاسی که باید داشت، کجاست؟ من به فضیلت سیاسی خودمان باور ندارم؛ نخست چون ما از باقی بشریت مدرن هیچ بهتر نیستیم؛ و دوم چون آزادی ابتدا به ما خصلت‌های جنگی ما را نشان خواهد داد. من همچنین گذاشتن مجموعه پرسش‌هایی به فراندوم را روندی ناخوشایند می‌دانم، زیرا هیچ پرسش

³¹ توضیح مترجم فارسی: این عبارت به زبان فرانسه در متن اصلی آمده است: "*Le ressort d'une démocratie est la vertu*"

سیاسی نیست که بتوان فقط با آری یا نه به آن پاسخ داد. توده‌ها نیز بیش از پارلمان‌ها در معرض انحراف توسط دیدگاه‌های غیرمعمولند و گرایش به تهییج با سخنان خشمگین دارند. ناممکن است فرموله کردن سیاست داخلی و خارجی خردمندانه‌ای در یک مجلس عوام.

سیاست باید در قشر نخبگان جامعه شکل بگیرد و سپس به پایین برسد. اما هیچ عضو کشور یهود زیر ستم نخواهد بود و هر فرد می‌تواند امید به بهبود موقعیت داشته باشد. از این راه، گرایش به ترفیع در ملت ما پدید خواهد آمد. هر فرد با تلاش برای بهبود، با خود، کل بدنه شهروندان را نیز بالا می‌کشد. بالارفتن مرتبه اجتماعی، شکلی هنجاری می‌گیرد و برای کشور، مفید و برای ایده ملی، یاری بخش خواهد بود.

به این دلیل من گرایش به جمهوری استوار بر مجلس نخبگان را دارم. این امر روحیه بلندپروازی مردم را که امروزه با یهودگی‌های مبتذل مخدوش شده، بالا می‌برد. بسیاری از نهادهای شهر ونیس از ذهنم می‌گذرند؛ اما از همه آنچه ویرانی ونیس را سبب شد باید پرهیز کرد. ما باید از اشتباه‌های دیگران بیاموزیم، همان گونه که از خطاهای خود درس می‌گیریم. زیرا ما یک ملت مدرن دنیا هستیم و می‌خواهیم مدرنترین باشیم.

مردم ما که کشور نویناد را از انجمن یهودیان تحویل می‌گیرند، همچنین قانون اساسی پیشنهادی آن را نیز با سپاسگزاری می‌پذیرند. اگر هر مخالفی رخ دهد، انجمن یهودیان آنرا فرومی‌نشانند. انجمن نمی‌تواند اجازه دهد که افراد کوتاه بین و بد نیت اجرای وظایفش را مختل سازند.

زبان

گفته خواهد شد که خواست ما برای یک زبان امروزی مشترک، با دشواری‌هایی همراه خواهد بود. ما نمی‌توانیم به زبان عبری با هم گفتگو کنیم. چه کسی در میان ما آشنایی کافی با عبری دارد که بتواند در مورد گرفتن بلیط قطار به آن زبان سخن بگوید؟! چنین

کاری انجام شدنی نیست. اما این دشواری را به آسانی می توان رفع کرد. هر کس می-تواند زبانی که در خانه آموخته را حفظ کند. سوییچ نمونه ای است قانع کننده از امکان آزادی زبان ها. ما در کشور جدید همان که اینجا هستیم، می مانیم و غمگینانه هرگز خاطره سرزمین مادری خود را فراموش نمی کنیم.

ما باید از آن لهجه های حقیر و عجیبی که زبان ما در گتوها بوده اند، دست بکشیم، زیرا آنها مانند زبان ترسان و لرزان زندانیان بوده اند. معلمان ملی ما به این امر توجه کافی خواهند داشت. زبانی که بیشترین استفاده را برای تبادل عمومی داشته باشد بی آنکه به عنوان زبان ملی اجباری شود، به کار خواهد رفت. اجتماع چندنژادی ما، خاص و منحصر به فرد است، زیرا ما فقط با ایمان پدرانمان به یکدیگر پیوند داریم.

خداسالاری

آیا به یک تئوکراسی [دین سالاری - خداسالاری] خواهیم رسید؟ هیچ نیازی به آن نیست. ایمان، ما را متحد می کند و دانش به ما آزادی می دهد. از این رو باید از هرگونه برآمد گرایش های دین سالاری از سوی رهبران دینی خود پیشگیری کنیم. ما باید رهبران دینی خود را در محدوده های نیایشگاه ها نگه داریم، همان گونه که نظامیان حرفه ای خود را در محدوده پادگان ها نگه می داریم. ارتش و رهبران دینی باید به سبب کارکرد ارزشمند خود مورد احترام بسیار باشند. اما نباید در اداره کشوری که به آنها موقعیت ممتاز می دهد، دخالت کنند، و گرنه، مشکلات بیرونی و داخلی می آفرینند.

هر فرد در ایمان یا بی ایمانی خود همانند ملیت خود آزاد خواهد بود. و اگر افراد دیگر با ایمان ها و ملیت های دیگر برای زندگی به میان ما بیایند، باید محترمانه آنها را حمایت کنیم و تساوی آنان در برابر قانون را به رسمیت بشناسیم. ما در اروپا قوانین دولتی مدارای دینی را آموخته ایم. این را به کنایه نمی گویم؛ زیرا آنتی سمیتیزم امروزی را تنها در معدود جاها می توان همان عدم مدارای دینی گذشته دانست، بلکه بیشتر، جنبشی است در میان ملل متمدن که با آن می کوشند از اشباح گذشته خود بگریزند.

قوانین

وقتی ایده یک کشور آغاز به تحقق کند، انجمن یهودیان، شورایی از قانونگذاران را برمیگزیند تا کار آماده سازی قوانین را انجام بدهند. آنها در جریان دوران انتقالی مقرر می کنند که هر مهاجر یهودی باید بر اساس قوانین کشوری که آنرا ترک کرده قضاوت شود. اما قانونگذاران باید بکوشند از این قوانین گوناگون، سیستم مدرنی بیرون بکشند بر ساخته از بهترین های سیستم های قبلی. این یک قانونگذاری نمونه خواهد بود که همه ادعاهای اجتماعی و عادلانه امروز را در خود گرد خواهد آورد.

ارتش

کشور یهود، کشوری بیطرف خواهد بود. از این رو فقط یک ارتش حرفه ای نیاز خواهد داشت که البته مجهز به همه لوازم جنگی مدرن جهت حفظ نظم داخلی و خارجی کشور باشد.

پرچم

ما هیچ پرچمی نداریم و به یک پرچم نیاز داریم. اگر بخواهیم افراد بسیاری را راهبری کنیم، باید نمادی بالای سر خود برافرازیم. من پرچم سفیدی را پیشنهاد می کنم با هفت ستاره طلایی. سفیدی، نماد زندگی جدید و پاک ما است و ستاره ها هفت ساعت طلایی کار روزانه ما. زیرا ما در سرزمین موعود با نشان افتخار رژه خواهیم رفت.

معاهده های همکاری متقابل و استرداد مجرمان

کشور نوین یهود باید به دقت با نظر به آینده ای شرافتمندانه در دنیا پی ریزی شود. از این رو هر تعهدی که در کشورهای پیشین خود داریم باید پیش از ترک به تمامی، انجام شوند. انجمن یهودیان و شرکت یهود به کسانی که بتوانند از کشورهای خود گواهی بیاورند که امور آنها به درستی انجام شده، سفر ارزان قیمت و برخی امتیازهای اسکان خواهد داد.

هر دعوای شخصی و بحقی که از سوی کشورهای ترک شده اقامه گردد، در کشور یهود سریعتر از هر کشور دیگری رسیدگی خواهد شد. ما نباید منتظر جبران متقابل بمانیم؛ باید به طور ناب برای شرافت خود عمل کنیم. این گونه شاید بعدها شاهد باشیم که دادگاه های قانونی، دعوی های ما را سریعتر از جاهای دیگر رسیدگی می کنند.

از اشاره های پیشین برمی آید که ما مجرمان یهودی را سریعتر از هر کشور دیگری بازپس می فرستیم [استرداد] تا زمانی برسد که قانون جزایی خود را با همان اصولی که دیگر ملت های متمدن دارند، به کار بندیم. از این روی، دوره ای انتقالی وجود خواهد داشت که طی آن باید مجرمان یهودی را فقط زمانی بپذیریم که مجازات خود را کشیده باشند. اما اگر آنها جبران خطای خود را کرده باشند، بدون هیچ محدودیتی پذیرفته می شوند، زیرا مجرمان ما نیز باید بتوانند زندگی نوینی آغاز کنند.

از این رو مهاجرت ممکن است برای بسیاری از یهودیان بحرانی با پایان خوش باشد. شرایط بیرونی بد که شخصیت انسانی را خراب می کنند از میان می روند و این تغییر برای بسیاری از راه گم کرده ها به معنای نجات خواهد بود.

اینجا می خواهیم به فشرده گی داستانی را بازگویم که در میان معدنچیان ویتواترستراند با آن سروکار داشتیم. روزی مردی به رند آمد. آنجا ساکن شد و دست به کارهای گوناگون جز کار در معدن زد تا آنکه یک کارخانه یخ سازی سودآور بنیان گذاشت. او خیلی زود به دلیل شخصیت قابل احترام خود، نزد همگان حرمت یافت. اما پس از چند سال ناگهان دستگیر شد. او در فرانکفورت به عنوان بانکدار، خُلف وعده ای مرتکب شده، از آنجا گریخته و زندگی جدیدی با نامی متفاوت آغاز کرده بود. اما

وقتی که او را به عنوان زندانی می بردند، محترم ترین افراد شهر در ایستگاه قطار گرد-آمدند و با بدرقه ای شایسته به او "به امید دیدار" گفتند، زیرا او بیشک بازمی گشت. این داستان چقدر گویاست! زندگی جدید می تواند حتی برای یک مجرم پیش بیاید و ما به تناسب جمعیت خود، شمار اندکی از مجرمان داریم. در این زمینه مَرور یک گزارش آماری جالب با عنوان "مجرمیت یهودیان در آلمان" توسط دکتر پ. ناتان^{۳۲} از برلین لازم است. او از سوی 'انجمن دفاع در برابر یهودی ستیزی' کار گردآوری آمارهای رسمی دولتی را به عهده گرفت.

این حقیقت دارد که رساله حاضر با ارقام بسیار خود، یک 'دفاعیه' دیگر است در میان بسیاری و با این برداشت خطا که یهودی ستیزی را می توان با استدلال از میدان به در کرد. ما احتمالاً بیشتر به خاطر استعدادهای خود مورد نفرت هستیم تا خطاهایمان.

فایده های مهاجرت یهودیان

به گمانم دولت ها یا به خواست خود و یا زیر فشار یهودستیزان، به این طرح توجه نشان می دهند و شاید تا کنون اینجا و آنجا آنها را با همدردی با انجمن یهودیان مطالعه کرده-باشند.

زیرا مهاجرتی که من پیشنهاد می کنم، هیچ بحران اقتصادی نمی آفریند. با اجرای طرح من از آن دست بحران هایی که همه جا در نتیجه یهودآزاری به راه می افتند، پیشگیری می شود. در کشورهایی که امروز یهودستیزند، دوران شکوفایی اقتصادی بزرگی آغاز خواهد شد. زیرا چنان که بارها گفته ام، مهاجرتی داخلی توسط شهروندان مسیحی برای گرفتن تدریجی و سامانمند جایگاه های رها شده توسط یهودیان آغاز می شود. اگر فقط در رنج نباشیم و در عمل برای اجرای این طرح به ما کمک شود، جنبش ما تاثیری سودمند خواهد داشت. این دیدگاه که مهاجرت یهودیان همراه با فقیرشدن کشورها خواهد بود، کوتاه بینانه است و باید از آن پرهیز کرد. این گونه مهاجرت با

³² "The Criminality of Jews in Germany," by Dr. P. Nathan.

خروج یهودیان به دلیل آزار و پیگرد فرق دارد، زیرا در صورت دوم، مالکیت های آنها نیز چنان که در جنگ ها دیده ایم، ویران می شوند. تفاوت دیگر در خروج دلبخواه و صلح آمیز مهاجران است که طی آن همه چیز با ملاحظه حقوق به دست آمده و در هماهنگی مطلق با قانون، در روز روشن و زیر نظارت مقامات کشوری و افکار عمومی انجام می شود. با این جنبش، مهاجرت پرولتاریای مسیحی به نقاط گوناگون دنیا متوقف خواهد شد.

وجود کشور یهود فایده ای بعدی برای صادرات این کشورها دارد؛ زیرا یهودیان مهاجر 'در آنجا' برای مدتی طولانی وابسته به واردات فراورده های کشورهای اروپایی خواهند بود. گروه های محلی تعادل عادلانه ای را حفظ می کنند و نیازهای مردم محلی تا مدت ها از کشور قبلی آنها تامین خواهند شد.

یکی دیگر از فایده های مهاجرت یهودیان و شاید مهمترین آنها اطمینان از تعدیل فقر است. طی بیست سال یا مدت بیشتری که مهاجرت یهودیان طول می کشد، نارضایتی - های اجتماعی کاهش می یابند و در هر حال، پس از دوره انتقال به آرامش می گرایند. شکلی که پرسش اجتماعی به خود می گیرد، بستگی کامل دارد به توسعه منابع فنی ما. ازدحام نیروی کار انسانی در کارخانه ها بر سر دستگاه ها موجب رنج کارگران است. امروز نرخ عظیم، نابخردانه و غیرسیستماتیک تولید، بحران های جدی می آفریند که هم کارگران و هم کارفرمایان را نابود می کند. نیروی الکتریسته احتمالاً ازدحام کارگران در کنار هم را کاهش و شکوفایی بازار کار را افزایش می دهد. در هر حال، مخترعان فن آوری که خیرخواهان راستین بشریت هستند، پس از مهاجرت یهودیان به کار خود ادامه داده، به کشف اموری شگفت انگیز از آن دست که دیده ایم یا حتی بهتر از آنها خواهند پرداخت.

واژه 'ناممکن' دیگر از واژه نامه علوم تکنیکی حذف شده است. اگر فردی که در قرن گذشته روی کره زمین می زیست باز گردد، زندگی امروز را پر از جادوهای فهم ناپذیر می یابد. وقتی مدرن ها با اختراعات پدیدار شوند، ما بیابان ها را به باغات تبدیل می کنیم. ساختن یک شهر در زمانه ما همان تعداد سال وقت می برد که قدیم همان تعداد

قرن لازم داشت؛ آمریکا نمونه های بیشماری از این دست دارد. فاصله دیگر مانع نیست. روح زمانه ما گنجینه هایی افسانه ای در خود گرد آورده است. هر روز این ثروت افزون می شود. صدها هزار مغز مشغول فکر و تحقیق در هر نقطه از دنیا هستند و هر چه یکی از آنها کشف کند در لحظه بعد، متعلق به کل دنیا است. ما نیز در سرزمین یهودی خود هر تلاش نوین را خواهیم آزمود. و همان گونه که هفت ساعت کار روزانه را همچون آزمونی برای خیر بشریت انجام خواهیم داد، با همین روحیه بشردوستانه هر امر دیگری را نیز می آزماییم و سرزمین نوین را به سرزمینی از آزمون ها و کشوری نمونه بدل می کنیم.

پس از اعزام یهودیان، حاصل کار آفرینی های یهودیان همان جا که بوده اند، می ماند. روح سازندگی یهودی هر جا که از آن استقبال شود، موفق می گردد. زیرا سرمایه - داران یهودی از سرمایه گذاری در جایی که با شرایط محیطی آن آشنا هستند، شادمان می شوند. و هر جا که اینک پول یهودیان به دلیل پیگرد و آزار موجود از کشورها خارج و در بنگاه های تجاری بس دوردست سرمایه گذاری می شود، در نتیجه این راه حل، صلح بازمی گردد و به پیشرفت بعدی کشورهایی کمک می کند که یهودیان آنها خارج شده اند.

۶

نتیجه گیری

سرخط ها

در این رساله چه ناگفته ها که باقی است! چقدر نقص ها و سطحی نگری ها که در آن نهفته و چه تکرارهای یهوده ای که به همگی مدت ها اندیشیده و بارها بازبینی کرده - ام!

اما خواننده ای بانصاف که فهم کافی برای درک روح کلمات من دارد، با این نقایص از میدان به در نمی شود. بلکه این کاستی ها چنین کسی را وامی دارند که با هوش و انرژی خود در کاری که از عهده یک فرد بر نمی آید، مشارکت کند و آنرا بهبود بخشد.

آیا امور بدیهی را شرح داده، اما به انتقادهای مهم بی توجه بوده ام؟

کوشیده ام به برخی انتقادها پاسخ گویم؛ اما می دانم که انتقادهای بیشتری خواهد شد، چه کلی و چه جزئی.

از جمله انتقادهای کلی این است که بگویند یهودیان تنها ملت زیر ستم در دنیا نیستند. اینجا پاسخ می دهم که ما همچنان باید فلاکت را کاهش دهیم، حتی اگر ابتدا به فلاکت خودمان رسیدگی کنیم.

شاید گفته شود که نباید تمایزهای جدیدی میان خود و مردمان دیگر برقرار کنیم؛ نباید دیوارهای تازه برپا سازیم، بلکه باید موانع قبلی را برداریم. اما کسانی که این گونه می - اندیشند، خیالپردازی دوست داشتنی هستند. ایده سرزمینی برای ما حتی وقتی استخوان - هایمان چون خاکستر به دست باد سپرده شوند، همچنان سرزنده می ماند. برادری جهانی حتی یک رؤیای زیبا هم نیست. تضاد، ذاتی بزرگترین کارهای انسانی است. اما یهودیان به محض اسکان در کشور خود، احتمالاً دیگر دشمنی نخواهند داشت. کسانی که پشت سر می مانند، چون ثروت، آنها را ضعیف و محو می کند [به عنوان یهودی] خیلی زود همگی با هم [از رده یهودیان] ناپدید می شوند. به نظرم، یهودیان همیشه به اندازه کافی مانند همه ملت های دیگر دشمن خواهند داشت. اما به محض استقرار در کشور خود دیگر پخش شدن در سراسر دنیا برای آنها ممکن نخواهد بود. دیاسپورا نمی تواند دوباره زایش یابد، مگر آنکه کل تمدن زمین از هم فروپاشد، و این نتیجه گیری تنها کار دیوانگان است. تمدن کنونی ما سلاح های نیرومندی برای دفاع از خود دارد.

انتقادهای ناوارد بسیاری مطرح خواهد شد، زیرا در دنیای ما بیش از انسان های شریف، افراد کم مایه وجود دارند.

کوشیده ام که برخی از مفاهیم تنگ نظرانه را بزدایم. هر کس که می خواهد پشت پرچم سفید ما با هفت ستاره بایستد باید به این کارزار روشنگری یاری برساند. شاید لازم است پیش از هر چیز با دیدگاه های بسیاری از افراد بدسگال، تنگ قلب و کوتاه-بین در میان نژاد خود مبارزه کنیم.

آنها بازهم خواهند گفت که من سلاح های جدیدی به دست یهودی ستیزی می دهم. چرا؟ چون حقیقت را تایید می کنم؟ چون معتقد نیستم که ما فقط افراد عالی داریم؟ آیا مردم خواهند گفت که من به دشمنان، راه آسیب زدن به خودمان را نشان می-دهم؟ این یکسره نادرست است. طرح من تنها می تواند با توافق آزاد اکثریت یهودیان انجام شود. ممکن است کارهایی علیه قدرتمندترین افراد یا گروه های یهودیان انجام شود، اما دولت ها هرگز کاری علیه همه یهودیان نخواهند کرد. حقوق مساوی یهودیان در برابر قانون به محض اعطاء، دیگر لغوشدنی نیست؛ زیرا نخستین تلاش برای لغو آن بیدرنگک یهودیان از فقیر تا غنی را به صفوف احزاب انقلابی خواهد راند. آغاز هر عمل رسمی بیعدالتی علیه یهودیان، بی استثناء بحران اقتصادی بر خواهد انگیخت. از این رو، هیچ سلاحی به طور مؤثر نمی تواند علیه ما اعمال شود، زیرا دست های شلیک کننده را زخمی خواهد کرد. در این میان، به تدریج، نفرت رشد می کند. ثروتمندان چندان آنرا حس نمی کنند، اما تنگدستان ما چرا. بیایید از تنگدست ترین هایمان پرسیم که چگونه پس از جدیدترین لغو آنتی سمیتیزم، شدیدتر از همیشه به صفوف پرولتاریا پیوسته اند.

برخی از ثروتمندان ما شاید بگویند که فشار هنوز چندان شدید نیست که مهاجرت را توجیه کند و در هر خروج اجباری می بینیم که مردم ما چقدر نسبت به عزیمت اکراه دارند. درست است، زیرا آنها نمی دانند کجا بروند؛ فقط از یک دردسر به دردسر دیگر منتقل می شوند. اما ما به آنها راه سرزمین موعود را نشان می دهیم؛ و نیروی شکوهند اشتیاق باید با نیروی مهیب عادت بجنگد.

آیا آزار و پیگردها دیگر به بدخیمی قرون وسطی نیستند؟ درست است، اما حساسیت ما هم بالا رفته و کاهش رنج هایمان را احساس نمی کنیم؛ آزار و پیگردِ دیرپا اعصاب ما را فوق حساس کرده است.

آیا مردم باز خواهند گفت که به طرح و اقدام ما امیدی نیست، زیرا حتی اگر سرزمین و سروری بر آن را به دست بیاوریم، تنها تهیدستان با ما به آنجا خواهند رفت؟ ما دقیقاً در ابتدای کار، با فقیرها کار داریم. تنها افراد بی سرو سامان، فاتحان خوبی می شوند.

آیا برخی خواهند گفت: اگر امکانپذیر بود، چرا خیلی وقت پیش انجام نشد؟

تا امروز هیچ گاه ممکن نشد، اما اکنون ممکن است. صد یا حتی پنجاه سال پیش رؤیایی بیش نبود، ولی امروز می تواند به واقعیت بدل شود. ثروتمندان ما که از راه لذت های زندگی با همه دستاوردهای فن آوری آشنایی دارند، خوب می دانند که پول چه کارها می تواند بکند. پس چنین خواهد بود: فقط تهیدستان و افراد ساده که نمی دانند بشر چه قدرتی بر نیروهای طبیعت دارد، استوارترین ایمان را به این پیام خواهند داشت. زیرا آنها هیچ گاه امید خود را به سرزمین موعود از دست نداده اند.

این چنین است همکیشان یهودی! نه افسانه است و نه فریب! هر فرد، واقعیت آنرا برای خود خواهد آزمود، زیرا هر فرد از ما بخشی از سرزمین موعود را درون خود دارد؛ یکی در سرش، دیگری در دستانش و یکی دیگر در مالکیت هایی که به دست می آورد.

در حال حاضر، همه اینها ممکن است اموری بلندمدت و بی پایان به نظر برسند. حتی در بهترین شرایط، سال های بسیاری خواهند گذشت تا به آغاز پی ریزی کشور برسیم. در این میان، یهودیان در هزاران مکان مختلف از توهمین ها، ارباب، آزار، غارت، نومیدی و مرگ، رنج خواهند کشید. اما نه! اگر ما فقط آغاز به اجرای طرح هایمان کنیم، آنگاه آنتی سمیتیزم یک بار برای همیشه در خواهد ماند. زیرا نتیجه، صلح خواهد بود.

اخبار تشکیل شرکت یهود ظرف یک روز با سرعت بالای سیم های تلگراف به دورترین نقاط زمین خواهد رسید.

و بیدرنک رهایی آغاز می شود. تحصیلکردگانی که ما در طبقه متوسط خود به وفور تولید می کنیم، در سازمان های اولیه ما جایگاه می یابند و نخستین تکنیسین ها، افسران، استادان دانشگاه، کارمندان، و کیلان و پزشکان ما می شوند؛ و این گونه، جنبش ما با چالاکي، اما رشدی آرام، تداوم می یابد.

برای موفقیت کار ما در کنیساها و نیز کلیساها دعا خواهند کرد، زیرا رهایی از موانع دیرپایی که همگان از آن رنج برده اند را به همراه می آورد.

اما باید ابتدا ذهن افراد را به روشنگری مجهز سازیم. این ایده [تشکیل کشور یهود] راه خود را به دورترین و فقیرنشین ترین زاغه هایی که مردم ما در آن خانه دارند، خواهد گشود. آنها از افکار ملال آور خود بیدار می شوند، زیرا معنای نوینی به زندگی شان وارد می گردد. هر فرد کافی است به فکر خود باشد تا جنبش، ابعاد گسترده ای بیابد.

و چه افتخاری نصیب آنانی می شود که فداکارانه برای هدف مبارزه می کنند!

از این رو باور دارم که نسل شگفت انگیزی از یهودیان پا به عرصه وجود خواهد گذاشت. مکابی ها ۳۳ بار دیگر به پا خاسته اند.

بگذارید دوباره سخنان اول خود را تکرار کنم: یهودیانی که خواهان کشور خود هستند، آنرا به دست خواهند آورد. ما باید سرانجام روزی مانند انسان های آزاد بر روی خاک خود زندگی کنیم و در خانه های خویش با آرامش، چشم از دنیا فرو بندیم.

دنیا با آزادی ما آزاد خواهد شد، با ثروت ما به غنا خواهد رسید، و با عظمت ما مسحور خواهد شد. و هر تلاشی که "آنجا" برای رفاه خود بکنیم، با قدرت بسیار و نیت خیر، به سود بشریت خواهد بود.

³³ Maccabees توضیح مترجم فارسی: نام گروهی که در قرن دوم پیش از میلاد علیه تسلط یونانیان سلوکی بر یهودا، سرزمین یهودیان، قیام کردند و پس از پیروزی و بازیابی استقلال، سلسله خشمونائیم را پایه گذاشتند.

فهرست آثار شیریندخت دقیقیان

تارنمای آثار نویسنده:

<https://sites.google.com/view/publicationsdirect/home>تماس با نویسنده: mypublicationsdirect@gmail.com**تالیف پژوهشی (کتاب)**

نردبانی به آسمان: نیایشگاه در تاریخ و فلسفه یهود، ۲۰۰۰، تهران، نشر ویدا

زنانه با پروین، ۱۹۹۹، نشر سالی، تهران

پژوهشی در نقش پروتوتیپ ها در آفرینش ادبی، ۱۹۹۰، تهران، نشر چشمه، چاپ دوم،

نشر مروارید ۲۰۲۰

شرحی تاریخی و مفهومی بر تلمود، ۲۰۱۳، ایالات متحده، ناشر Persian

Maimonides Foundation

شرحی بر دلالت الحائرين

A Commentary on the Guide for the Perplexed

به دو زبان فارسی و انگلیسی. ۲۰۱۲، ایالات متحده، ناشر Persian Maimonides

Foundation

اندیشیدن، هنوز. مجموعه نوشتارهای فلسفی و اجتماعی. شرکت کتاب. لس آنجلس، ۲۰۰۷

فناجویی یا انسان خدایی؟ پژوهشی در عرفان ایرانی و حکمت قبالا. ناشر، نویسنده. لس

آنجلس، ۲۰۲۳

لحظه همداستانی - کارگاه داستان نویسی و نقد ادبی. ناشر، نویسنده. ویرجینیا ۲۰۲۳

اندیشه های لیبرال پیرامون آزادی - مقدمه ها از جمشید اسدی و علی سجادی. ناشر، نویسنده.

ویرجینیا، ۲۰۲۴

شرح و ترجمه (کتاب):

* راهنمای سرگشتگان [دلالت الحائرین]؛ اثر موسی بن مایمون، در سه جلد؛ ۲۰۱۲، ایالات متحده، ناشر Persian Maimonides Foundation

* مدیتیشن: اریه کاپلان. مقدمه، حواشی و شرح: شیریندخت دقیقیان. ۲۰۱۳. ایالات متحده، ناشر Persian Maimonides Foundation

* نیروی کبالا. یهودا برگ. Kabbalah Centre International لس آنجلس ۲۰۰۸-
چاپ چهارم ۲۰۱۸

* رمز. میخائیل برگ. Kabbalah Centre International لس آنجلس ۲۰۰۸

* رمزهای زوهر. میخائیل برگ. Kabbalah Centre International لس آنجلس در
دست انتشار

* اسطوره، امروز؛ رولان بارت، ۱۹۹۶، تهران، نشر مرکز، چاپ نهم

* نقد و حقیقت؛ رولان بارت، ۱۹۹۷، تهران، نشر مرکز، چاپ نهم

* درجه صفر نوشتار، رولان بارت، ۱۹۹۸، تهران، نشر هرمس، چاپ سوم

* هورلا، گی دوموپاسان، نشر چشمه، ۱۹۹۶، چاپ چهارم

* مقاله های نقد، رولان بارت، در دست انتشار

* مقاله های نقد نو، رولان بارت، در دست انتشار

* تولستوی از دریچه یادها، نشر خنیا، ۱۹۹۲، تهران، چاپ دوم

* مدرنیته، الکسی نوس، نشر باغ آینه، در دست انتشار

* دلبند، تونی موریسون، نشر چشمه/روشنگران، ۱۹۹۷، تهران، چاپ چهارم ۲۰۱۹

* داستان پسر، نادین گوردایمر، نشر روشنگران، ۱۹۹۶، تهران، چاپ سوم ۲۰۱۹

نوشتار یا زندگی، ژرژ سامپرن، درباره اردوگاه مرگ بوخنوالد- ممنوع چاپ در ایران از

سال ۱۹۹۹

* کتاب شناخت، اثر موسی بن مایمون، ۲۰۱۳، ایالات متحده، Persian Maimonides
Foundation

* عهد و گفتگو، تفسیرهای فلسفی از تورات. لرد جاناتان ساکس. سال ۲۰۲۲ در تارنمای

rabbisacks.org

مطبوعات و رسانه ها

سردبیر زیباشناخت - مطالعات فلسفه هنر ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰
 عضو شورای دبیران گاهنامه فلسفی خرمگس از ۲۰۱۳ تا امروز
 سردبیر فصلنامه پژوهش های فرهنگی آرمان از ۲۰۱۷ تا امروز
 نویسنده ستون داستان و روایت در تارنمای رادیو زمانه از ۲۰۲۱ تا ابتدای ۲۰۲۴

جستارهای تالیفی در زمینه فلسفه غرب و نظریه ادبی (مطبوعات و رسانه ها)

بازیافت یک دیالوگ پنهان: مارتین بوبر و ایمانوئل کانت پیرامون شر ریشه دار
 تفاوت رویکردها در نقد اجتماعی
 ارایش فروم و کارل مارکس در برابر پرسش آزادی
 نقش فیلسوفان دیندار غرب در پایه ریزی نظری سکولاریزم
 جستاری پیرامون فلسفه دیدار و گفتگو در من و تو اثر مارتین بوبر
 مقدمه ای بر توانمندسازی شهروندی
 لحظه های همداستانی: نقش داستان گویی در توانمندسازی شهروندی
 ارایش فروم و کارل مارکس در برابر پرسش آزادی
 شناخت شناسی دلالت الحائزین از دریچه مدل پیشنهادی والتر کافمن در تعریف دین
 دن کیشتوت و دایی جان ناپلئون؟
 کارگاه نقد ادبی در چهار بخش (زمانه)
 نظریه های مدرن راهبری (زمانه)

ترجمه آثار کلاسیک فلسفه غرب (مطبوعات و رسانه ها)

درباره همنشینی اصل شر با خیر، یا پیرامون شر ریشه دار در طبیعت آدمی: ایمانوئل کانت.
 کل کتاب اول دین در محدوده های عقل صرف
 انگاره های خیر و شر: مارتین بوبر. کل کتاب دوم از مجموعه خیر و شر
 نامه ای پیرامون مدارا: جان لاک

دو مفهوم از آزادی: آیزایا برلین
 لیبرالیسم و هنر تفکیک: مایکل والزر
 تعهد به نافرمانی مدنی. مایکل والزر
 انگاره های خیر و شر: مارتین بوبر. کل کتاب دوم از مجموعه خیر و شر
 فکرت انسان در ادبیات: اریش اویرباخ
 فولکلور شکل خاص آفرینش هنری: رومن یاکوبسون

مصاحبه با فیلسوفان جهانی

- مصاحبه با مایکل والزر - گاهنامه فلسفی خرمگس ۲۰۱۵
 مصاحبه با لو مارینوف - خرمگس ۲۰۱۵
 مصاحبه با اسلاووی ژیزک - خرمگس ۲۰۱۶
 مصاحبه با مایکل والزر - رادیو زمانه ۲۰۲۲